

## فصلنامه جهان نوین

No 4, 2 021 , P 1-13

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱-۱۳

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شاپا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)

بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان  
(مورد مطالعه: سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری قزوین)

فرهاد رشوند<sup>۱</sup>، سلمان سمیاری<sup>۲</sup>

## چکیده:

امروزه منابع انسانی با ارزشترین عامل تولید و مهمترین سرمایه هر سازمان و منبع اصلی زاینده مزیت رقابتی و ایجادکننده قابلیت‌های اساسی هر سازمان است، یکی از عمده‌ترین برنامه‌ریزی‌های سازمانی، برنامه‌ریزی منابع انسانی است. بنابراین هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان می‌باشد. جامعه آماری شامل تمامی مدیران و کارکنان سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری قزوین به تعداد ۱۱۱ نفر است. بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۸۶ نفر به دست آمد؛ که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس توزیع و به‌صورت تکمیل شده از بین مدیران و کارکنان شاغل در سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری قزوین جمع‌آوری گردید. به‌منظور اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه استاندارد استفاده شد. روایی آن بر اساس روایی محتوایی و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید. آزمون مدل پژوهش بر اساس روش معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل انجام گرفت. نتایج نشان داد که مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان تأثیر مثبت و معنادار دارد و همچنین تأثیر مثبت و معنادار کارمند یابی بر عملکرد سازمان تأیید شد و نهایتاً تأثیر مثبت و معنادار ارزیابی عملکرد بر عملکرد سازمان نیز تأیید شد.

واژگان کلیدی: مدیریت منابع انسانی، عملکرد سازمان، کارمندیابی، ارزیابی عملکرد، سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری قزوین

1- کارشناس ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه پیام نور تهران غرب، تهران، ایران . Email:farhad.rashvand@yahoo.com

2- کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، دانشگاه سهروردی، قزوین، ایران . Email:ssimiari1984@gmail.com

## ۱- مقدمه

از آنجا که امروزه منابع انسانی با ارزشترین عامل تولید و مهمترین سرمایه هر سازمان و منبع اصلی زاینده مزیت رقابتی و ایجادکننده قابلیت‌های اساسی هر سازمان است، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های سازمانی، مدیریت منابع انسانی است. با توجه به اینکه منابع انسانی، منبع استراتژیک برای سازمان‌ها محسوب می‌شود، جزء مهم و لاینفک مباحث مدیریت استراتژیک است و اکثر برنامه‌ریزی‌های سازمانی و منابع انسانی ماهیت استراتژیک خواهند یافت (لوین و تی، ۲۰۱۹). از عمده‌ترین عواملی که موجب نگرش جدید در مدیریت و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک منابع انسانی شده است روند تغییرات و دگرگونی‌های تکنولوژیک، فرهنگی و اقتصادی در محیط داخلی و خارجی سازمانهاست که همواره با آن مواجه‌اند. اگر سازمان‌ها می‌خواهند همسو با این تغییرات باشند بایستی نگرش جامع و راهبردی داشته و الزامات گوناگونی را مدنظر قرار دهند (داولینگ، ۲۰۱۹). در عصر حاضر، اساسی‌ترین منبع رقابتی سازمان‌ها، منابع انسانی کارآمد هستند. در عین حال، بسیاری از سازمان‌ها فاقد تخصص و مهارت لازم هستند که بتوانند به طور مؤثر برنامه‌های استراتژیک منابع انسانی را تهیه کنند. نکته حائز اهمیت آنکه لازمه شکل‌گیری استراتژی‌های منابع انسانی در هر سازمانی مستلزم فرهنگی غنی می‌باشد. همسوسازی و پیوند فرهنگ سازمانی با حوزه‌های مختلف منابع انسانی، توسعه منابع انسانی را به همراه دارد که نیازمند برنامه‌ریزی سازمانی است (اسکندرپور و همکاران، ۱۳۹۹).

صاحب‌نظران و محققان معتقدند عملکرد، موضوعی اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی است و مشکل بتوان سازمانی را تصور کرد که مشمول ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد نباشد. آنان توجه به «عملکرد سازمان» را باعث توسعه تئوری سازمانی ذکر می‌کنند و عملکرد را موضوع اصلی در فضای عملی می‌دانند. در نتیجه این بحث توجه محققان، اقتصاددانان و مدیران اجرایی را به خود جلب کرده است. ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در جهت رفتار مطلوب می‌شود و بخش اصلی تدوین و اجرای سیاست سازمانی است (ریاحیان و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که مدیریت منابع انسانی چه تأثیری بر عملکرد سازمان دارد؟

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

## الف) مدیریت منابع انسانی

مدیریت منابع انسانی عبارت است از فرایند کار کردن با افراد، به طوری که این افراد و سازمانشان به توانمندی کاملی دست یابند، حتی زمانی که تغییر، نیاز به کسب مهارت‌های جدید، تقبل مسئولیت‌های جدید و شکل جدیدی از روابط را ملزم باشد. در واقع مدیریت منابع انسانی استفاده از نیروی انسانی در جهت اهداف سازمان است و شامل فعالیت‌هایی نظیر کارمندیانی، آموزش، حقوق و دستمزد و روابط سازمانی می‌شود (الیا و همکاران، ۲۰۱۹). به عبارتی دیگر مدیریت منابع انسانی تابعی در سازمان است که عملکرد کارکنان را در خدمت‌رسانی به اهداف استراتژیک کارفرما، به حد اعلا می‌رساند. مدیریت منابع انسانی به دنبال یافتن چگونگی مدیریت افراد در سازمان‌ها، با تمرکز بر سیاست‌ها و سیستم‌ها می‌باشد. واحدها و بخش‌های مدیریت منابع انسانی، خصوصاً مسئول عده‌ای از فعالیت‌ها، از جمله استخدام، آموزش و توسعه، ارزیابی عملکرد و پاداش و جزا (برای مثال مدیریت سیستم حقوق و مزایا) می‌باشد. همچنین مدیریت منابع انسانی به روابط

صنعتی توجه دارد که همان تعادل در اعمال سازمانی با قوانین ناشی از بحث‌های بین کارکنان و مدیران و قوانین دولتی می‌باشد (فیضی و عزیزیان، ۱۳۹۶).

تمرکز بر ظرفیت‌ها و منابع انسانی موجود در سازمان‌ها دارای اهمیت بوده و یکی از زیربناهای مدیریت صحیح نیروی انسانی محسوب می‌شود؛ اما باید دید مسئولیت این حوزه از فعالیت‌های سازمانی که بر عهده مدیریت منابع انسانی می‌باشد، تا چه زمان و تا کجا می‌تواند تأثیر خود را در مدیریت منابع انسانی به‌درستی انجام می‌دهد، چرا که خروج از محور استاندارد می‌تواند منبعت از مباحث متفاوتی باشد، یکی از این مباحث تنوع فرهنگی و نادیده گرفتن آن در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و مدیریت منابع انسانی است که می‌تواند به طور جدی زمینه‌های انحطاط سازمان و شکست برنامه‌های مدیریت منابع انسانی و به تبع آن هزینه‌های سنگین سازمانی گردد (اسماعیل‌پور و محمدی، ۱۳۹۶)، چرا که سازمانی که نیروی انسانی را به‌واسطه موانعی مانند تنوع فرهنگی و یا عدم همسویی فرهنگی کارکنان همراه تغییرات و تحولات برنامه و استراتژی‌های خود نمی‌بیند، نمی‌تواند برنامه‌های مدیریت منابع انسانی را به‌درستی اجرا کند، به تبع آن تحقق اهداف سازمانی نیز با چالش‌های بزرگی روبرو می‌شوند، اما توجه به مبانی علمی و نظری و مطالعات صورت گرفته در این زمینه و تلاش برای استفاده از نتایج مطالعات میدانی در این زمینه می‌تواند زمینه‌های کنترل آثار مخرب مدیریت منابع انسانی و استفاده از ابعاد ارزشمند مدیریت منابع انسانی را فراهم نماید. قطعاً روشن شدن این ابعاد ارزش‌ها و نقش آن در مدیریت صحیح منابع سازمانی را فراهم نماید (اصلانیان و یار بیگی، ۱۳۹۸).

#### ب) عملکرد سازمان

مدل‌های مدیریت عملکرد سازمان به طور کلی به دو دسته مدل‌های مبتنی بر مفهوم مدیریت استراتژیک و مدل‌های مبتنی بر مفهوم مدیریت کیفیت فراگیر قابل تقسیم‌بندی هستند. از سری مدل‌های استراتژیک، مدل کارت امتیازی متوازن که یک مفهوم نوین مدیریتی است و به مدیران کمک می‌کند بتوانند فعالیت‌های کلیدی خود را پایش کنند. از دیگر مدل‌های این حوزه مدیریتی، مشهورتر، کامل‌تر، به‌روزتر و در عین حال پیچیده‌تر است و در میان مدل‌های کیفیتی هم مدل سرآمدی (بنیاد مدیریت کیفیت اروپایی) نسبت به بقیه از طرف‌داران بیشتری برخوردار است و بیشتر در کشورمان جایگاه کسب کرده و به نسبت کاربردی‌تر است (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۷).

دیگر مدل‌های تعالی سازمانی نظیر مدل‌های تعالی منابع انسانی، مدل‌های توانمندساز کارکنان و غیره نیز بر پایه مدیریت کیفیت فراگیر و بر اساس چرخه کیفیت پایه‌ریزی شده‌اند.

حقیقت این است که ماهیت مدل‌های کیفیتی، ماهیت ارزیابی‌کنندگی است و بیشتر برای خودارزیابی و سنجش نقاط قوت و ضعف درونی سازمان از این مدل‌ها استفاده می‌شود، نمره‌ای که سازمان از جایزه مدل‌های تعالی سازمانی که بسیار در کشور ما باب شده است به دست می‌آورد در واقع یک نمره خودارزیابی است و وضعیت کنونی سازمان را به تصویر می‌کشد، اما در مقابل مدل‌های مدیریت استراتژیک نظیر کارت امتیازی متوازن، مدل‌های با ماهیت آینده‌نگری هستند و برای رسیدن سازمان به آینده‌ای ایده‌آل در قالب توصیف چشم‌انداز و اهداف سازمانی عمل می‌کنند هر سازمان بر اساس زیرساخت‌های مدیریتی خود، دانش و فرهنگ سازمانی، جایگاهش در چرخه عمر سازمان، اندازه و به طور

کلی، کلیه ابعاد محتوایی و ساختاری سازمانی باید در مورد استفاده از مدل‌های مدیریت عملکرد تصمیم‌گیری کند (شکاری و همکاران، ۱۳۹۴).

سازمانی که به پیشرفت و تعالی فکر می‌کند و فرهنگ برنامه محوری و نیز بازخورد محوری را به‌عنوان زیرساخت اصلی در پیاده‌سازی کلیه مدل‌های مدیریت عملکرد در خود نهادینه کرده است، باید نهایتاً از هر دو رویکرد و مفهوم مدل‌ها بهره بگیرد، یعنی مدل‌های استراتژیک و کیفیت را در کنار یکدیگر و به‌صورت همسو و یکپارچه مورد استفاده قرار دهد. به این صورت که از قوت مدل در خودارزیابی و غنی‌سازی فرایندها در آینده‌گرایی و تبدیل استراتژی‌ها به عمل، به ایده‌آل‌ترین روش استفاده کند. مدل پیشنهاد شده بر اساس آخرین مدل ارائه شده در سال ۲۰۱۵ توسط نورتن و کاپلان دو دانشمند حوزه مدیریت استراتژیک و خالق مدل کارت امتیازی متوازن، با تلفیق این دو رویکرد با هدف ایجاد یک سیستم جامع برای سازمان‌هایی که به دنبال راه‌حلی برای تلفیق رویکردهای خود هستند با عنوان سیستم مدیریت جامع عملکرد ارائه شده است (سون و همکاران، ۲۰۱۱).

کاپلان و نورتن مدل خود را با هدف متصل‌سازی استراتژی‌ها به عملیات سازمان ارائه دادند و با لحاظ برنامه‌ریزی و نیز پایش «عملیاتی» علاوه بر برنامه‌ریزی و پایش «استراتژیک» به نوعی استراتژی‌ها را برای عملی شدن، به لایه‌های پایین سازمان حرکت دادند. در این مدل ارائه شده، دیگر از کارت امتیازی متوازن و نقشه استراتژی به عنوان یک ابزار ارزیابی عملکرد صرف استفاده نمی‌شود، بلکه این مدل و به تبع آن، مدل پیشنهادی، ارائه یک مدل مدیریت جامع عملکرد بر اساس مفهوم مدیریت استراتژیک است (دوستار و همکاران، ۱۳۹۷).

فرایند مدیریت عملکرد یک فرایند چرخه‌ای است که با برنامه‌ریزی عملکرد آغاز می‌شود. خود برنامه‌ریزی عملکرد نیز شامل دو بخش می‌باشد که عبارتند از:

الف) تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌های کارکنان و معیارها و انتظارات عملکرد که خود می‌تواند کارکنان را از نحوه مشارکت آنها در راهبرد سازمان آگاه نماید. در این بخش کارکنان با اهداف کلان سازمان و راهبردهای دستیابی به آنها به طور کامل آشنا می‌گردند و از خواسته‌ها و انتظارات سازمان آگاهی می‌یابند (ریچارد و همکاران، ۲۰۱۵).

ب) تهیه و تدوین اهداف مشخص برای کارکنان که این کار نیز بر مبنای وظایف، نقش‌ها و مسئولیت‌های خود کارکنان انجام می‌شود. هر دو بخش فوق‌الذکر در چهار مرحله برنامه‌ریزی و اجرا می‌شوند که عبارتند از:

۱- تعریف نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تعیین اهداف از سوی سرپرستان و با استفاده از داده‌های دریافتی از کارکنان به طور مشارکتی انجام می‌شود. (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

۲- سرپرست به اتفاق کارمند و به طور مشترک نسبت به تدوین راهبردهای لازم برای دستیابی به اهداف تعیین شده اقدام می‌نماید (ریچارد و همکاران، ۲۰۱۵).

۳- سرپرست به اتفاق کارمند در مورد روشی که برای ارزیابی عملکرد و پیشرفت کارمند مورد استفاده قرار خواهد گرفت، تصمیم‌گیری می‌نماید.

۴- سرپرست با انجام ارزیابی‌های لازم بر پیشرفت عملکرد کارمند نظارت نموده و بازخورد اصلاحی لازم را به

او ارائه می‌نماید و به هدایت وی می‌پردازد. گاهی نیز سرپرست در انتظارات خود تجدیدنظر نموده و آنها را تعدیل می‌نماید (همان). هدایت رکن اساسی مدیریت عملکرد است. در خلال جلسات هدایت، سرپرستان به ارائه راهکارهای لازم و هدایت کارکنان در مسیر توافق شده اقدام می‌نمایند تا کارکنان به اهداف از پیش تعیین شده دست یابند. فرایند مذکور باعث می‌شود تا عملکرد مطلوب کارکنان تشویق و در نتیجه تکرارپذیری آن بیشتر گردد و از طرفی عملکرد نامطلوب نیز شناسایی و با ارائه راهکار مناسب توسط سرپرست، کارمندان به اصلاح عملکرد خود اقدام نمایند. همان گونه که ملاحظه می‌شود نتیجه فرایند فوق بهبود عملکرد کارکنان است که در نهایت باعث افزایش بهره‌وری نیروی انسانی خواهد شد. بهره‌وری نیروی انسانی از دو طریق یکی حذف یا کاهش عملکرد نامطلوب کارکنان و دیگری حفظ یا افزایش عملکرد مطلوب و تشویق در تکرارپذیری آن (جاوید مهر و همکاران، ۱۳۹۴).

مدیریت عملکرد و سیستم‌ها و روش‌های مربوط به آن در سازمان‌های مختلف از جمله شاخه‌های مدیریت امروز است که بحث توانمندسازی و قابلیت پاسخگویی در چارچوب اصول و مفاهیم مدیریت را برای تحقق اهداف و وظایف سازمانی و قالب برنامه‌های اجرایی دنبال می‌کند. ارزیابی عملکرد فرایندی به منظور سنجش و اندازه‌گیری عملکرد در دستگاه‌های مختلف در قالب عباراتی نظیر کارایی، اثربخشی و توانمندسازی است که قابلیت پاسخگویی در چارچوب اصول و مفاهیم مدیریت برای تحقق اهداف و وظایف سازمانی و قالب برنامه‌های اجرایی را دارد (پارک و همکاران، ۲۰۱۳).

در تکمیل مطالب فوق لازم به ذکر است که طالقانی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان بررسی تأثیر ابزار مدیریت منابع انسانی بر بهبود عملکرد سازمانی میان کارکنان دانشگاه تهران نشان دادند که ابزارهای مدیریت منابع انسانی، بر عملکرد سازمانی در دانشگاه تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد.

رسولی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان بررسی تأثیر مدیریت استراتژیک منابع انسانی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس تهران نشان دادند که سازمان‌هایی که نوعی استراتژی‌های منابع انسانی، هم‌ردیف با استراتژی رقابتی خویش به کار گرفته‌اند (نوآوری در محصول / تسهیل‌سازی، کاهش هزینه / بهره‌گیری) عملکردی متمایز از شرکت‌هایی که این سیاست را پیش نگرفته‌اند، دارند.

الیاسی و هرشچ (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان تأثیر مدیریت استراتژیک منابع انسانی بر عملکرد سازمانی نشان دادند که وجود هماهنگی بین استراتژی منابع انسانی و استراتژی رفتار سازمانی منجر به هم‌افزایی و در نتیجه بهبود عملکرد سازمان می‌گردد.

لوکا ماروچی و تیریو داددی فابیو ایرالدو در سال (۲۰۲۱) تحقیقی تحت عنوان سهم مدیریت منابع انسانی سبز در اقتصاد دایره‌ای و عملکرد سازمان‌های دارای گواهی زیست‌محیطی انجام دادند و نشان دادند که مدیریت منابع انسانی سبز به طور مثبت بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارد، حتی با وجود تفاوت‌هایی بین هر عمل منفرد. علاوه بر این، مدیریت منابع انسانی سبز به گذار به سمت یک اقتصاد دایره‌ای کمک می‌کند بدون اینکه تحت تأثیر عوامل خارجی مانند تقاضای بازار، تعهد رقبا یا حمایت فناوری از چرخش باشد. تحقیقات ما، علاوه بر روشن کردن رابطه بین سرمایه انسانی و اقتصاد دایره‌ای، برای اولین بار مدیریت منابع انسانی سبز را با سیستم‌های مدیریت زیست محیطی مطالعه می‌کند. در نهایت،

نتایج تحقیق ما چندین راه برای تحقیقات بیشتر هم برای دانشگاهیان و هم برای پزشکان فراهم می‌کند. عبدالله کایدالسویدی و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیق خود با عنوان تأثیر مشترک مدیریت منابع انسانی سبز، رهبری و فرهنگ سازمانی بر رفتار سبز کارکنان و عملکرد محیطی سازمانی انجام دادند که یافته‌ها تأثیر نگرانی زیست محیطی، مدیریت منابع انسانی سبز و رفتار رهبری سبز را بر فرهنگ سازمانی سبز تأیید کرد. همچنین فرهنگ سازمانی سبز همچنین مثبت و معناداری با رفتار سبز کارکنان و عملکرد محیطی سازمانی تأیید شد. مهمتر از همه، فرهنگ سازمانی سبز همچنین رابطه بین نگرانی‌های محیطی، مدیریت منابع انسانی سبز، رفتار رهبری سبز و رفتار سبز کارکنان را واسطه می‌کند. اصالت این مطالعه با بررسی این روابط و آزمایش اثرات میانجی به ادبیات فعلی در مورد رفتار سبز کمک می‌کند. همچنین دستورالعمل‌هایی را برای تصمیم‌گیرندگان در مورد چگونگی به حداکثر رساندن رفتار سبز کارکنان در محل کار و متعاقباً ایجاد فرهنگ سازمان دوستدار محیط زیست ارائه می‌دهد.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر قابل بیان است؛

فرضیه اصلی اول: مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. کارمندیانی بر عملکرد سازمان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

۲. ارزیابی عملکرد بر عملکرد سازمان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

۳- روش تحقیق

جامعه و نمونه آماری.

جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران و کارکنان سازمان مدیریت آرامستان‌های شهرداری قزوین در نظر گرفته شده است که ۱۱۱ نفر می‌باشد. به منظور انتخاب شرکت‌ها به عنوان نمونه آماری از جدول مورگان استفاده شد. در نهایت ۸۶ پرسشنامه پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس در میان مدیران و کارکنان توزیع و جمع‌آوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است. پرسشنامه در سه بخش نامه همراه، اطلاعات جمعیت‌شناختی و سؤال‌های اختصاصی تنظیم شد. در بخش نخست تحت عنوان نامه همراه، علاوه بر بیان عنوان پژوهش، هدف از گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه و ضرورت همکاری صمیمانه پاسخ‌دهندگان در تکمیل پرسشنامه توضیح داده شد. بخش جمعیت‌شناختی شامل سؤال‌هایی در مورد مشخصات عمومی پاسخ‌دهندگان از قبیل جنسیت، سن، میزان تحصیلات و سنوات خدمت پاسخ‌دهندگان بود. بخش آخر نیز به سؤال‌های اختصاصی در مورد متغیرهای مستقل و وابسته اختصاص داشت. سؤال‌های مربوط به مدیریت منابع انسانی (۶ سؤال) و عملکرد سازمان (۷ سؤال)، از پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۷) استخراج شد. ادغام بانک‌ها (۴ سؤال)، و به صورت محقق ساخته می‌باشد. مقیاس مورد استفاده طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است. این مقیاس به طور خاص از مبنای کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافق استفاده می‌کند. براین اساس از اعضای نمونه آماری درخواست شد، بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت به سؤال‌های پرسشنامه پاسخ دهند.



روش‌های تجزیه و تحلیل آماری.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در گام نخست به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها با به کارگیری آزمون کلموگوروف - اسمیرنوف پرداخته می‌شود. گام بعد به ارزیابی روایی و پایایی پرسشنامه اختصاص دارد؛ سپس به منظور آزمون مدل پژوهش از روش معادلات ساختاری استفاده می‌شود. برای انجام روش‌های آماری مورد نظر از نرم افزار لیزرل استفاده می‌شود.

۴- یافته‌های پژوهش

آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف. برای بررسی توزیع داده‌های یک متغیر کمی از آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف استفاده می‌شود. در این آزمون، فرض صفر نشان‌دهنده ادعای مطرح شده در مورد نرمال بودن توزیع داده‌ها است. جدول ۱، نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف

| متغیر               | میانگین | انحراف استاندارد | آماره K-S | احتمال آماره K-S |
|---------------------|---------|------------------|-----------|------------------|
| مدیریت منابع انسانی | ۱۰/۶۲   | ۲/۱۲             | ۲/۶۲      | ۰/۳۴۸            |
| عملکرد سازمان       | ۱۶/۷۱   | ۳/۰۴             | ۲/۸۳      | ۰/۵۲۱            |
| کارمندیانی          | ۹/۱۲    | ۲/۰۴             | ۲/۸۳      | ۰/۴۸۲            |
| ارزیابی عملکرد      | ۱۴/۵۹   | ۴/۲۷             | ۱/۷۸      | ۰/۳۷۵            |

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که تمامی متغیرها، از توزیع نرمال پیروی می‌کنند؛ چراکه سطح معناداری این متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است و فرض صفر برای آن‌ها تأیید می‌شود. با توجه به نرمال بودن توزیع تمامی متغیرها، به منظور اجرای روش‌های مرتبط به مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد.

سنجش روایی سازه، تشخیصی و همگرا و پایایی. قبل از وارد شدن به مرحله آزمون مدل مفهومی پژوهش، ابتدا باید نسبت به روایی و پایایی پرسشنامه اطمینان حاصل شود. در روش معادلات ساختاری بررسی برازش مدل اندازه‌گیری بر چندین معیار شامل روایی سازه، روایی تشخیصی، روایی همگرا و پایایی مبتنی است. روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مورد آزمون قرار می‌گیرد. علاوه بر روایی سازه به بررسی روایی تشخیصی، روایی همگرا، پایایی و روایی واگرا نیز پرداخته شده است که نتایج در جدول ۲، مشاهده می‌شود.

جدول ۲. نتایج روایی تشخیصی، روایی همگرا، روایی واگرا و پایایی

| متغیر (سازه)        | میانگین واریانس استخراج شده (AVE) | پایایی ترکیبی (CR) | ضریب آلفای کرونباخ |             |
|---------------------|-----------------------------------|--------------------|--------------------|-------------|
|                     |                                   |                    | روایی واگرا        | روایی همگرا |
| مدیریت منابع انسانی | ۰/۷۲                              | ۰/۹۱               | ۰/۸۲               | ۰/۵۸        |
| عملکرد سازمان       | ۰/۸۲                              | ۰/۹۳               | ۰/۸۷               | ۰/۳۱        |
| کارمندیانی          | ۰/۷۴                              | ۰/۹۴               | ۰/۷۹               | ۰/۳۴        |
| ارزیابی عملکرد      | ۰/۸۱                              | ۰/۹۰               | ۰/۹۱               | ۰/۴۲        |

روایی تشخیصی در صورتی برقرار خواهد بود که مقدار میانگین واریانس استخراج شده بزرگ‌تر از مقدار بحرانی ۰/۵ باشد؛ همچنین سه شرط لازم برای تحقق روایی همگرا وجود دارد که بدین شرح است:

۱. مقدار پایایی ترکیبی بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد؛

۲. مقدار میانگین واریانس استخراج شده بزرگ‌تر از ۰/۵ باشد

۳. مقدار پایایی ترکیبی بزرگ‌تر از میانگین واریانس استخراج شده باشد. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالاتر از ۰/۷ باشد، نشان‌دهنده پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری است و مقدار ۰/۶ نیز بر نبود پایایی دلالت دارد.

صاحب نظران مقدار استاندارد برای ضریب آلفای کرونباخ را برابر با ۰/۷ در نظر گرفته‌اند؛ بنابراین با توجه به جدول ۲ و مقادیر استاندارد برای شاخص‌های موردنظر می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرا از طریق برآورد میانگین واریانس تبیین شده برقرار است.

مقادیر AVE برای عامل‌های این پژوهش بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ در نوسان است و چون شاخص AVE از ۰/۵ بالاتر است، این پرسشنامه، همگرایی مطلوبی دارد. برای بررسی واگرایی پرسشنامه متغیرهای MSV و ASV اندازه‌گیری شد. از آنجاکه مقادیر MSV و ASV از AVE کمتر است، روایی واگرا پرسشنامه تأیید می‌شود.

یکی از مهم‌ترین معیارها برای بررسی برازش مدل ساختاری عبارت آماره تی استیودنت است. نتایج ضرایب مسیر همراه با مقادیر آماره تی استیودنت و سطح معناداری در جدول ۳، نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج ضرایب مسیر همراه با مقادیر آماره تی استیودنت و سطح معناداری

| فرضیه          | متغیر مستقل         | متغیر وابسته  | ضریب مسیر | آماره تی استیودنت | سطح معناداری |
|----------------|---------------------|---------------|-----------|-------------------|--------------|
| H <sub>۱</sub> | مدیریت منابع انسانی | عملکرد سازمان | ۰/۸۴      | ۶/۱۴              | کمتر از ۰/۰۵ |
| H <sub>۲</sub> | کارمندیانی          | عملکرد سازمان | ۰/۷۱      | ۸/۰۹              | کمتر از ۰/۰۵ |
| H <sub>۳</sub> | ارزیابی عملکرد      | عملکرد سازمان | ۰/۸۹      | ۱۲/۲۴             | کمتر از ۰/۰۵ |

نتایج نشان می‌دهد که مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان تأثیر مثبت و معنادار با ضریب استاندارد ۰/۸۴ دارد؛ بنابراین فرضیه نخست مورد تأیید قرار گرفت.

کارمندیانی تأثیر مثبت و معنادار با ضریب استاندارد ۰/۷۱ بر عملکرد سازمان دارد؛ بنابراین فرضیه دوم تأیید شد. ارزیابی عملکرد، تأثیر مثبت و معنادار با ضریب استاندارد ۰/۸۹ بر عملکرد سازمان دارد؛ بنابراین فرضیه سوم نیز تأیید شد.

شاخص‌های برازش مدل از مهم‌ترین مراحل تحلیل مدل‌سازی معادلات ساختاری است. این شاخص‌ها برای پاسخ بدین پرسش است که آیا مدل بازنمایی شده با داده‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تأیید می‌کند یا خیر؟ نتایج مربوط به برازش پژوهش در جدول ۴، قابل مشاهده است.



جدول ۴. مقایسه شاخص‌های برازش مدل با مقدار مجاز

| شاخص                     |           | مقدار | مقدار مطلوب  | وضعیت |
|--------------------------|-----------|-------|--------------|-------|
| خی‌دو نسبی               | ( $X^2$ ) | ۲/۴۱  | کمتر از ۳    | مطلوب |
| شاخص تعدیل برازندگی      | (AGFI)    | ۰/۹۱  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص برازندگی            | (GFI)     | ۰/۹۳  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص برازندگی نسبی       | (RFI)     | ۰/۹۴  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص برازندگی فزاینده    | (IFI)     | ۰/۹۳  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص برازندگی تطبیقی     | (CFI)     | ۰/۹۲  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص نرمال نشده برازندگی | (NNFI)    | ۰/۹۱  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |
| شاخص نرمال شده برازندگی  | (NFI)     | ۰/۹۱  | بیشتر از ۰/۹ | مطلوب |

با توجه به مقدار شاخص و مقدار مطلوب در جدول ۸، شاخص خی‌دو نسبی برابر با  $(2/41 < 3)$ ، شاخص تعدیل برازندگی  $(0/91 > 0/9)$ ، شاخص برازندگی  $(0/93 > 0/9)$ ، شاخص برازندگی نسبی  $(0/94 > 0/9)$ ، شاخص برازندگی فزاینده  $(0/93 > 0/9)$ ، شاخص برازندگی تطبیقی  $(0/92 > 0/9)$  و نهایتاً شاخص نرمال نشده برازندگی  $(0/91 > 0/9)$ ، شاخص نرمال شده برازندگی  $(0/91 > 0/9)$  است که این بدین معنی است مدل پژوهش حاضر دارای برازش مطلوبی بوده و ساختار عاملی در نظر گرفته شده برای آن قابل قبول است؛ به عبارت دیگر داده‌های حاصل از پژوهش، مدل نظری را حمایت و تأیید می‌کند.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

امروزه سازمان‌ها، با توجه به عواملی نظیر انفجار اطلاعات، تغییرات سریع تکنولوژیکی، سرعت در ارتباطات پیشرفته فشار رقبا و ... از حاشیه امنیت به دور مانده و به منظور ادامه حیات خود، ناگزیرند خود را با تغییرات و تحولات فوق انطباق دهند، در غیر این صورت در خطر سقوط ورشکستگی قرار می‌گیرند.

یکی از مشکلات اصلی و بزرگ سازمان‌ها در ارتباط با مدیریت منابع انسانی، عدم توجه کافی و لازم آنها به موضوع مهم ضرورت پیوند استراتژی‌های کلان سازمان با استراتژی‌های مدیریت منابع انسانی بوده است که بسیاری از صاحب‌نظران مدیریت اعتقاد دارند، دلیل اصلی شکست بسیاری از سازمان‌ها، همین عامل مهم بوده است.

در این پژوهش تلاش شد تا تأثیر مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان مورد بررسی قرار گیرد. در بررسی فرضیه اصلی، مشخص شد که مدیریت منابع انسانی بر عملکرد سازمان تأثیر معنادار دارد و این فرضیه پذیرش می‌شود و همچنین فرضیه‌های فرعی پژوهش نیز بررسی کارمندیانی و ارزیابی عملکرد نیز مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد و نتایج تحقیق با تحقیق‌های طالقانی و همکاران (۱۳۹۵)، رسولی و همکاران (۱۳۹۳)، الیاسی و هرسچ (۱۳۹۴)، لوکا ماروچی و تیریو داددی فابیو ایرالدو (۲۰۲۱) و عبدالله کایدالسویدی و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. امروزه شرایط به گونه‌ای رقم خورده است که دیگر هیچ شرکتی در زادگاه خود از حاشیه امن برخوردار نبوده و بقای وی تضمین شده نیست. رقبای تجاری از

سایر کشورها، در کمین بازارهای داخلی نشسته‌اند و منتظرند تا در اولین فرصت پیش آمده، سهم بازار را از شرکت‌های داخلی بگیرند و سیطره خود را بر این بازارها بگسترانند. در این شرایط، اگر شرکتی خواهان بقا و ادامه حیات خود است، باید به فکر گسترش کسب‌وکار خود باشد

. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که تمرکز بر توانمندسازی سازمان در احترام به هویت سرزمینی و تاریخی کارکنان صورت گیرد و همچنین برنامه‌ریزی برای ارتقا سطح احترام به هویت رفتاری و فرهنگ و میراث فرهنگی در برنامه‌های مدیریت منابع انسانی صورت گیرد و با توجه به ارزیابی عملکرد تأثیر بسیار زیادی دارد پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری بر روی ارزیابی عملکرد سازمان صورت گیرد.



## ۶- منابع

۱. اسماعیل پور، م؛ محمدی، ز (۱۳۹۶) تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد فروشنده با نقش میانجیگری رفتار فروش انطباقی و رضایت شغلی، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری، تهران، مؤسسه آموزش عالی صالحان،
۲. اصلانیان، م؛ یار بیگی فیروزی، ا (۱۳۹۸) چالش‌های اندازه‌گیری منابع انسانی به اقتضای نقش‌های مدیریت منابع انسانی، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، مرکز همایش‌های پژوهشگاه نیرو،
۳. طالقانی غلامرضا، غفاری علی، حقیقی محمد (۱۳۹۵) بررسی تأثیر ابزار مدیریت منابع انسانی بر بهبود عملکرد سازمانی میان کارکنان دانشگاه تهران، بهار ۱۳۹۵، دوره ۸، شماره ۱؛ از صفحه ۱ تا صفحه ۱۴.
۴. رسولی، رضا؛ ضماهنی، مجید؛ شهرآیینی، سعید (۱۳۹۳) بررسی تأثیر مدیریت استراتژیک منابع انسانی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در بورس تهران، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۲، شماره ۴ - پیاپی ۷، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۳۳-۵۷
۵. الیاسی، سمیه و هرسج، فاطمه (۱۳۹۴) تأثیر مدیریت استراتژیک منابع انسانی بر عملکرد سازمانی، سومین کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، بابلسر.
۶. اسکندرپور، بهروز، عبدالعلی پور عدل، یونس؛ صائب نیا، سمیه (۱۳۹۹) شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های تنوع فرهنگی در مدیریت منابع انسانی (مورد مطالعه: شعب بانک ملت شهر اردبیل)، کنفرانس ملی مدرسه فردا دانشگاه محقق.
۷. ریاحیان، ف؛ اشتری، ا (۱۳۹۴) بررسی تأثیر رهبری تحول‌آفرین بر عملکرد سازمانی با استفاده از کارت امتیازی متوازن، اولین همایش بین‌المللی حسابداری، حسابرسی مدیریت و اقتصاد، اصفهان، دبیرخانه همایش،
۸. بهمنی، ک؛ کفچه، پ؛ مهدیه، ا (۱۳۹۷) بررسی ارتباط بین دارایی‌های مدیریت دانش بازاریابی با عملکرد سازمانی در شرکت‌های بیمه، همایش ملی مدیریت، فرهنگ سازمانی و منابع انسانی، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج
۹. شکاری، غ؛ رضایی، م (۱۳۹۴) بررسی نقش سرمایه اجتماعی و انگیزه فردی در اشتراک دانش جهت ارتقاء عملکرد سازمانی، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس،
۱۰. جاوید مهر، م؛ امیری جامی، ه (۱۳۹۴) سرمایه انسانی راهبرد نیل به عملکرد سازمانی، اولین همایش علمی پژوهشی یافته‌های نوین علوم مدیریت، کارآفرینی و آموزش ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین،
۱۱. خان محمدی، م؛ نصر اصفهانی، ع؛ شکرچیزاده، ا (۱۳۹۲) بررسی رابطه‌ی بین نوآوری، پیش‌گامی و ریسک‌پذیری با عملکرد سازمانی (مورد مطالعه: صنعت مواد غذایی در استان اصفهان)، دومین همایش ملی علوم و صنایع غذایی، قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان،
۱۲. دوستار، م؛ اسماعیل‌زاده، م؛ حسینی، ه (۱۳۹۷) سکوت سازمانی و ارتباط آن با عملکرد سازمانی و تعهد کارکنان، کنفرانس بین‌المللی توسعه و تعالی کسب‌وکار، تهران، مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا،
۱۳. فیضی، س؛ عزیزیان کهن، ن (۱۳۹۶) مدیریت منابع انسانی در عصر تنوع فرهنگی، چهارمین همایش ملی فرهنگ سازمانی و منابع انسانی، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج

۱۴. Park, T. Y., & Shaw, J. D. (۲۰۱۳). Turnover rates and organizational performance: A meta-analysis. *Journal of Applied Psychology*, ۹۸(۲), ۲۶۸
۱۵. Richard, P. J., Devinney, T. M., Yip, G. S., & Johnson, G. (۲۰۱۵). Measuring organizational performance: Towards methodological best practice. *Journal of management* .۱۶.
۱۷. Soon, T. T., & Zainol, F. A. (۲۰۱۱). Knowledge management enablers, process and organizational performance: evidence from Malaysian enterprises. *Asian Social Science*, ۷(۸), ۱۸۶
۱۸. Luca Marrucci, Tiberio Daddi Fabio Iraldo (۲۰۲۱). The contribution of green human resource management to the circular economy and performance of environmental certified organisations, *Journal of Cleaner Production*, Volume ۳۱۹, ۱۵ October ۲۰۲۱, ۱۲۸۸۵۹
۲۰. Abdullah, Kaid Al-Swidia Hamid, Mahmood Gelaidana Redhwan ohammed Salehb, (۲۰۲۱), The joint impact of green human resource management, leadership and organizational culture on employees' green behaviour and organisational environmental performance, *Journal of Cleaner Production*, Volume ۳۱۶, ۲۰ September ۲۰۲۱, ۱۲۸۱۱۲
۲۱. Dowling, P. (۲۰۱۹). International human resource management Managing people in a multinational context. Cengage Learning.
۲۲. Lewin, D., & Teece, D. J. (۲۰۱۹). Human resource management strategy and practice: from individual motivation to dynamic capabilities. In *Handbook of Research on Strategic Human Capital Resources*. Edward Elgar Publishing.

## Investigating the Impact of Human Resource Management on Organizational Performance

(Case Study: Qazvin Municipality Hermit Management Organization)

farhad.rashvand

Master of Media Management, Payame Noor University, West Tehran, Tehran, Iran

Salman Samyari

Master of Human Resource Management, Suhrawardi University, Qazvin, Iran

### Abstract:

Today, human resources are the most valuable factor of production and the most important capital of any organization and the main source of competitive advantage and the basic capabilities of any organization. One of the most important organizational planning is human resource planning. Therefore, the main purpose of this study is to investigate the impact of human resource management on organizational performance. The statistical population includes all managers and employees of Qazvin Municipality Hermitages Management Organization in the number of 111 people. According to Morgan's table, the sample size was 86 people; Which was distributed according to the available random sampling method and collected in a completed manner among the managers and employees working in Qazvin Municipality Hermitages Management Organization. A standard questionnaire was used to measure the variables. Its validity was evaluated based on content validity and its reliability was evaluated with Cronbach's alpha coefficient. The research model was tested based on the structural equation method with LISREL software. The results showed that human resource management has a positive and significant effect on the performance of the organization and also the positive and significant effect of hiring on the performance of the organization was confirmed and finally the positive and significant effect of performance appraisal on the performance of the organization was confirmed.

**Keywords:** Human resource management, organizational performance, staffing, performance evaluation, Qazvin Municipality Hermit Management Organization

## فصلنامه جهان نوین

No 4, 2 021, P 14 - 41

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۱-۱۴

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شاپا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)

## فرانزیه‌ی تئوری‌های پست مدرن

پوریا فرح گل<sup>۱</sup>، سپیده خوشاب<sup>۲</sup>، فاطمه زارع مؤیدی<sup>۳</sup>

## چکیده:

اسارت جهان واقع در نگاه پست مدرن منظر می‌یابد. با توجه به اینکه پست مدرنیسم به مانند خیلی از ایسم‌های دیگر یک تجربه و فکر بومی نیست، باید با احتیاط و دقت در این مسیر پیش رفت. پست مدرنیسم یعنی پذیرفتن چیزی فراتر از اکنون. در تئوری پست مدرن، هستی‌شناختی مقدم بر معرفت‌شناختی است. بنابراین، این مقاله با رویکرد فراهم نمودن مقدمه‌ای کلی درباره‌ی برخی مفاهیم و تئوری‌های اساسی پست مدرن نگارش یافته است. هدف این مقاله، فرانزیه‌پردازی پست مدرن است. نقد و مقایسه با جامعه‌ی مدرن، بررسی خاستگاه، بررسی فلسفه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، بررسی پست مدرن از منظر دانشمندان چون میشل فوکو، دریدا، لیوتار، بودریار و بررسی زوایای هنری اعم از معماری-شهرسازی، تئاتر و سینما و هنرهای تجسمی و آثار جغرافیا به شیوه‌ای مروری و کتابخانه‌ای انجام شد. با ارزیابی نقادانه و شالوده‌شکنی و بهره‌گیری از استعاره‌ها و ضرب‌المثل‌ها، روایت دنیای کنونی در تمام ابعاد از منظر پست مدرن در قالب فرانزیه در قسمت نتیجه‌گیری نمایان شد. فرانزیه در این پژوهش بر مبنای تضاد، تفاوت و نقد اذعان دارد که آری اینجا پست مدرن است؛ لذا، زبان سبز سر سرخ می‌دهد بر باد!

واژگان کلیدی: فرانزیه، پست مدرن، مدرنیسم

1- دانشجوی دکترای مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

2- کارشناسی ارشد گروه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران sepidehkhoshab@gmail.com

3- کارشناسی ارشد MBA گرایش استراتژی، پردیس بین‌الملل دانشگاه تهران، کیش، ایران hasti.moayedi@yahoo.com



## مقدمه

مدرنیسم یا مدرنیته پس از عصر روشنگری در اروپا گسترش یافت و انسان غربی به عقل خود بیشتر اعتماد پیدا کرد که بعضی از ویژگی‌های آن: اعتماد به توانایی عقل انسان و علم برای معالجه، تأکید بر مفاهیم پیشرفت، طبیعت و تجربه‌های مستقیم، مخالفت آشکار با مذهب، اومانیزم، روش‌شناسی تجربی و پوزیتیویسم می‌باشد. در سال‌های اخیر حرکتی علیه آزادی و عقل شکل گرفته است که نه تنها در هنر معماری و ادبیات، بلکه به علومی نظیر حقوق، اخلاق، سیاست، جامعه‌شناسی و اقتصاد نیز سرایت کرده و به پست مدرنیسم شهرت یافته است. تعریف پست مدرنیسم به «پایان مدرنیسم» صحیح نیست، بلکه نقد مدرنیسم و تداوم جریان آن است؛ لذا کلمه «Post» به معنی «تداوم یک جریان» است (نوذری، ۱۳۷۹). کسی که امروز به تفکر پست مدرن روی می‌آورد مخالف مدرنیته نیست، بلکه آن را قابل نقد می‌داند (داوری، ۱۳۸۲).

پست مدرنیسم یکی از مهم‌ترین نگرش‌های فکری در اواسط قرن بیستم به این سو است. اما انکار مدرنیته، رسالت پست مدرنیسم نیست، چرا که اندیشه‌ی پست مدرن هرچند در نقد آن آمده، ولی قصد انکار آن را ندارد (زاهد، ۱۳۹۲).

شواهدی در دست است که دنیا در حال شکستن پارادایم مدرنیسم است. الگوهای قدرت کمتر از گذشته سخت و ثابت‌اند، فناوری‌های جدید در حال ظهورند، صنایع جدیدی در حال رونق گرفتن هستند، فرهنگ‌های تازه خلق می‌شوند، قدرت‌های سیاسی جدید پا می‌گیرند و همه‌ی این تغییرات با سرعتی باورنکردنی پیش می‌روند. هیچ‌کس نمی‌تواند واقعاً پیش بینی کند که در دهه‌ی آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد (Cheng, 2005 & Cheng, 2007). از لحاظ نظری، در گفتمان پست مدرن، به دلیل نقد عقل تجربی و رد مبناگرایی و ذات‌گرایی، حقوق ذات و ماهیت مستقلی نداشته و نمی‌تواند با تکیه بر عقل تجربی و با نوعی مشروعیت شکلی و در لباس قانون، داعیه‌دار اصلاح ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد (شهابی، ۱۳۹۲).

دوره‌ی پست مدرنیسم با نوعی ضرورت بازبینی و بازاندیشی در بنیان‌های اساسی مدرنیسم آغاز شد، بنیان‌هایی که زمانی با سرعت و قدرت پیشروی کرده بود و اینک از حل مسائل و پرسش‌های پیش روی انسان عاجز مانده است (مصباحی جمشید و همکاران، ۱۳۹۵).

پست مدرن‌ها با انتقاد از فلسفه‌ی مدرن، روی نسبی‌گرایی، کثرت‌گرایی، بی‌اعتباری فرا روایت‌ها، توجه به گفتمان و زبان، تکیه می‌کنند (سادات حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). برخی نیز اعتقاد دارند که پست مدرنیسم یک رویکرد معرفت‌شناختی و یک سبک هنری و در معنای وسیع‌تر، یک دوره‌ی تاریخی است (Hirt, ۲۰۰۹).

هر حوزه‌ای که بخواند به‌روز بماند و مزیت رقابتی خود را حفظ کند، ناگزیر باید در ابعاد نظر و عمل، قابلیت و کارآمدی خود را در طول زمان نشان دهد. بنابراین هیچ حوزه‌ای از دانش از جذب و هضم اندیشه‌های نوین بی‌نیاز نیست. از آنجا که یکی از گفتمان‌های غالب جهان امروز، پست مدرنیسم است، پژوهشگران حوزه‌های مختلف دانش پیوسته موضوعات خود را با اندیشه‌های پست مدرن مطالعه و کنکاش می‌کنند (بابائی و حیدری، ۱۳۹۵). امروزه لازم است حوادث، اشخاص و پدیده‌ها برای تعریف هویت خویش، نسبت خود را با مؤلفه‌های عالم مدرن و

گوناگونی و تنوع پسامدرن مشخص کنند (هرسیچ و ایزدی، ۱۳۹۲).

پست مدرنیسم جنبشی است فلسفی، فرهنگی و هنری دوران معاصر در واکنش به فلسفه و هنر مدرن. مدرنیسم با تفکر خردگرایی و عقل گرایی محض و ساختن یک فرهنگ جهانی علیه تنگ‌نظری‌های سنت‌گرایانه‌ی قرون وسطی سر برآورد. مادی‌نگری و تک‌ساحتی بودن آن باعث بی‌توجهی به نیازهای عاطفی، روحی و معنوی انسان شد. مدرنیسم نتوانست دنیای آرزوهایی که انسان برای مدرن ترسیم کرده بود به واقعیت تبدیل و با انسان و شهر و تاریخ ارتباط برقرار کند و اعتبار خود را از دست داد. پست مدرنیسم در تقابل با این بحران و با اندیشه‌ی پایان دادن به فراروایت‌ها و ایدئولوژی‌های مدرنیسم، روی کار آمد و با بهره‌گرفتن از هنر متعارف و کلاسیک و دستاورد قدما و ارتباط آن با عرصه‌ی مدرن و به نوعی بازخوانی (دوباره خوانی) آنها، به تفکر جدید برای حل این بحران پرداخت (دشتی شفیعی و همکاران، ۱۳۹۲).

هبدايگ<sup>۴</sup> در پشتیبانی از همین دیدگاه، پست مدرنیسم را نه یک جنبش آگاهانه و هدفدار، بلکه یک وضعیت، گرفتاری و محمصه‌ای می‌داند که در آن، اهداف، مقاصد، تعاریف و تأثیرهای معارض و رقیب و گرایش‌ها و نیروهای اجتماعی و فکری گوناگون، همگرایی و تصادم پیدا می‌کند (Hebdige, ۱۹۸۸). افکار پست مدرنیسم نیز در جامعه‌ای که از سنت بریده و افکار مدرنیته را در اجتماع کاملاً درونی نکرده است، می‌تواند نهادهای اجتماعی را از کارکرد اصلی خود خارج کند، زیرا براساس اصول اولیه و نیز نظر دانشمندان این رویکرد، اندیشه‌ی پست مدرنیسم از ابهام، سیالیت و مصرف‌گرایی حمایت می‌کند (دهبانی پور و خرم‌پور، ۱۳۹۵). به علاوه، فراگیر شدن نظریه‌های پست مدرن در عرصه‌ی تئوری و پژوهش‌های اجتماعی از واقعیت‌های تأثیرگذار در این باره است. با به چالش کشیده شدن ارزش‌های پیشامدرن در مدرنیته، دوره‌ی پسامدرن در حکم «نقد نقد» باورهایی محسوب می‌شود که درستی‌شان مدلول نقد اندیشه‌های قرون وسطایی بوده است. افراط پسا نوگرایان در انکار حقیقت، دامی است که انسان را بیشتر در گرداب سردرگمی‌ها فرو می‌برد؛ به بیان دیگر، «شوک پست مدرنیسم» از هر جهت نامعین و در این بین، یگانه امر قطعی، تداوم «عدم قطعیت» است (گیبیز، ۱۳۸۱). به طور کلی، تفسیر متون در علوم انسانی در پی تبیین و توجه به مفهوم‌ها، نظریه‌ها و آموزه‌هاست؛ پیش‌زمینه‌ی چنین کاری آن است که خواننده‌ی این متون به درک مفهوم‌ها از یک سو و ارزیابی انتقادی نظریه‌ها از سوی دیگر بپردازد (بوستانی و همکاران، ۱۳۹۷).

نگاه بازاندیشانه به علم و معرفت همواره در طول تاریخ فکری بشر، هرچند به صورت غیره‌منظم وجود داشته است، اگرچه همواره عنوان می‌شود که فرانزیه‌پردازی جامعه‌شناختی یکی از جدیدترین تحولات در نظریه‌ی جامعه‌شناسی است، اما این تحول به معنای شروع از نقطه صفر نیست، تلاش‌های جدید در این زمینه عمدتاً در راستای علنی کردن و مشروعیت بخشیدن به کارهای فرانزیه‌پردازی صورت می‌پذیرد (Ritzer, ۲۰۰۹). با توجه به این نگاه بازاندیشانه و خصوصیت مکتب پست مدرن، در این مقاله با بهره‌گیری از روش فرانزیه به تئوری‌های پست مدرن پرداخته می‌شود.

۴- Hebdige

## پست مدرن به عنوان یک نظریه (بررسی خاستگاه)

تفکر پست مدرن زمانی قوت گرفت که مدرنیسم که اوج آن در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ بود، کم‌کم شک و شبهاتی را در ذهن اصحاب فکر برانگیخت. در حقیقت، دوره‌ی پست مدرن با شک به ناکارآمدی مدرنیسم شروع می‌شود و این شک می‌تواند نوعی چارچوب تازه در ابعاد تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. به همین علت با توجه به ابهامی که در ذات پست مدرن نهفته و با توجه به اینکه پست مدرن به مانند خیلی از ایسم‌های دیگر یک تجربه و فکر بومی نیست، باید با احتیاط و دقت در این مسیر پیش رفت. در بحث از نظریه باید گفت که نظریه‌ها هر کدام از دو جنبه‌ی عملی و نظری اهمیت دارند و این دو اتفاقی است که یکجا می‌افتد و اگر غیر از این باشد، نظریه کارایی لازم را نداشته و چندان جای بحث ندارد (روشنی، ۱۳۸۵).

پست مدرنیسم یعنی پذیرفتن چیزی فراتر از اکنون. پست مدرنیسم واژه یا به بیان دقیق‌تر، مجموعه عقاید پیچیده‌ای است که به عنوان حیطه‌ای از مطالعات آکادمیک از اواسط دهه‌ی ۸۰ پدیدار گشته است و در قالب واژه‌هایی چون فرانونین‌گرایی، فراتجددگرایی، پسانوین‌گرایی و فراصنعتی نیز مطرح گردیده است. درباره‌ی خاستگاه و مبدأ تاریخی پست مدرنیسم نیز ابهامات فراوانی وجود دارد، به طوری که هیو جی. سیلورمن بر این باور است که "پست مدرنیسم از یک خاستگاه دقیق و روشنی برخوردار نیست" (Silverman, ۱۹۹۰).

سرعت شگرف گسترش پست مدرنیسم، از معماری و هنر به مثابه خاستگاه‌های اصلی این جریان‌ها به سایر عرصه‌های فرهنگی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی در مدت زمان کوتاهی پس از شکل‌گیری و نضج آن، از یک سو و چالش‌های بنیادینی که تقریباً در تمامی حوزه‌هایی که به آن رسوخ کرده، با بنیادهای اساسی هر حوزه از سوی دیگر، مسئله‌ی مهمی است که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. بدون تردید همین خصلت چالش برانگیز پست مدرنیسم و ستیز با تمامی حتمیت‌ها، قطعیت‌ها، بداهت‌ها و ضرورت‌هایی که قرن‌های متمادی به مثابه امور ی پرش‌ناپذیر تجلی کرده‌اند، جذابیت‌های ویژه‌ای به آن بخشیده که به شدت آن را افسونگر ساخته است. اگرچه نمی‌توان منکر دستاوردهای مهمی شد که پست مدرنیسم در بیشتر حوزه‌های نفوذی خویش به همراه آورده است (اخوان کاظمی و محمدی، ۱۳۹۸).

پست مدرن‌ها معتقدند حقیقت محض و واقعیت درک شده در نظر بیننده متفاوت است و بنابراین به تعداد افراد می‌توان از یک حقیقت، واقعیت‌های متعددی داشت. نتیجه‌ی چنین دیدگاهی درباره‌ی حقیقت و واقعیت، گرایش به نوعی نسبی‌گرایی خواهد بود. در واقع نسبی‌گرایی از ویژگی‌های بسیار بارز پست مدرنیسم است که از دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه و نیز هستی‌شناسانه‌ی آن درباره‌ی حقیقت و چگونگی شناسایی آن سرچشمه می‌گیرد (Shamshiri, 2008 and Shaw, 1993).

تکثرگرایی نیز مانند همانندسازی دارای ابعاد و اشکال متفاوتی است، اما در همه‌ی موارد آن حفظ و یا حتی تشدید تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی، مفروض دانسته می‌شود؛ بنابراین سیاست‌هایی که به جهت حمایت از تکثرگرایی طراحی شده‌اند، تنوع گروهی و حفظ مرزهای جداکننده‌ی گروه‌های قومی از یکدیگر را تشویق و

ترغیب می‌کنند. برخلاف سیاست‌های همانندسازانه، سیاست‌های تکثرگرایانه براساس اصل «حقوق جمعی و گروهی» و نه «حقوق شخصی و فردی» بنا شده‌اند (پورقوشچی و نادری، ۱۳۹۳).

فراروایت‌ها یا روایت‌های کلی، داستان‌هایی هستند که تلاش می‌کنند دنیا را از یک دیدگاه ویژه توصیف و توضیح دهند. مثلاً داستان‌های بسیاری در مورد خلقت زمین وجود دارد و یک داستان کلی می‌تواند همه‌ی این داستان‌ها را پوشش دهد. بسیاری از این داستان‌ها جنبه‌ی واقعی و علمی ندارند و حتی بسیاری از آنها از خرافات و افسانه‌ها ناشی می‌شوند. چون علم تلاش می‌کند تا دنیا را با استفاده از روش‌های تجربی و منطقی توضیح دهد، بنابراین نیازی به استفاده از داستان‌ها ندارد، چرا که بسیاری از آنها مانع تفکر و کشف دانش جدید می‌شوند (O'mathuna, 2004).

به نظر می‌رسد با گسست گفتمانی از مدرن به پست مدرن، برداشت از دولت نیز دگرگون شده است. همچنین به نظر می‌رسد درک از سرزمین و کارکرد آن در گفتمان سیاسی مدرن، یکپارچه، اما در گفتمان سیاسی پست مدرن، متکثر است. در گفتمان سیاسی پست مدرن، ساخت هویت‌ساز ملت دچار چالش شده و ساخت‌های بدیل دیگری پدید آمده‌اند. در گفتمان سیاسی مدرن، حکومت یک نهاد یکپارچه است، اما در گفتمان سیاسی پست مدرن، حکومت‌گرایی ترکیبی از عوامل و اعمال است و بالاخره حاکمیت دولت مدرن، در اثر چرخش‌های نظری و رویدادهای علمی، در گفتمان سیاسی پست مدرن دچار چالش شده است (افضلی و مرادی، ۱۳۹۲).

#### هستی‌شناسی پست مدرن

اندیشه‌ی پسامدرنیسم در باب هستی‌شناسی به جهان واقع نمی‌نگرد، بلکه به نگاه‌هایی می‌نگرد که به جهان شده، یا به آن گفتمان‌هایی نگاه می‌کند که به دخل و تصرف در هستی می‌پردازند (قرلسفلی، ۱۳۸۶). در پارادایم پسامدرن، مسئله این نیست که آیا جهان مادی یا روحانی است؟ بلکه این موضوع اولویت دارد که چرا در یک عصر، جهان مادی و در عصر دیگری، روحانی است؟

پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها را فوکو در آثار خود از جمله «نظم چیزها» مورد توجه قرار داده است. پاسخ او این بود که گفتمان‌ها به واقعیت، جهت و معنا می‌بخشند (علیپوریانی و نوری، ۱۳۹۰). در تئوری پست مدرن، هستی‌شناختی مقدم بر معرفت‌شناختی است (Usher & etal, 2005).

از این رو، هستی‌شناسی پست مدرن، عرضه‌کننده‌ی تجاربی بی‌همتا است که باید مستقل و جداگانه درک شوند (نوذری و شیخ‌نور، ۱۳۸۹).

#### معرفت‌شناسی پست مدرن

قلمروی از دانش فلسفی است که به بررسی معرفت می‌پردازد. مباحثی مانند امکان معرفت، ماهیت معرفت، حدود شناخت، ارزش شناخت، انواع شناخت، ابزار شناخت و ملاک صدق و کذب قضایا، محور اصلی آن را تشکیل می‌دهند (توانا و مولوی نسب، ۱۳۹۱).

معرفت‌شناختی، در مفهوم کلی، اختصاص به گفتمان فلسفی دارد، جایی که به‌طور سنتی با تشخیص انواع دانش از ادعاهای علمی مرتبط است؛ و اینکه چه معیارهایی برای تمیز بین ادعاهای علمی که

مطرح می‌شود، مورد استناد قرار گیرد. پرسش‌های فلسفی درباره‌ی این است که دانش چه چیزی است. در پارادایم پست مدرنیسم، دانش همواره نظری جزئی در نظر گرفته می‌شود که از طریق زبان و گفتمان شکل می‌گیرد و در درون فرهنگ‌های خاصی که معنی و اهمیت آن را خلق می‌کند، وجود دارد (Usher & etal, 2005). بنابراین یکی از چرخش‌های کلیدی به سوی جهان پست مدرن، تغییری در معرفت‌شناسی، درک معرفت و چگونگی رشد و ارتباط آن با سایر فرض‌هاست (کهن، ۱۳۸۲).

### روش‌شناسی پست مدرن

از نگاه روش‌شناسی پست مدرن دنیا محتمل، بی‌بنیاد، گوناگون، ناپایدار، قطعیت نایافته و مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها یا تفسیرهای پراکنده‌ای است که تردیدهای جدی و زیادی درباره‌ی عینی بودن حقیقت، تاریخ و هنجارها، معین بودن سرشت‌ها و انسجام و یکدستی هویت‌ها به بار می‌آورد. در حیطه‌ی روش‌شناختی، پست مدرنیسم بیمناک از آسیب رساندن به تفاوت، خود را به یک رشته استراتژی‌ها و متون فروپاشی محدود می‌کند. بنابراین اهداف آن متواضعانه است (تاجیک، ۱۳۸۷).

به عبارتی، متوقف کردن موقتی خشونت فراواقعیت‌های مدرنیستی و بازپرسی از آنها از طریق جلب توجه به دیگرهایی که به نوعی ساکت مانده‌اند. به بیان دیگر، روش‌شناسی شالوده‌شکنانه‌ی پست مدرنیسم، فنونی را اختیار می‌کند که ضدیت خود را با تقابل‌های دوگانه‌ی سلسله‌مراتبی نشان دهد، بدون اینکه با تردیدگرایی روش‌شناختی و گذشتن از مرز ساختارشکنی - بازسازی، ناسازگار باشد (همان).

### کشاکی اندیشه‌ی مدرن - پست مدرن

امر مدرن برخلاف دوره‌ی کلاسیک و سنت باوری، بر این باور اساسی تکیه دارد که نو بودن از برخی جهت‌ها بهتر از امر کهن است. در حوزه‌ی فکر فلسفی، مدرنیسم از رنسانس (عصر نوزایی) - با اندیشه‌های فرانسیس بیکن در انگلستان و رنه دکارت در فرانسه آغاز می‌شود (پیترز و بوربولس، ۲۰۰۴).

به تعبیر گلدمن، معنای پذیرفته‌شده‌ی «روشنگری» جریان‌های تجربی و عقلی گوناگون اندیشه‌ی سده‌ی هجدهم اروپا به‌ویژه فرانسه و انگلستان را در بر می‌گیرد (گلدمن، ۱۳۸۵).

پست مدرنیسم، وقایع را به چالش کشید و به موجب آن، واقعیت‌ها حالتی ساختگی و ذهنی پیدا کرده است. تفکرات نسبت به ماهیت انسان فرق نموده و برداشت عینی و منطقی از انسان به انسانی ذهنی تبدیل گردیده است. ظهور اندیشه‌ی پست مدرنیسم موجب تأکید هرچه بیشتر بر فردگرایی، خودآیینی، استقلال و تکثر در گزینش و انتخاب گردید. از آنجایی که در پست مدرنیسم مفاهیمی چون خرد، حقیقت، سنت و اخلاق که مسیر زندگی انسان‌ها را تعیین می‌کرد و به آنها معنا می‌بخشید، معانی خود را یکسره از دست داد، حقیقت نیز بر پایه‌ی این مکتب، امری نسبی فرض شد (نادری، ۱۳۹۱).

روشنگری، اعتقاد به دوره و قدرت عقل و علم را تثبیت و ترویج می‌کرد و دوره‌ی پست مدرنیسم، دوره‌ی زوال این اعتقاد و ظهور خلل در آن قدرت است. نکته این است که این زوال و خلل از ناحیه‌ی بیرونی از مدرنیته بر اصول روشنگری تحمیل نشده است (هیکس، ۱۳۹۱).

## تفاوت مدرن و پست مدرن

در جدول زیر به تفاوت‌های اساسی میان مدرنیسم و پست مدرنیسم در حوزه‌های مختلف اشاره می‌شود (نوذری، ۱۳۸۵):

| مدرنیسم             |                            | پست مدرنیسم                       |  |
|---------------------|----------------------------|-----------------------------------|--|
| <b>در سیاست</b>     |                            |                                   |  |
| ۱                   | دولت‌گرایی                 | مناطق / پیکره‌ها و واحدهای فراملی |  |
| ۲                   | اقتدارگرایی                | دموکراتیک                         |  |
| ۳                   | اجماع                      | اجماع مورد مناقشه                 |  |
| ۴                   | برخورد طبقاتی              | مسائل جدید در دستورکار: سبزه‌ها   |  |
| <b>در اقتصاد</b>    |                            |                                   |  |
| ۵                   | فوردیسم                    | پسافوردیسم                        |  |
| ۶                   | سرمایه‌ی انحصاری           | سرمایه‌داری سوسیالیزه قاعده‌مند   |  |
| ۷                   | متمرکز                     | اقتصاد جهانی غیرمتمرکز            |  |
| <b>در فرهنگ</b>     |                            |                                   |  |
| ۸                   | تأکید بر کاربرد صحیح کلمات | رمزگذاری مضاعف                    |  |
| ۹                   | نخبه‌گرایی                 | توده‌ها                           |  |
| <b>در فلسفه</b>     |                            |                                   |  |
| ۱۰                  | مونیسم                     | پلورالیسم، کثرت‌گرایی             |  |
| ۱۱                  | ماتریالیسم                 | نگرش نشانه‌شناختی                 |  |
| <b>در دین</b>       |                            |                                   |  |
| ۱۲                  | الحاد                      | توحید                             |  |
| ۱۳                  | خدا مرده است               | معنویت معطوف به آفرینش            |  |
| ۱۴                  | افسون‌زدایی                | تجدید افسون                       |  |
| <b>در جهان‌بینی</b> |                            |                                   |  |
| ۱۵                  | مکانیکی                    | بوم‌شناختی - اکولوژیک             |  |
| ۱۶                  | سلسله‌مراتبی               | ناترتیبی                          |  |
| ۱۷                  | انسان‌محوری                | جهت‌گیری کیهان‌شناختی             |  |
| ۱۸                  | پوچی انسان                 | خوش‌بینی تراژیک                   |  |
| <b>در علوم</b>      |                            |                                   |  |
| ۱۹                  | مکانیکی (ماشینواره)        | خود سازمان‌دهنده                  |  |
| ۲۰                  | خطی                        | غیرخطی                            |  |
| ۲۱                  | جبرگرایانه                 | خلاق، باز و آزاد                  |  |



## پست مدرن - میشل فوکو

میشل فوکو، اندیشمندی است که نمی‌توان به راحتی او را در مقوله‌ای مشخص و متمایز قرار داد. او پیوسته در حال جدال با گفتار و در جستجوی زبانی است که آن زبان، زبان عقل تفاوت‌گذار و سلطه‌گر نباشد. او خواهان زبانی است که دیگری بتواند از طریق آن به سخن درآید. به عقیده‌ی او، زبان علوم اجتماعی و روش‌های آن زبان عقل سلطه‌گر است. او در عوض شکلی از شناخت را مطرح می‌کند که هدفش متوجه بازسازی جهان بیرون نیست، بلکه می‌خواهد مفروضات ما را درباره‌ی این جهان آشکار کند. او بدیل روش‌شناختی خود را در قالب روش‌شناسی دیرینه‌شناسی و تبارشناسی مطرح می‌کند (بهیان، ۱۳۸۹). فوکو با دیدی متأثر از پساساختارگرایان که در کنار ترویج دیدگاه‌های منتقدانه، همه چیز را در چارچوب گفتمان توجیه می‌کنند، پژوهش‌های دقیق تجربی خود را در زمینه‌ی جنون، مجازات و جنسیت با تکیه بر اسناد و مدارک بایگانی شده فراهم آورد و دریافت که تاریخ تمدن غرب سه شیوه‌ی متفاوت و جداگانه‌ی اندیشیدن را تجربه کرده است (دژگاهی، ۱۳۸۵).

از میان مضامینی که فوکو بر روی آنها کار کرده و در یک کلیت عام پهنه‌ی فکری فوکو را اشغال کرده‌اند، سه مضمون عمده می‌توان استخراج نمود: حقیقت، قدرت و خود یا به تعبیری علم، سیاست و اخلاق. این سه محور، دوره‌ی تحول فکری او را نشان می‌دهد (کجویان، ۱۳۸۲).

میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی از جمله متفکرین برجسته‌ی پست مدرن است. هرچند وی خود را در زمره‌ی متفکران پست مدرن قلمداد نمی‌کند، ولی آثار و نوشته‌هایش به طرز مشهود، ماهیتی پست مدرن دارند (داودی، ۱۳۹۰). فوکو به‌طور ماهرانه‌ای به تلفیق آراء و اندیشه‌های معاصران و پیشینیان پرداخته و با روش‌شناسی خاص خود، سبک جدیدی را در فلسفه و جامعه‌شناسی پایه‌گذاری کرد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۱).

به باور فوکو، حقیقت‌خواهی در پروژه‌ی روشنگری چیزی بیش از قدرت‌خواهی نبوده است. وی با شیوه‌ی تبارشناسی خود، نشان می‌دهد که هر دوره‌ای دارای بازی حقیقت خاص خود است. حقیقت تنها لایه‌هایی از تفاسیر مختلف است که انسان‌ها برای سلطه بر دیگران و خود، آن را می‌سازند. فوکو همچنین به چندگانگی عقل اشاره داشته و معتقد است که هر یک از شاخه‌های آن در دوره‌ای خاص و تحت شرایط ویژه سر بر می‌آورد؛ از این نظر، وی در مقابل هابرماس قرار می‌گیرد که به دوگانگی عقل اعتقاد دارد (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸).

دانش اجتماعی متأثر از مطالعات نظریه‌پردازان پسامدرنیسم، شاهد چرخش مدرن به پست مدرن بود؛ چنانچه متأثر از این چرخش، خصلت‌هایی همچون ضدیت با معرفت‌شناسی، جوهرستیزی، تکثرگرایی معرفتی و نسبی‌گرایی می‌یابد. در این میان، میشل فوکو با ارائه‌ی نقدی تند از مدرنیته و عناصر اصلی آن مانند اومانیسم و نیز اعلام مرگ انسان، آغازکننده‌ی جریان پست مدرن محسوب می‌شود. او با ذهنیتی نقاد و پرسشگر، سعی کرد به ارزیابی انتقادی مفاهیم کلیدی دانش، قدرت، جنسیت، آزادی، اخلاق و بازاندیشی آنها در قالب‌های جدید پردازد؛ بدین منظور، به لحاظ نظری از طریق تحلیل تاریخی گفتمان‌های مختلفی مانند جنون، پزشکی و جنسیت، مسائل مربوط به قدرت را به تحریر کشید و به لحاظ روش‌شناختی، با ابداعی خلاقانه، دو ابزار تحلیلی دیرینه‌شناسی و تبارشناسی را به کار بست. همین شیوه‌ی بدیع، رویکرد واژگونه و پیچیده‌ی فوکو در برخورد با موضوعات و مفاهیم اجتماعی بود که او

را به متفکری پرنفوذ و اثرگذار در حوزه‌ی علوم انسانی به‌ویژه علوم اجتماعی در فرانسه و سایر کشورهای جهان بدل ساخت. در واقع، با رویکرد جدید فوکو افق‌های جدیدی به روی اندیشه‌ی سیاسی - اجتماعی گشوده شد (نصیری‌پور، ۱۳۹۱).

بر این اساس، فوکو گفتمان‌های علمی را همانند پدیده‌های تاریخی وابسته به زمان و مکان می‌داند و بر نقش قدرت در شکل‌گیری این گفتمان‌ها تأکید می‌کند. به گفته‌ی فوکو، در هر جامعه‌ای تولید گفتمان علمی را مجموعه‌ای از روش‌هایی که در صدد تسلط بر گفتمان‌اند، گزینش و سازماندهی می‌کنند و اجازه‌ی سخن گفتن درباره‌ی هر چیز در هر شرایطی را نمی‌دهند (میلر، ۱۳۸۸).

برخلاف دوره‌ی دیرینه‌شناسی که فوکو از مجموعه‌ای از گرایش‌های فکری و فلسفی متأثر بود و همواره سعی می‌کرد تأثیرپذیری‌اش از ساختارگرایی را انکار کند، در دوره‌ی تبارشناسی، به‌وضوح، از تأثیرپذیری‌اش از نیچه سخن می‌گفت و در جای‌جای آثارش او را می‌ستود. ویژگی دیگر مرحله‌ی تبارشناسی اندیشه‌ی فوکو، کاهش تعداد کلیدواژه‌های اندیشه‌ی اوست. می‌توان گفت این ویژگی تا حدی به کاهش آشفتگی و ابهام در اندیشه‌ی این دوره منجر شده است؛ البته این ویژگی روی دیگری هم داشت و آن افزایش عمق و پیچیدگی کلیدواژه‌های موجود در این دوره است؛ برای مثال، می‌توان به کلیدواژه‌ی قدرت اشاره کرد (حسین‌زاده یزدی و همکاران، ۱۳۹۴).

فوکو و دیگر متفکران برجسته‌ی غربی به نظریه‌ی گفتمان در قرن اخیر معنایی جدید دادند. «به همین دلیل امروزه بسیاری از نویسندگان غربی به هنگام کاربرد این مفهوم، تأکید دارند آن را به معنای فوکویی آن یا به معنای فراساختارگرایی به کار برند» (سلیمی، ۱۳۸۳).

تاریخ‌نگاری‌ای که فوکو به کار گرفت، مورخ را یاری خواهد داد تا قادر گردد فارغ از این دسته‌بندی‌ها، روابطی نو میان پدیده‌های تاریخی کشف کند و اشکالی جدید از دگرگونی در این پدیده‌ها را نمایان کند (کچوییان و کریم‌خان زند، ۱۳۹۱).

میشل فوکو پس از مطالعه و گذار از اندیشمندان بسیاری چه در دوران مدرن و چه قبل از آن، به نقد و بررسی آنچه در تاریخ پیدایش علوم رخ داده است، می‌پردازد و با کار تبارشناسانه‌ی خود، به چارچوبی می‌رسد که کل دانش را زیر سؤال می‌برد. او تاریخ‌های بازگوشده را تاریخ قدرت از زبان قدرت می‌داند که انسان‌ها به خیال خام سوژه بودن، در آن به ابژه‌هایی برای قدرت بدل گردیدند. وی تصورات ماقبل را درباره‌ی قدرت به یکسو می‌نهد و اگرچه گاهی این تصورات را در قسمتی از اندیشه‌ی خود به کار می‌گیرد، اما به نظر می‌رسد آن را در حوزه‌ی علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، وارد بطن جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی می‌کند. در این اثنا، هر آنچه در جای‌جای جامعه رخ می‌دهد، تنیده شده با روابط قدرت است؛ البته باید توجه داشت قدرت، گفتمان لازم خود را شکل می‌دهد و تلاش می‌کند تا دیگر گفتمان‌ها را از صحنه به در کند. لذا مرتباً منازعات و مناسبات قدرت جاری است. وی، در تمام این مطالعات، هدف خود را شناساندن این نکته می‌داند که چگونه آدمیان با ایجاد حقیقت و در شبکه‌ای از مناسبات قدرت، به سوژه و سپس به ابژه مبدل می‌گردند و نهایتاً این سوژه تنها به وسیله‌ی کاربردی برای تکنولوژی‌ها و استراتژی‌های قدرت مبدل می‌شود (منصوری، ۱۳۹۴).

## پست مدرن - دریدا

ژاک دریدا را برجسته‌ترین شخصیت پسا ساختارگرا و از مهم‌ترین شخصیت‌های پست مدرن می‌دانند. وی بر این باور است که معنای نشانه چند آوایی و متغیر است و همین عدم ثبات در معنی، خود یکی از عوامل بروز تضاد است. هرچند افکار او در مورد نشانه مبتنی بر ساختارگرایی و زبان است، اما از مرزهای آن فراتر رفته و سیاست، اخلاق و علم را نیز در بر می‌گیرد. او به جای تفاسیر نشانه، بر واسازی آن تأکید می‌کند و ادعای مرجعیت اندیشمندان در بررسی‌های علمی را رد کرده و معتقد به بی‌ثباتی، چند آوایی و در حال تغییر بودن معنای نشانه‌هاست (سیدمن، ۱۳۹۲).

در اندیشه‌ی دریدا، ساخت مربوط است به زبان و اندیشه‌ی ساختارگرا؛ در چرخش زبانی معتقد است که زبان، ساخت جامعه را تبیین می‌کند. اما دریدا در پسا ساختارگرایی که نوعی واکنش پست مدرنیستی به زبان و جامعه دارد، می‌خواهد ساخت‌شکن باشد و از هرگونه واژه‌مداری، واسازی نماید (چراتی و برزین مهر، ۱۳۹۴). در واقع دریدا با تکیه بر دیدگاه خاص خود در باب ساختارشکنی، کوشید از به حاشیه رانده شدن نوشتار در جدال با گفتار جلوگیری نماید و ارزش‌های نهفته‌ی آن را بیان کند (خلیلی و باقری، ۱۳۸۹).

در تقابل گفتار و نوشتار، دریدا نشان می‌دهد برتری گفتار بر نوشتار قابل قبول نیست و او این روند برتری را زیر سؤال می‌برد. گفتار نیز بافتی از معناست و درست مانند نوشتار عمل می‌کند و نمی‌توان ادعا کرد که گفتار به حقیقت نزدیک‌تر است. در حقیقت، نوشتار، گفتار را پدید می‌آورد و گفتار مشروعیت خود را از نوشتار می‌گیرد (Derrida, ۱۹۷۶). دریدا در حواشی فلسفه و دیگر آثار خود در باب ماهیت فلسفه تأمل می‌کند و تلاش می‌کند نشان دهد که فلسفه همواره ماهیتی ادبی داشته است، هرچند گرایشی در خود فلسفه همواره این ماهیت را سرکوب کرده است. از نظر دریدا ماهیت فلسفه، خلق است نه کشف، و توجه به آنچه فیلسوفان انجام داده‌اند (در مقابل آنچه گفته‌اند) نشان می‌دهد که محدود کردن فعالیت فلسفی به کشف حقیقت از طریق تفکر مفهومی، فقط یک گرایش در سنت فلسفی است. این رویکرد دریدا دست کم از منظر فلسفه‌ی سنتی، بسیار انقلابی و بنیان‌فکن تلقی شده است، به صورتی که برخی آن را تهدیدی برای سنت فلسفی به حساب آورده‌اند (پارسا خانقاه، ۱۳۹۶).

دریدا در حالی که وامدار سنت ساختارگرایی است، منتقد جدی آن نیز به شمار می‌رود (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۶). کار اصلی دریدا و مکتب شالوده‌شکنی، چنان‌که خود اشاره می‌کند، شالوده‌شکنی خاستگاه‌های این دیگرستیزی در عرصه‌ی حیات سیاسی - اجتماعی و پیگیری سامانی مبتنی بر دیگرپذیری و خوش‌آمدگویی به دیگری است (Derrida, ۲۰۰۵).

دریدا معتقد است که شالوده‌شکنی را نباید ویرانگری، نقد، عملیات تحلیلی و یا متد دانست، بلکه آن را باید تلاش در ارتباط با متن به حساب آورد (آقاحسینی، ۱۳۹۱).

به دلیل عدم وجود معنایی تک‌بُعدی از واژه‌ها، دریدا ساختارشکنی را به منزله‌ی راهی برای آشکار ساختن تعبیرهای چندگانه از متون مطرح می‌کند و اظهار می‌دارد که متن به‌طور طبیعی دارای ابهام و کژتابی است، به همین خاطر رسیدن به معنای نهایی و کامل آن امری غیرممکن است (نورانی و همکاران، ۱۳۹۳).

بنابراین چون واژه‌ها از طریق رابطه‌شان با مرجعشان و مصداقشان تعیین نمی‌شوند و از آنجایی که زبان بر مبنای تمایز عمل می‌کند، معنای واژه‌ها محصول روابط تمایزی زبان است، بدین ترتیب معنی هرگز ناب نمی‌شود و این از طریق فرآیند تمایزی زبان است که به واژه‌ها معنی می‌دهد و هرگز خاتمه نمی‌یابد.

دریدا در توضیح این نکته می‌گوید واژه‌ها هرگز به ثبات نمی‌رسند، نه تنها به این دلیل که به واژه‌ای که درست قبل از خود آنها هستند وابسته‌اند و بخشی از معنایشان را از آن می‌گیرند، بلکه همچنین معنای آنها به واسطه‌ی آنچه همواره در پی آن می‌آید، دگرگون می‌شود، پس معنا حاصل تمایز است. در واقع روابط یک نشانه و واژه با دیگر واژه‌هایی که به دنبال آن می‌آید، شرط تولید معناست که بدون آن روابط، معنا ممکن نیست (ویلیم برتنز، ۱۳۸۲). در هر حال، همینه‌ی معارف شکل گرفته حول مفاهیمی چون «هستی»، «حقیقت» و «خاستگاه» بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن است که زبان بتواند آنها را تحت شمول درآورد، چنان‌که زبان نیز در عرصه‌ای متافیزیکی عمل می‌کند و اصولاً «ارجاع»- خواه متکثر و خواه نامتکثر- که خصلت اصلی زبان است، مبنایی متافیزیکی دارد و براساس اشاره به «آن» (حقیقت، زیبایی، معنا، مدلول) شکل گرفته است؛ خواه این «معنا» مستقیماً حاصل شود و خواه دچار تکثیر یا افشانش شود (حسین پناهی و شیخ احمدی، ۱۳۹۶).

#### پست مدرن- لیوتار

لیوتار نیز همانند دیگر متفکرین علوم اجتماعی با ترکیب و به کارگیری مفاهیم و نظریات برخی از معاصرین و فلاسفه‌ی کلاسیک، به ایجاد ساختمان نظری خود پرداخته است. در اندیشه‌ی لیوتار می‌توان ردپای نظریه‌پردازان متعددی را پیدا کرد که کمابیش در ترکیبات نظری وی سهم داشته‌اند. با این وجود، می‌توان نظریه‌ی پست مدرنیستی لیوتار را ترکیبی از مفاهیم نظری چهار متفکر عمده دانست که عبارتند از: وینگشتاین، نیچه، کانت و دکارت. لیوتار ضمن تأثیرپذیری از این متفکرین، علیه متفکرانی نیز دست به انتقاد زده است که عمده‌ترین آنها هابرماس، مارکس، لوهمن و پارسنز هستند (محمدپور، ۱۳۸۷).

لیوتار به عنوان مبدع مفهوم پست مدرن، اولین شخصی است که پای امر والا را به این حیطة باز می‌کند. چنان‌که وی در تعاریفی که بر هنر مدرن و پست مدرن ارائه می‌دهد، وجه تمایز اساسی این دو هنر را در نوع و شیوه‌ی جلوه‌گری امر والا در آنها می‌یابد (حیدری و فیاض، ۱۳۹۴). از نظر لیوتار، اثر هنری مدرن به دنبال عرضه‌ی امر غیرقابل ارائه در قالب محتوایی مفقوده است، به بیان او: «من هنری را که تخصص فنی اندک خود را، به تعبیر دیده رو، وقف ارائه‌ی این واقعیت می‌کند که امر غیرقابل ارائه وجود دارد، هنر مدرن می‌نامم؛ یعنی مرئی ساختن این نکته که چیزی وجود دارد که می‌توان آن را به تصور درآورد، ولی نه می‌توان آن را دید و نه آن را مرئی (قابل دیدن) ساخت. این چیزی است که در نقاشی مدرن مطرح است» (لیوتار، ۱۳۸۷). از این رو، لیوتار برای گواه آوردن به وجود این ورطه‌ی ادراکی، ضمن بهره‌گیری از دو اصطلاح مدرنیسم و پست مدرنیسم، بحث از نوعی زیباشناسی جدید، ضد زیبایی یا به عبارتی پیرا زیباشناسی را به میان می‌کشد که به موجب آن، امر زیبا و زیباشناسی به امری زائد تبدیل می‌شود، زیرا پیرا زیباشناسی تناسب و توافق ذوقی داوری درباره‌ی امر زیبا را بر نمی‌تابد و امر والا را به محوریت خود برمی‌گزیند؛ تجربه‌ی امر والایی که توافق حاضر و بازی آزاد نمایشی زیبا را به هم می‌زند و به امری

غایب، ناگفتنی و نامودنی اشاره می‌کند. به نظر لیوتار، هنر مدرن و پسامدرن به واسطه‌ی امر والا از هنر رئالیستی تفکیک می‌شوند، زیرا هر دو مساعی خود را صرف نشان دادن نامودنی یا غیرقابل نمایش می‌نمایند و برآند تا نشان دهند که «چیزهایی هست که قابل درک است، اما نشان دادنی نیست» (لیوتار، ۱۳۸۴). ژان فرانسوا لیوتار بیشترین تأثیر را در توصیف نظری وضعیت پسامدرن داشته است. از دیدگاه او، می‌توان وضعیت پسامدرن را، در یک جمله، به نفی فراروایت‌ها و نظریه‌های کلان توصیف نمود (قمی، ۱۳۸۴). در واقع، ابرروایت‌ها و فراروایت‌ها اراده‌ای برای فهم و تأویل انسان باقی نمی‌گذارند «او چاره را در این می‌بیند که ما در تفکر فردی و اجتماعی خود، این روایت‌ها را فراموش کنیم» (نجومیان، ۱۳۸۵). پست مدرنیسم آن‌گونه که لیوتار مطرح می‌کند، یک وضعیت است. وضعیتی که در امتداد پست مدرنیسم است. ویژگی‌هایی که این پست مدرنیسم را از انواع دیگر خود جدا می‌کند، عبارتند از:

- ۱- طرد فراروایت،
- ۲- حقیقت متکثر،
- ۳- بی‌معنایی معنا،
- ۴- طرد هرگونه پیش فرض،
- ۵- شک‌اندیشی.

از آنجا که مفهوم پست مدرن نزد لیوتار بیش از آنکه نماد عینی بیاید، در زبان و ذهن قابل ارزیابی است و نیز از آنجا که اندیشه اگرچه محصول شرایط است، اما قابل تسری در زمان است و بسیاری از گونه‌های اندیشه گرچه به ظاهر نوین می‌نمایند، اما در تفکر اجتماعی گذشتگان دیده شده‌اند (چراتی و یلمه‌ها، ۱۳۹۶).

### پست مدرن - بودریار

ژان فرانسوا بودریار، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان پسامدرنیسم است. می‌توان گفت در ایران کمتر از هر نظریه‌پرداز دیگری در این حوزه شناخته شده است. نظریات بدیع و انتقادهای تند بودریار از ساختار فرهنگی جوامع پسا صنعتی، او را به یکی از رک‌گوترین منتقدان پسامدرنیته تبدیل کرده است. وی ثابت کرده است که چهره‌ای تأثیرگذار بر نظریه‌پردازان و هنرمندان پست مدرن بوده است. شاه‌واژه‌ی اندیشه‌ی بودریار، «واقعیت» است که شاید دیرینه‌ترین مفهوم در فلسفه‌ی غرب باشد. تبیین جدیدی که بودریار از پیچیدگی‌های واقعیت در زمانه‌ی ما به دست می‌دهد، هم بسط مارکسیسم و هم تلفیق آن با نوعی نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا است (دلفان و همکاران، ۱۳۹۳). چیزی که ما در اینجا برای مبحث آرایش و مصرف بدن و نشانه‌ها می‌خواهیم به آن بپردازیم، جامعه‌ی مصرفی از منظر بودریار است (بهار و وکیلی، ۱۳۹۰).

برای بودریار مصرف، رشته‌ای از اشیاء ساده نیست، بلکه سلسله‌ای از دال‌ها است، زیرا این اشیاء برای یکدیگر حکم فراشی پیچیده‌تری را دارند و برای مصرف‌کننده، انگیزه‌هایی پیچیده‌تر را پدید می‌آورد، مصرف‌کننده از یک شیء به سمت شیء دیگر می‌رود. او در حساب اشیاء گرفتار می‌شود (بودریار، ۱۳۸۹). او معتقد است ساختار و بافت اشیاء نه تنها معنا، بلکه مجموعه‌ی معینی از نیازها را در ما برمی‌انگیزاند (Baudrillard, ۱۹۹۸). بودریار به جامعه‌ی

اخیر که از تولید فاصله گرفته و با بازتولید در ارتباط است، عنوان شبیه‌سازی را می‌دهد؛ وضعیت کنونی جامعه‌ی پسا صنعتی که بر پایه‌ی قانون ساختاری ارزش عمل می‌کند. سیطره‌ی نشانه‌ها، ایماژها و بازنمایی‌ها در دنیای معاصر آن‌چنان گسترده و فراگیر است که امر واقع به‌طور جدی محو شده است و نشانه‌ی غیاب یک واقعیت اساسی را نقاب می‌زند و حاصل هیچ رابطه‌ای با هرگونه واقعیتی نیست. سیطره‌ی وانمودها یعنی همان تصاویر شبیه‌سازی شده در جامعه‌ی پسامدرن آنقدر زیاد است که ما نه فقط اصل و بدل را تشخیص نمی‌دهیم، بلکه قرار نیست پای هیچ اصلی در میان باشد. چنان‌که مشاهده شد سیطره‌ی نشانه‌ها، ایماژها و بازنمایی‌ها در دنیای معاصر، یکی از موضوعات اصلی مورد توجه ژان بودریار است. هر آنچه که سابقاً معنایی داشت، با قدم گذاشتن در عصر بازتولید (مُد، کالاها، وسایل ارتباط جمعی، تبلیغات، اطلاعات، شبکه‌های ارتباط جمعی) با یک معنای مجازی یا شبیه‌سازی شده، هرچه بیشتر و بیشتر واقعی می‌شود (رحیمیان و ساعتچی، ۱۳۹۳). از نظر بودریار، از آنجایی که روابط جوامع پشامدرن و تا حدودی جوامع مدرن بر پایه‌ی ارتباطات و برهمکنش انسان‌ها استوار بود، اصل واقعیت هرچند در قالب نظام زبانی امکان وجود پیدا می‌کرد، ولیکن از بطن روابط میان فردی به منصفی ظهور می‌رسید. به سخن دیگر، در این‌گونه ارتباطات، انسان‌ها در ارتباطی رو در رو و شخصی و فضای دوسویه‌ی سخن و پاسخ، زندگی اجتماعی را ذیل نظام زبانی و نظم دوگانه‌ی میان دال‌های زبانی محقق می‌کردند (زاهدی و نورانی، ۱۳۹۶). ژان بودریار معتقد است که فرهنگ در حال تولید شدن و با هدایت رسانه‌ها دائماً در حال تغییر است (ریشه‌ری و همکاران، ۱۳۹۸). برخی از متفکرین پسا ساختارگرا همانند ژان بودریار نیز نگاهی منفی به رسانه‌های جمعی دارند. ژان بودریار معتقد است که نشانه‌ها همه جا را فرا گرفته‌اند و همه چیز به یک نشانه تبدیل شده است و این فرآیند، جهان کنونی را به جهان نشانه‌ها تبدیل کرده است. در اعتراض به چنین تفکراتی در مورد رسانه‌های جمعی، متفکرینی چون واتیمو با نگاهی پست مدرنی، برای رسانه‌های گروهی و وجهه‌ای‌رهای بخش قائل می‌شوند (محمدی و حیدری، ۱۳۹۱). بودریار که در آثار اولیه‌ی خود در مرحله‌ی گذار از مارکسیسم قرار دارد، توصیف روشن و کارآمدی از جامعه‌ی مصرفی به عنوان ویژگی مهم سرمایه‌داری جدید ارائه می‌دهد. او پس از مجهز شدن به مفاهیم و نظریات مربوط به تکنولوژی و جامعه‌ی مصرفی و با آغاز عصر اطلاعات، به سراغ آن می‌آید تا آن را در ارتباط با مفاهیم پیشین تحلیل کند و نتیجه‌ی ترکیب عملی تکنولوژی، جامعه‌ی مصرفی و عصر اطلاعات، او را به مشاهده‌ی جامعه‌ی جدیدی می‌کشاند که عده‌ای آن را پست مدرن می‌نامند (پرهیزکار، ۱۳۸۹).

بودریار عصر جدید را به صورت واژه‌ی مرگ و شبیه‌سازی تحلیل کرد (وبستر، ۱۳۸۰). نظریه‌ی بودریار درباره‌ی کارکرد رسانه‌ها در عصر پسامدرن، از دو جهت بر تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذاشته است. اصطلاحاتی همچون «ارزش نشانه‌ای»، «وانمودگی»، «انفجار درون‌ریز»، «فوق اهمیت» و امثال آنها، هر یک بر مفهومی دلالت می‌کنند که بودریار در نظریه‌اش پروراند. او با افزودن بر غنای اصطلاحات متداول در حوزه‌ی رسانه‌ها، امکانات بیشتری برای توصیف کارکرد رسانه‌ها فراهم آورد. دومین تأثیر مهم نظریه‌ی بودریار این بوده است که او روش‌شناسی متمایز خود را برای تحلیل نحوه‌ی انعکاس واقعیت در رسانه‌ها مطرح کرد (پاینده، ۱۳۹۲).

چنان‌که این تفکر در هنر پست مدرن نیز به امر نمادین بودن نشانه‌ها، تکثر و تضادها اشاره داشته، اندیشه‌های او مانند



بسیاری از نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی و فلسفه‌ی پست مدرن براساس نظریات مارکسیسم شکل گرفت (شریف‌زاده و فرازمنند، ۱۳۹۵). هنر و زیباشناسی، در پاسخ به رسانه‌های جمعی، تکنولوژی‌های جدید و اشکال ابداعی فرهنگ، تحول یافته است؛ اما بی‌شک این تغییرات و اشکال نوظهور فرهنگی، به تئوری‌های تازه و تحلیل‌های نو نیازمند است. از این منظر، بودریار تحلیل‌های زیبایی‌شناسی قبل از خود را ناکارآمد تلقی کرد. او در پی گذر از نقد فلسفی و جامعه‌شناختی مارکسیستی، نظریه‌ای تازه پایه‌ریزی کرد و به تبع آن، طرحی جدید از نظام تولید را سامان داد. مطالعات او گستره‌ی وسیعی از تولید فرهنگی را شامل می‌شود که بر پایه‌ی رمزگان وانموده و مبتنی بر محصولات تکنولوژیکی و رسانه‌های جمعی استوار بود. او نشانه‌شناسی ساختاری سوسوری که در آن نظام دلالت‌ها از طریق ارجاع به مدلول حاصل می‌شد را به کناری نهاد. بخش قابل توجهی از نوشته‌های بودریار، معطوف به هنر و به شکل خاص ابژه‌های هنری در این نظام وانموده است. او معتقد بود که تکه پاره‌های ابژکتیو، واقعیت را به شکل سرسام‌آوری شناور می‌سازد و باعث تهییج سرگیجه‌آور مرگ‌بازنمایی می‌شود. او این وضعیت را «حاد واقعیت» نامید. حاد واقعیت، مرحله‌ای کاملاً تازه را بازنمایی می‌کند که در آن، تصویر با هیچ واقعیتی در تناسب نیست، بلکه وانموده‌ای باب از خود هستند (حامدی و رضوی، ۱۳۹۴).

#### از روایت کلاسیک تا روایت پست مدرن

این بررسی از دوران باستان آغاز شده است و تا دوران پست مدرن ادامه دارد. این تقسیم‌بندی به این معنا نیست که با ظهور تفکر و هنر مدرن، تفکر و هنر کلاسیک و با ظهور تفکر پست مدرن، هنر و تفکر مدرن و کلاسیک به‌کلی به فراموشی سپرده شود. این امری نامعقول است و با دستاوردها و دیدگاه‌های پست مدرن در تضاد به نظر می‌رسد. برای سده‌های متممادی، نظریه‌ی روایت بر بستری فلسفی کمابیش بر این منوال بوده است که فیلسوفان، روایت را گزارش مطابق واقع قلمداد می‌کرده‌اند. این در واقعیت نوعی همخوانی با دیدگاه‌های دیگری را داشته است که در بخش‌های دیگر فلسفه مانند شناخت‌شناسی در جریان بوده است. به نظر می‌رسد روایت، جانمایه‌ی هرگونه هنری است. همه‌ی هنرها از نقاشی و تندیس‌سازی تا شعر و داستان‌گویی و نمایش و سینما، هر یک به‌گونه‌ای به کار روایت جهان یا بخش‌ها و زاویه‌هایی از آن مشغولند. در این سیر و سیاحت فلسفی، شاهد روایت جهان از عین به ذهن و از ذهن جهان شمول مدرن به ذهن متکثر پست مدرن بودیم. در واقعیت، از روایت منطبق با واقعیت، به روایتی از جهان رسیدیم که ذهن انسان در آن منشأ بود و از آن نیز به روایت متکثر و ذهن‌های محلی، اما معتبر و معنابخش رسیدیم. در این سیری که نه صعودی است و نه نزولی، بلکه تغییر روایت جهان از آغاز تا دوران پست مدرن است، شاهد بار ارزشی و اخلاقی و متافیزیکی روایت بودیم. این دگرگونی‌ها و تحول‌ها در روایت و جابجا شدن جایگاه سوژه، نشان می‌دهد که روایت بدین معنا دیگر محدود به حوزه‌ی ادبیات نیست و فقط در این حوزه درباره‌ی آن بحث نمی‌شود (سجودی و رودی، ۱۳۸۹).

#### پست مدرن و هنر

بسیاری از متفکرین و منتقدین هنری، معتقدند که بیان و تعریف پست مدرنیسم بسیار دشوار است، زیرا مجموعه‌ای در هم آمیخته از نظریات و عقاید مختلف می‌باشد. اوج هنر پست مدرن و دوران به ثمر رسیدن تجارب هنری را

می‌توان در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی یافت. نگرش پست مدرن که تا پیش از دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، به عنوان جریان رادیکال و انتقادی از سوی گروه‌های اقلیتی هنرمندان نظیر پاپ آرتیست‌ها اخذ می‌شد، در دهه‌ی ۷۰ به صورت بخش بزرگی از جریان‌ات فرهنگی و هنری درآمده و در دهه‌ی ۸۰ تبدیل به جریان غالب شد. از نظرگاه تاریخ هنر، هنر جدید در اروپا و آمریکا صرفاً نوعی تکامل تکلف‌گرایانه‌ای است از هنر پاپ، هنر مینیمالیسم و هنر مفهومی. این هنر در واقع امتزاج تازه و رشدیافته‌ای از سبک‌های هنری که پیش‌تر معرفی شده بودند، بود. در حقیقت، هنر نوین و معاصر غرب را باید میراث‌خوار آگاهی فرهنگی ناشی از هنر پاپ، شیوه‌ی ارائه و مواد به‌کار گرفته شده در هنر مینیمالیسم و بالاخره ابعاد زیبایی‌شناختی و کشف زمینه‌های هنری در اشیاء که در هنر مفهومی پدیدار شده، به شمار آورد. از جمله ویژگی‌ها و راهکارهای پست مدرنیسم در هنر، به‌ویژه در هنرهای تجسمی، از آن خودسازی، گفتمانی بودن، ویژگی مکانی، انباشتن، کم دوامی و ناپایداری و پیوندگری است (حسنوند، ۱۳۹۷).

پست مدرنیته از معماری شروع شده و خود را در فلسفه، موسیقی، نقاشی و تئاتر متبلور ساخته است. در حالی که فردگرایی، پیشرفت، اصالت و ناب بودن، ویژگی هنر مدرن است. پست مدرن‌ها معتقدند که در دنیای کنونی، هنر از جایگاه معنوی‌اش به زیر کشیده شده است و دایره‌ی نفوذ و قدرت رسانه‌ها و تبلیغات و بت‌وارگی کالا، آن را در کام خود فرو برده است، هنرمند دیگر ساکن برج عاج نیست و هنر اینک تلاشی گروهی است؛ چرا که هنرمندان و مخاطبان آنها همگی در یک فضای فرهنگی زیست می‌کنند (وارد، ۱۳۸۴).

بنابه خاصیت گفتمانی فضای پست مدرنیستی، معنای آثار هنری در نگاهی بافتاری و در بازی زبانی به دست می‌آید. از آنجایی که در بحث از جامعه‌شناسی پست مدرن، مرز میان ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و اخلاقی وجود ندارد، آثار هنری این دوران در ارتباط با فرهنگ پست مدرنیستی تولید می‌شوند (عشقی و همکاران، ۱۳۹۹). از آنجایی که هنر، نمود روح دوران در جوامع است، در دوران معاصر با نگرشی نقادانه، شیوه‌ی بازتولید هنری را در عصر پست‌مدرن معرفی می‌نماید که معرف سیر تحولات جوامع در کنش اجتماعی تحت عنوان هنر متعهد است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۹). از انواع هنر می‌توان معماری و شهرسازی، تئاتر و سینما و هنرهای تجسمی را مثال زد.

#### پست مدرن (معماری - شهرسازی)

عصر پست مدرن، عصر دگرگونی‌های بنیادین در تمام عرصه‌های زندگی انسان و از جمله در زمینه‌ی معماری بوده است. معماری پست مدرن، آمیزه‌ای التقاطی از فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف است (عبادی و همکاران، ۱۳۹۵). معماری به مثابه اثر هنری، واقعیت‌ها یا ارزش‌های برتر را معین می‌سازد. معماری، بیانی بصری از ایده‌ها به دست می‌دهد. معماری به عنوان یک هنر اصیل، نمایانگر فرهنگ و تمدن هر قوم و ملتی می‌باشد (نجفی، ۱۳۹۵). مرحله‌ی جدید فکری در فرآیند شهرسازی تحت عنوان پست مدرنیسم، خود را در اندیشه‌های اندیشمندان معترض ظاهر ساخت. تمامی رویکردها و دعاوی پست مدرنیسم همگی در شهرسازی در حقیقت عکس‌العملی است بر آنچه که در شهرسازی مدرنیسم مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته است (فیروزی و همکاران، ۱۳۸۹). در دیدگاه پست مدرن، گسترش شفافیت در قالب معماری شیشه‌ای، زمینه‌ی نقد کاربرد وسیع آن توسط منتقدان مدرنیسم را به وجود آورد و آنها شفافیت واضح را به عنوان شفافیت ادراکی یا دیدنی و شفافیت پدیداری را به عنوان شفافیت

ذهنی یا خواندنی طبقه‌بندی کردند. معماری مدرن بیشتر جنبه‌ی شفافیت واضح و دقیق (مبتنی بر مواد و کاهنده‌ی ماده) و پست مدرن جنبه‌ی شفافیت پدیداری (ذهنی) را دنبال می‌کرد (سعادت و همکاران، ۱۳۹۶). شهرسازی و معماری مبتنی بر ایدئولوژی سرمایه‌داری که به تدریج در قرن نوزدهم و بیستم بر زندگی بشر امروزه سایه افکنده، حاصل برهمکنش‌هایی با پارادایم‌های مدرنیسم و سپس پست مدرنیسم بوده است که در طول یک دوره‌ی نسبتاً طولانی اتفاق افتاده است. دوران مدرنیسم که از خاستگاه‌های مقامات و حکومت‌های محلی شهری، گروه‌های تجاری و بازرگانی و اصلاح‌گران در مجموع در راستای رفع فقر و هلاکت شهرها به امید دستیابی به شهرهای پاکیزه‌تر، سالم‌تر و کارآمدتر و مؤثرتر بعد از جنگ جهانی دوم متأثر از جنبش زیباشهر و عقاید و تجویزهای لوکوربوزیه آغاز شده بود، در منشور آتن با محوریت معماران با شور و اشتیاق فراوان آغاز شده بود و در نهایت در اثر تأکید بیش از حد بر شهرسازی اتومبیل محور و نیز معماران، در نهایت موجب عوارض متعددی شد که در نهایت این عکس‌العمل در منشور ۲۰۰۰ نمود یافت. نمودی که از آن به پست مدرن تعبیر گردید که تأکید بر بازگشت به خویشتن و هویت، نظام‌های طبیعی موزون و هماهنگ، جوابگویی به نیازها و رفتارهای متحول جامعه، حمل و نقل متنوع (تأکید بر پیاده‌محوری)، تنوع در ساخت و غیره داشت. شهر پست مدرن که نمونه‌ی مشخص آن «لس آنجلس» بوده، شهری منطقه‌ای، فرافوردیست و شهر جهانی است که در واقع متأثر از نئولیبرالیسم است (ملکی و سجادیان، ۱۳۹۶).

شهرنشینی از مشخصه‌های بارز قرن بیستم محسوب می‌گردد که همواره تحت تأثیر نگرش‌های فلسفی و یا ارائه‌ی طرح و برنامه‌های خاص در مقاطع زمانی مختلف به دنبال ایجاد رفاه و آسایش برای شهروندان و کاهش معضلات فراروی جوامع است. جنبش مدرنیسم متعاقب انقلاب صنعتی و بر پایه‌ی خرد و قدرت تکنولوژی شکل گرفت. اما شهر حاصله از تمدن مدرن در بستر حدود یک قرن دچار مشکلاتی گردید. متعاقب آن، دهه‌های آخر قرن بیستم از طرفی شاهد نگرش فلسفی پست مدرنیسم و از طرف دیگر، ظهور پارادایم توسعه‌ی پایدار هستیم که علوم مختلف و برنامه‌های آنها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری نیز در انتقاد به عملکرد مدرنیسم و در چارچوب پارادایم توسعه‌ی پایدار به ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی پایدار شهری پرداخته و در طرح و برنامه‌های خود تحولاتی را داشته است (پارسی‌پور و ضیاءتوانا، ۱۳۹۲).

### پست مدرن (تئاتر و سینما)

در قرن بیستم میلادی آن‌چنان طوفان‌ها و تندبادهای سهمگینی از جانب هنر تازه به میدان آمده‌ی سینما به سوی تئاتر وزیدن گرفت که همه‌ی توش و توان و موجودیت این تنها هنر زنده‌ی کهنسال باقی‌مانده تا روزگار ما را ملتهب ساخت. بنابراین، تئاتر پست مدرن بر روی صحنه، پیش از آنکه پست مدرنیسم به جریان اصلی نزد اندیشمندان تئاتر دهه‌های اخیر تبدیل شود، از دهه‌ی ۳۰ میلادی در تئاتر بی‌رحمی آنتونن آرتو شروع شده بود (مختاباد امرئی، ۱۳۸۷). سینمای پست مدرن حداقل از دو منظر قابل ردیابی است، یکی تغییرات ساختار فیلمسازی و دیگری محتوای فیلمیک. با ورود به عصر پست مدرن، سازمان صنعت سینما نیز دستخوش تغییر شد و هالیوود از تولید انبوه فوردی (نظام استودیویی) با آثاری که گاه و بی‌گاه پُر فروش می‌شدند، به تولید مستقل انعطاف‌پذیر

(هالیوود جدید و پس از آن) تغییر شکل داد که ویژگی اقتصاد پست مدرن بود (Hill, ۱۹۹۸). با وجود ابهامات فراوان درباره‌ی پست مدرنیسم، می‌توان ویژگی‌هایی مشترک از قبیل بی‌اعتقادی به ابرروایت‌ها، بی‌اعتقادی به تمایز فرهنگ والا و فرهنگ توده‌ای، خدشه‌دار ساختن واقعیت، سوژه مرکز زدوده و غیره را شناسایی کرد؛ همچنین این وضعیت بر حوزه‌ی سینما تأثیر گذاشته و فیلم‌ها از بسیاری جهات مبین مضامین پسامدرن بوده‌اند و یا تصویری از جامعه‌ی پسامدرن ارائه کرده‌اند (امیری، ۱۳۹۶). در روایت پست مدرن، قطعیت در ساختار روایی خطی و ابهام در فیلم مدرن، جای خود را به احتمال و تصادف در فیلم پست مدرن می‌دهند. مک کی که پیرنگ را در فیلم کلاسیک، شاه پیرنگ و در فیلم مدرن، خرده پیرنگ نامیده است؛ به این روایت‌ها، ضد پیرنگ می‌گوید «ضد پیرنگ، معادل سینمایی ضد رمان یا رمان نو و یا تئاتر پوچ است» (مک کی، ۱۳۸۹). هنر و به‌طور ویژه سینما، همواره رابطه‌ای نزدیک و جدی با فلسفه و فلسفه‌ورزی داشته است (فهیمی فر و همکاران، ۱۳۹۷).

### پست مدرن (هنرهای تجسمی)

یکی دیگر از مسائل هنرهای تجسمی با پست مدرنیسم، آن است که بسیاری از گفتمان‌ها و احیاناً جدل‌های مربوط به معماری و هنرهای تجسمی قلمروی سیال دارند و مرزهای این دو هنر، بیش از هر زمان دیگری در هم مستحیل شده است (قره‌باغی، ۱۳۷۸). اما در حیطه‌ی هنرهای تجسمی، بسیاری از منتقدین و مورخین معتقدند که پست مدرنیسم از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی شروع شده است (حسنوند، ۱۳۹۷).

در دوره‌ی پست مدرنیسم، هنر دچار کارکردهای متغیری شده و مدام در حال تغییر ماهیت و هویت است (موسویان، ۱۳۹۴). پارادایم پست مدرن که روزگاری فقط هنر و معماری را در بر می‌گرفت، امروزه وارد هر رشته یا شاخه‌ای از علم شده است و به هر گوشه از علوم مختلف توجه می‌شود ردپایی از آن را شاهد هستیم (سپهوند، ۱۳۹۷).

همان‌گونه که در بیان ویژگی‌های عصر پسامدرن اشاره شد، تکثرگرایی، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در این دوره است. در این راستا، یکه‌گرایی که در عناصر فکری و فرهنگی مدرنیسم وجود دارد در گذار از نگرش پسامدرن و قالب بازنمودها مبدل به عناصر تکثیری می‌شود؛ بنابراین در مبحث هنر نیز می‌توان گفت جریان تکثرگرایی در آمیختن نقاشی با دیگر رسانه‌ها به صورت کاملاً محسوس بر کارکرد موزه‌ها به عنوان سیستم بسته‌ی یادگار عصر مدرنیسم که محبس آثار هنری به‌ویژه نقاشی بودند، تأثیر نهاده است. به دیگر سخن، آثار هنری به واسطه‌ی فرآیند تکثیر و درآمیختن با مدیوم‌های دیگر، از بند موزه‌ها آزاد می‌شوند و به صورت مستقیم و بی‌واسطه در میان عموم قرار می‌گیرند (صفاری احمدآباد و همکاران، ۱۳۹۶).

امروزه با پدیدار شدن پست مدرنیسم، تحولات بنیادین در نظریات و ساختار و معانی حوزه‌ی هنرهای تجسمی ایجاد شده است. آثار و فعالیت‌هایی که تحت عنوان پست مدرن صورت گرفته، اساساً در عرصه‌ی معماری که عمدتاً در ایالات متحده آمریکا و در عرصه‌ی علوم اجتماعی یا اندیشه‌ی اجتماعی نیز در فرانسه اتفاق افتاده است. ویژگی‌های هنر پست مدرن، حضور التقاط‌گرایی فراگیر همراه با زنجیره‌ی سردرگمی از سبک‌هاست و زیربنای آن را می‌توان در مفهوم‌گرایی که نخستین حمله را به مدرنیسم آغاز کرد و بیشترین مخالفت با قائم به ذات بودن هنر

مدرن بود، یافت. نشانه‌های موجود در تاریخ چند دهه‌ی اخیر هنرهای تجسمی و نقد هنری، حاکی از آن است که چنان سبک‌ها و سنت‌ها در هم تنیده که سبک مشخصی در آثار هنرمندان دیده نمی‌شود. امروزه در متون هنری و بررسی آثار نقاشان معاصر، واژگانی کاربرد پیدا کرده‌اند که نقش کلیدی را در برخورد با اثر هنری دارند و نمی‌توان بدون شناخت معانی و مفاهیم آن، درک و دریافت از آثار نقد شده داشت (حسینی صدر، ۱۳۹۴).

### پست مدرن در یک نگاه - اثر مشهود جغرافیا

پست مدرنیسم به‌عنوان یک گرایش زیباشناختی که در برابر مدرنیسم و رئالیسم بالا واکنش نشان می‌دهد، فرهنگ نخبه و عامه را در کنار هم قرار می‌دهد، تمایز بین هنر و غیر هنر را زیر سؤال می‌برد و از تجمیع و خمیرمایه برای ایجاد گفتگوی بین سبک‌ها و مصنوعات مختلف استفاده می‌کند. علوم انسانی متأثر از پست مدرنیسم، مفاهیم متعالی حقیقت و خرد، پیشرفت و موضوع خودمختار را نقد می‌کند و کلیات و جهانیات را به نفع محلی و خاص کاهش می‌دهند. تاریخ و فرهنگ به‌عنوان سازه‌های گفتمانی و مکان‌های مبارزه ظهور می‌کنند. دشمنان ادعا می‌کنند که عبارات پست مدرنیستی فاقد جدیت، احساس تاریخ و فاصله‌ی انتقادی از فرهنگ غالب و تجارب آن است (Broden, ۲۰۰۶). برای در نظر گرفتن بیشتر ماهیت و محدودیت‌های انتقادات پست مدرن از عملکرد مبتنی بر شواهد استفاده می‌شود (Griffiths, ۲۰۰۵).

اعتقاد بر این است که عصر کنونی از نظر طبقه‌بندی اندیشه پسامدرن است. هر دوره از زندگی بشر تحصیلات خاص خود را دارد (Farmahini Farahani & etal, ۲۰۱۴). پست مدرنیسم سعی می‌کند ابزارهای زورگویانه‌ی اجتماعی را در قالب "دموکراتیزه‌سازی علم" یا "تحقیق و نوآوری" مسئولانه تحمیل کند (Kuntz, ۲۰۱۷). این ایده که جامعه‌ی پست مدرن بر چگونگی تصور فرد از خودپنداره‌ی خود تأثیر می‌گذارد، اغلب مورد بحث قرار می‌گیرد، اما به ندرت نظریه‌پردازی می‌شود و از نظر تجربی مورد بازرسی قرار می‌گیرد (Dunn & Castro, ۲۰۱۲). درک واقعیت و زیباشناسی از ادبیات سنتی، مدرن و پست مدرن متفاوت است؛ به عبارت دیگر، قضاوت درباره‌ی واقعیت و ارزش با گذشت زمان دستخوش تغییراتی شده است (Cuma, ۲۰۱۳).

ظهور بحث پست مدرن طی دهه‌ی ۱۹۹۰، صحنه‌ی فرهنگی و فکری را در طیف وسیعی از رشته‌ها، از انتقاد ادبی، هنرهای تجسمی و معماری به بخش‌های وسیعی از فلسفه و علوم اجتماعی که همگی شاهد یک مجموعه‌ی بی‌سابقه بوده‌اند، دگرگون کرده است. نوآوری‌های نظری و جریان‌های حیاتی که معمولاً زیر چتر "پست مدرن" گرد هم می‌آیند. این مجموعه‌ی انقلابی وقایع، جغرافیای انسانی به‌ویژه در جهان انگلیسی زبان، را بسیار برجسته کرد. از یک سو، کشف مجدد تعمیم‌یافته‌ی ابعاد مکانی در نظریه‌ی اجتماعی و فلسفه ناشی از چرخش پست مدرن، توجه جدیدی را به اندیشه‌ی جغرافیایی و سنت جغرافیایی جلب کرد. از سوی دیگر، پست مدرن به طریقی مهم به "بازگشت" جغرافیا به جریان اصلی علوم اجتماعی کمک کرد و راه را برای گفتگوی میان رشته‌ای جدید و بسیار پربار هموار کرد. "چرخش پست مدرن" اکنون به بخش جدایی‌ناپذیر از سنت جغرافیایی تبدیل شده است و به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که ظهور آن به‌طور قابل توجهی در احیای بحث‌های انضباطی و باز کردن چشمان جغرافیدانان به مجموعه‌ای از مسیرها و رویکردهای تحقیق جدید نقش داشته است (Minca, ۲۰۲۰).



## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در فضای پست مدرن هر چیز (شیء و غیر شیء) در بستر تضاد خود معنا پیدا می‌کند. جایی که بیماری‌ها جهش یافته و ویروس‌ها در بلندمدت، روایت می‌سازند و شاید کنترل یا واکسینه می‌شوند، مانند ویروس کرونا. نقش افراد (شخص خاص) در روند دیگر فضاها و دنیاهای دیگر (باقی جهان) تأثیر بسزایی دارد. عدالت معنای کارکردی خود را به جودیابی عدالتی می‌دهد. شغل و شاغل بودن بر مبنای سازمان‌های مجازی شکل می‌گیرد یا اصلاً میسر نمی‌شود و جاه‌یابی سخت است. در زمینه‌ی هنر و علاقه به آن، خلاقیت با جنبه‌ی غیرمنطقی خود (جلوه‌ی ویژه، دیجیتالی شدن) نمود پیدا می‌کند.

فیلم‌ها و تئاترها با پایان باز همراه است. کمبود منابع و فقر فرهنگی و اقتصادی بیداد می‌کند. اعتماد و تعهدها در رفتارهای ناپایدار و هنجارشکن بروز پیدا می‌کند. گفتمان‌ها هرچند ناخوشایند و تلخ باشند، باید آن را پذیرفت و به روی خود نیاورد، لذا ممکن است مزیت یا ترسی در پس پرده‌ی آن باشد. زیادی نقش زبان ممکن است به خستگی افراد یا محافل منجر شود. استفاده از امکانات یک شهر و جغرافیا بر مبنای آسان‌سازی و ماشینی‌سازی است که مردمان کمتر به زحمت بیافتند. واقعیت‌ها به گونه‌ای رقم می‌خورد که عوامل کلان جهانی بر روی آن مهم، اشراف دارد و می‌تواند حتی فراواقعیت‌ها را بسازد.

پوچ‌گرایی در بسیاری از صحنه‌ها و رویدادها موج می‌زند و عدم لذت‌گرایی به وجود می‌آید. هدف در هر حوزه بر مبنای پایداری و توسعه‌ی آن صورت عملیاتی به خود می‌گیرد. بسترسازی و تشکیل خانواده بر عامل افزایش سن (خارج از عُرف) می‌باشد، در این راستا ممکن است گرایش‌های جنسی هم عوض گردد. فرزندآوری کاهش و یا از بین می‌رود. تحصیل اهمیت خود را به مهارت و فن می‌دهد. درک افراد سخت و سخت‌تر می‌شود. یک ناراحتی فراگیر به طور عام و یک ناراحتی فردی به طور ویژه در انسان‌ها نقش می‌بندد. افراد مایل‌اند از حالت ذهنی خود به طور طبیعی خارج شوند و برای لحظاتی از زمین جدا شوند، بنابراین مخدرات و مسکرات بازار داغی دارد. سرمایه‌داری و تکنولوژی با هم ترکیب می‌شوند و یک جهان فرا اطلاعاتی پدید می‌آورند. عشق، قیمت مادی به خود می‌گیرد. دستیابی به اهداف با مانع روبه‌رو می‌شود. شعر و آواز با تکرار ملودی‌ها و نت‌ها یکنواخت می‌گردند تا جایی که چنانچه محلی شوند، رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرند. مهاجرت‌ها فزاینده می‌شوند. خشونت جای آرامش را می‌گیرد. مصرف‌کنندگان بیشتر از تولیدکنندگان می‌شوند. قربانی شدن و فدا کردن عادت می‌شود. تلاش بیشتر، نتیجه‌ی بیشتر نقض می‌گردد. بلوغ جسمی و روانی خیلی زودتر از موعد مقرر اتفاق می‌افتد. پیشرفت از راه‌های غیراخلاقی محقق می‌گردد. پوشش تن، در لباس‌های عربان یا نیمه‌عربان معنا می‌گیرد. جهان منتظر ناجی می‌ماند. صبر، امید می‌شود. احترام به بزرگتر کم رنگ‌تر می‌شود. شعله‌ی آتش عادی نمی‌سوزد، فراسوزی آتش رخ می‌دهد. دیوارها دیگر درب ندارند و به ناچار باید از آنها بالا رفت.

رقص اعداد، شانس تلقی می‌گردد. خوراکی‌ها در بشقاب‌ها کم حجم و پرفایده می‌شوند، به سمت حذف نان و برنج می‌روند. تناسب اندام محور فعالیت‌های ورزشی و تفریحی آحاد کثیری از مردم می‌شود، لذا از بدن طبیعی خود ناراضی‌اند. زیبایی اندام و چهره، ترویج فرهنگی می‌شود که شاید نباید. برف و باران، سیل و طوفان هم دیگر



طبیعت خود را از دست می‌دهند (یا زیاد می‌بارند و خراب می‌کنند یا کم می‌بارند و خشک می‌کنند). ساختمان‌ها تا عرش سفر می‌کنند. استرس‌ها بدخیم می‌شوند. تیم‌های ورزشی یا زیاد گل می‌زنند یا زیادی گل می‌خورند. ورزشگاه‌ها دیگر تماشاچی ندارند. زبان سبز سر سرخ می‌دهد بر باد. بی‌خوابی و شبگردی رواج دارد. نفس‌ها به شمارش می‌افتند. راه بی‌راهه می‌شود. تا چشم کار می‌کند، هر چی که مونده نابه‌جاست. آری اینجا پست مدرن است.



## منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و محمدی، محمدکریم (۱۳۹۸) "نسبت میان پست مدرنیسم و امر سیاسی"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هشتم، شماره ۲۹، ۲۶۵-۲۳۹.
۲. افضل‌ی، رسول و مرادی، صنعان (۱۳۹۲) "مطالعه تطبیقی مفهوم دولت در گفتمان‌های سیاسی مدرن و پست مدرن"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۳، شماره ۴، ۲۲۵-۲۰۷.
۳. امیری، ساره (۱۳۹۶) "پست مدرنیسم و سینما"، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، تهران.
۴. آقاحسینی، علیرضا (۱۳۹۱) "ژاک دریدا و سیر نزولی فلسفه‌ی سیاسی غرب"، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۷-۱۱۱.
۵. آقاحسینی، علیرضا؛ کرشاهی، ساسان؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و علی‌حسینی، علی (۱۳۹۶) "ژاک دریدا؛ شالوده‌شکنی و دموکراسی"، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی ۲۴، ۱۷۰-۱۵۱.
۶. بابائی، کبرا و حیدری، غلامرضا (۱۳۹۵) "پست مدرنیسم و فراهم‌آوری و مدیریت مجموعه"، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۲۷، شماره ۱، ۸۱-۶۳.
۷. بوستانی، داریوش و محمدپور، احمد (۱۳۸۸) "مقدمه‌ای بر ابعاد و گستره‌ی دستگاه نظری میشل فوکو"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ششم، ۹۹-۵۳.
۸. بوستانی، مهدی؛ پولادی، کمال و توسلی رکن‌آبادی، مجید (۱۳۹۷) "فرانظریه به‌عنوان ابزاری برای فهم"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره ۴، ۳۶-۲۱.
۹. بهار، مه‌ری و وکیلی، محمدرضا (۱۳۹۰) "آرایش مردان و زنان و امر پست مدرن، حاد-جنسیت"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هفتم، شماره ۲۲، ۶۶-۴۷.
۱۰. بهیان، شاپور (۱۳۸۹) "روش‌شناسی میشل فوکو"، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، سال چهارم، شماره هشتم، ۲۲-۱۴.
۱۱. پارسا خانقاه، مهدی (۱۳۹۶) "استعاره و فلسفه نزد دریدا و ریکور"، حکمت و فلسفه، سال سیزدهم، شماره اول، ۲۲-۷.
۱۲. پارسی‌پور، حسن و ضیاء‌توانا، محمدحسن (۱۳۹۲) "پست مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری"، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۷۶-۵۷.
۱۳. پاینده، حسین (۱۳۹۲) "انعکاس جنگ در رسانه‌ها: رویکرد پست مدرن بودریار به تحلیل رسانه‌ها"، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال نهم، شماره ۳۳، ۳۰-۱۱.
۱۴. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۸۹) "واقعیت رسانه و توده در حاد واقعیت بودریار"، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، ۲۰۰-۱۷۹.
۱۵. پورقوشچی، محمدرضا و نادری، محمود (۱۳۹۳) "جهانی شدن و تکثرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها"، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم، ۹۱-۵۵.

۱۶. پیترز، میشل و بوربولس، نیکلاس (۲۰۰۴) "پژوهش تربیتی پساساختارگرا"، ترجمه: رمضان برخورداری.
۱۷. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). "پسامدرنیسم و روش"، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۱۸. توانا، محمدعلی و مولوی نسب، ملیحه (۱۳۹۱) "وضعیت پست مدرنیسم و ارزش‌ها: نسبت‌سنجی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پست مدرنیسم با تعلیم و تربیت اسلامی"، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال چهارم، شماره دوم، ۸۴-۵۹.
۱۹. چراتی، عیسی و برزین مهر، یحیی (۱۳۹۴) "بازخوانش اشعار سهراب سپهری در چارچوب جامعه‌شناختی پساساختاری ژاک دریدا (مطالعه موردی: صدای پای آب)"، گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران.
۲۰. چراتی، عیسی و یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۶) "بازخوانی رباعیات خیام در چارچوب پست مدرنیسم لیوتار"، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲، پی‌درپی ۲۸، ۵۴-۳۹.
۲۱. حامدی، مهدی و رضوی، فاطمه (۱۳۹۴) "نظام نشانه‌ای حاد واقعیت در اندیشه‌ی بودریار و تطبیق آثار پتیر هالی با آن"، دوفصلنامه فلسفی شناخت، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۷۳/۱، ۸۴-۷۱.
۲۲. حسونند، محمدکاظم (۱۳۹۷) "درآمدی بر پست مدرنیسم و تجلی آن در هنرهای تجسمی"، مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۵، ۲۰-۵.
۲۳. حسین‌پناهی، فردین و شیخ احمدی، سیداسعد (۱۳۹۶) "زبان، استعاره، حقیقت (بررسی نقش استعاره در تکوین پساساختارگرایی: با تکیه بر آرای دریدا)"، فنون ادبی، سال نهم، شماره ۲، ۱۱۸-۱۰۳.
۲۴. حسین‌زاده یزدی، مهدی؛ زین‌العابدینی رنایی، منیره و ملاباشی، سیدمحسن (۱۳۹۴) "تبیین و بررسی مبانی معرفتی تبارشناسی میشل فوکو"، غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، ۳۶-۱۵.
۲۵. حسینی صدر، علیرضا (۱۳۹۴) "بررسی واژگان هنر پست مدرنیسم در ترجمان آثار پنج نقاش پست مدرن"، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
۲۶. حیدری، احمدعلی و فیاض، هادی (۱۳۹۴) "بررسی نسبت امر والای پست مدرن در اندیشه‌ی لیوتار با مفهوم رخداد در آراء"، فصلنامه علمی - پژوهشی کیمیای هنر، سال چهارم، شماره ۱۵، ۳۲-۲۱.
۲۷. خلیلی، سمانه و باقری، خسرو (۱۳۸۹) "بررسی آرای دریدا و بهره‌جستن از آن برای بهبود فرآیند ارتباط کلامی در آموزش و پرورش"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۲، سال نهم، ۷۲-۴۷.
۲۸. داودی، علی اصغر (۱۳۹۰) "تحلیل مناسبات قدرت در اندیشه‌ی میشل فوکو"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۱۶-۹۳.
۲۹. داوری، رضا (۱۳۸۲) "فلسفه و آینده"، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۰-۳۹، ۷۲-۵۹.
۳۰. روشنی، رضا (۱۳۸۵) "پست مدرن به‌عنوان یک نظریه"، نقد و نظر، شماره یازدهم و دوازدهم، ۳۰۲-۲۹۴.

۳۱. دژگاهی، صغری (۱۳۸۵) "بررسی اهداف آموزشی از دیدگاه میشل فوکو"، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۲، شماره ۱ و ۲، ۱۸۶-۱۶۹.
۳۲. دشتی شفیعی، علی؛ صادقی، سیدزینب و سلیمانی، مهدیس (۱۳۹۲) "فلسفه‌ی پست مدرن"، اولین کنفرانس استانی عمران، معماری، آمل.
۳۳. دلفان، معصومه؛ رشنو، خیرالنسا؛ اسماعیل‌زاده، حسن و همت، طاهره (۱۳۹۳) "آشنایی با آرای ژان فرانسوا بودریار"، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۳۴. دهبانی‌پور، رضا و خرم‌پور، یاسین (۱۳۹۵) "بررسی مؤلفه‌های پست مدرنیسم و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: جوانان شهر یزد)"، فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره ۴، شماره ۴، ۷۷-۵۳.
۳۵. رحیمیان، عاطفه و ساعتچی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۳) "بازتولید نشانه‌ها در اندیشه‌ی بودریار و آثاری از اندی وارهول"، دوفصلنامه فلسفی شناخت، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۷/۱، ۷۴-۵۷.
۳۶. ریشه‌ری، حسین؛ ناظری، افسانه و شایگان‌فر، نادر (۱۳۹۸) "بازنمود شبیه‌سازی فرهنگی متأثر از رسانه‌ها در هنرهای تجسمی معاصر براساس نظریه‌ی ژان بودریار (مطالعه موردی: آثار کاترینا فریچ)"، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۲۴، شماره ۴، ۱۴-۵.
۳۷. زاهد، فیاض (۱۳۹۲) "پست مدرنیسم و تأثیر نیهلیسم بر آن"، پژوهش‌های معرفت‌شناختی (آفاق حکمت)، دوره ۲، شماره ۵، ۱۲۴-۱۰۳.
۳۸. زاهدی، محمدجواد و نورانی، نوراله (۱۳۹۶) "نقد دیدگاه بودریار درباره‌ی نقش رسانه در شکل‌گیری مسئله‌ی اجتماعی و امر واقع"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هجدهم، شماره ۱، ۳۱-۳.
۳۹. سادات حسینی، اکرم؛ خسروپناه، عبدالله و بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۳) "نگاهی نقادانه به اثرات فلسفه‌ی لیبرالیسم در پرستاری"، تب و تزکیه، دوره ۱۹، شماره ۴، ۵۸-۴۵.
۴۰. سپهوند، اکبر (۱۳۹۷) "بررسی و طبقه‌بندی تبلیغات از نگاه رویکرد پست مدرنیسم"، رویکردهای پژوهش نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۷، جلد اول، ۲۶-۱۵.
۴۱. سجودی، فرزانه و رودی، فائزه (۱۳۸۹) "بررسی تحول روایت: از روایت کلاسیک تا روایت پست مدرن"، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۷۱-۱۵۵.
۴۲. سعادت، داوود؛ اعتصام، ایرج؛ مختاباد امرئی، سیدمصطفی و مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶) "تبیین مفهوم شفافیت در دوره‌های مدرن، پست مدرن و ارزیابی آن در معماری اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال پنجم، شماره پانزدهم، ۹۰-۷۵.
۴۳. سلیمی، اصغر (۱۳۸۳). "گفتمان در اندیشه‌ی فوکو"، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۹، تهران: کیهان، ۵۵-۵۰.
۴۴. سیدمن، استیون (۱۳۹۲) "گشاکش آراء در جامعه‌شناسی"، ترجمه: هادی جلیلی، چاپ پنجم، نشر نی، تهران.
۴۵. شریف‌زاده، محمدرضا و فرازمنند، فرناز (۱۳۹۵). "بررسی نشانه‌شناسی فرهنگی آثار چیدمان سوبوگوتا از

- منظر ژان بودریار"، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین - آلمان.
۴۶. شهابی، مهدی (۱۳۹۲) "از حقوق مدرن تا حقوق پست مدرن؛ با تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲، دوره ۱۶، ۶۸۶-۶۳۷.
۴۷. صفاری احمدآباد، سمیه؛ صفاری، سارا و زراوندیان (۱۳۹۶) "تحلیل رویداد پسامدرنیسم در هنرهای تجسمی از نگاه داگلاس کریمپ"، مجله علمی- پژوهشی پژوهش‌شکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ۷۶-۶۵.
۴۸. طاهری، محبوبه؛ افضل طوسی، عفت‌السادات و نوذری، حسینعلی (۱۳۹۹) "واکاوی نظریه‌ی انتقادی در گفتمان هنر اجتماعی- سیاسی پست مدرن"، دوره ۲۵، شماره ۱، ۱۶-۵.
۴۹. عبادی، هادی؛ هاشمیان، نرجس‌السادات و محمدی، فرنگیس (۱۳۹۵) "مقایسه تطبیقی مفهوم فضا در معماری و سایر هنرها در دوران پست مدرن"، اولین کنفرانس علمی پژوهشی عمران، معماری و محیط زیست پایدار، تهران.
۵۰. عشقی، سوده؛ مختاباد امرئی، سیدمصطفی و شریف‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۹) "زیبایی‌شناسی و خلاقیت در مکتب «پست مدرنیسم» با تأکید بر الگوی مونتاژ در هنر معاصر ایران"، نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۸، دوره ۱۶، ۲۶۰-۲۴۵.
۵۱. علیپوریانی، طهماسب و نوری، مختار (۱۳۹۰) "صورت‌بندی مدرنیته و پسامدرنیسم: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱، ۲۳۲-۲۰۷.
۵۲. فهیمی‌فر، اصغر؛ شیخ مهدی، علی و غلامعلی، اسدالله (۱۳۹۷) "رویکردی فلسفی به اصل علیت در روایت سینمایی پست مدرن، (مطالعه‌ای بر فیلم طعم گیلاس)"، فصلنامه رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۱۲، شماره ۲۸، ۷۰-۵۳.
۵۳. فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید و عزیزاده، هادی (۱۳۸۹) "تحلیل و ارزیابی ویژگی‌های شهرسازی در دوران پست مدرنیسم"، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال دوم، شماره ۶، ۹۵-۷۳.
۵۴. قره‌باغی، علی‌اصغر (۱۳۷۸) "ویژگی‌های پست مدرن هنرهای تجسمی: تبارشناسی پست مدرنیسم"، گلستانه، شماره ۱۲، ۴۳-۳۲.
۵۵. قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۶) "ویژگی‌های معرفت‌شناختی اندیشه در پیشامدرن، مدرن و پسامدرن"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۱، ۱۴۶-۱۴۴.
۵۶. قمی، محسن (۱۳۸۴) "تأثیر نظریه‌ی بازی‌های زبانی و ینگشتاین بر فلسفه‌ی لیوتار"، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۱۶، ۹۲-۶۱.
۵۷. کچوییان، حسین (۱۳۸۲) "فوکو و دیرینه‌شناسی دانش؛ روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا ما بعد التجدد"، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵۸. کهن، لارنس (۱۳۸۲) "از مدرنیسم تا پست مدرنیسم"، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی، چاپ سوم.

۵۹. کچوییان، حسین و کریم‌خان زند، مصطفی (۱۳۹۱) "تاریخ اکنون میشل فوکو و تأملاتی فلسفی در باب تاریخ"، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۲۱-۱.
۶۰. گلدمن، لوسین (۱۳۸۵) "فلسفه‌ی روشنگری"، پژوهش و ترجمه شیوا کاویانی، تهران: نشر اختران.
۶۱. گیبینز، جان. آر (۱۳۸۱) "سیاست پست مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر"، منصور انصاری، تهران: گام نو.
۶۲. لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۴) "تعریف پسامدرن برای بچه‌ها (مکاتبات حد فاصل سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۲)"، ترجمه: آذین حسین‌زاده، تهران: نشر ثالث، ص ۲۶.
۶۳. لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۷) "وضعیت پست مدرن گزارشی درباره‌ی دانش"، ترجمه: حسینعلی نودری، تهران: نشر گام نو.
۶۴. محمدرپور، احمد (۱۳۸۷) "ژان فرانسوا لیوتار و پیدایش علوم اجتماعی پست مدرن: خاستگاه نظری و مبانی پارادایمیکی"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۵، شماره ۱، ۸۲-۳۹.
۶۵. محمدی، نریمان و حیدری، حمید (۱۳۹۱) "سرگردانی سوژه‌ها در متن جهانی: تبیین تئوریک روایت سوژه در جهان رسانه‌ای"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، پیاپی ۱۱، ۱۱۷-۹۰.
۶۶. مختاباد امرئی، سیدمصطفی (۱۳۸۷) "پست مدرنیسم و تئاتر"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۴، ۹۰-۸۱.
۶۷. مصباحی جمشید، پرستو؛ سرمدی، محمدرضا؛ فرج‌الهی، مهران؛ میردامادی، سیدمحمد و اسماعیلی، زهره (۱۳۹۵) "وضعیت عقل و دین و علم در عصر پست مدرن و ملاحظات آن در تربیت معنوی با رویکرد انسان‌شناسانه"، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۴، دوره جدید، شماره ۳۳، ۱۲۶-۹۵.
۶۸. مک کی، رابرت (۱۳۸۹) "داستان ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی"، محمد گذرآبادی، تهران: انتشارات هرمس.
۶۹. ملکی، سعید و سجادیان، مهیار (۱۳۹۶) "گذری و نظری بر مناسبات معماری و شهرسازی با ایدئولوژی سرمایه‌داری و پارادایم‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم"، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره نهم، شماره ۳۳، ۱۱۹-۶۹.
۷۰. منصور، مریم (۱۳۹۴) "حاکمیت و جامعه در اندیشه‌ی میشل فوکو"، فصلنامه علمی- تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۲، ویژه علوم اجتماعی، ۱۳۱-۱۱۳.
۷۱. موسویان، سمیه (۱۳۹۴) "تحلیل زمینه‌های پیدایش مجسمه‌سازی پست مدرن از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰"، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۴، ۶۸-۵۹.
۷۲. میرزایی، حسین؛ سلطانی بهرام، سعید و قاسم‌زاده، داود (۱۳۹۱) "عاملیت و ساختار در اندیشه‌ی میشل فوکو"، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره هفدهم، ۶۹-۵۵.
۷۳. میلر، پیتر (۱۳۸۸) "سوژه، استیلا، قدرت"، ترجمه: نیکو سرخوش و احسان جهان‌دیده، تهران: نی.



۷۴. نادری، فرح (۱۳۹۱) "اندیشه‌ی پست مدرنیسم و جایگاه زن"، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۳، ۴۳-۵۶.
۷۵. نجفی، عمادالدین (۱۳۹۵) "مطالعاتی در باب معماری مدرن و پست مدرن"، همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری، دوره ۲، مهر اندیشان ارفع، دانشگاه کرمان.
۷۶. نجمیان، امیرعلی (۱۳۸۵) "درآمدی بر پست مدرنیسم در ادبیات"، اهواز: رشش.
۷۷. نصیری‌پور، الهام (۱۳۹۱) "انعکاس آرای میشل فوکو در اندیشه‌ی اجتماعی-سیاسی متفکران مسلمان"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، ۱۶۸-۱۴۵.
۷۸. نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹) "صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته: بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل"، نشر: نقش جهان تهران.
۷۹. نوذری، حسینعلی و شیخ‌لر، کاظم (۱۳۸۹) "روش‌شناسی و معرفت‌شناسی در رهیافت پست مدرن"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره دوازدهم، ۳۵-۵۵.
۸۰. نورانی، خدیجه؛ سرمدی، محمدرضا و ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۹۳) "دلالت‌های آموزشی ایده‌ی ساختارشنکی دریدا در آموزش مجازی"، فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی، سال اول، شماره چهارم، ۶۸-۵۵.
۸۱. وارد، گ (۱۳۸۴) "پست مدرنیسم"، ترجمه: قادر فخر رنجبری و ابوذر کرمی، تهران: نشر ماهی.
۸۲. وبستر، فرانک (۱۳۸۰) "نظریه‌های جامعه‌ی اطلاعاتی"، ترجمه: اسماعیل قدیمی، قصیده سرا.
۸۳. ویلیم برتنز، یوهانس (۱۳۸۲) "نظریه‌ی ادبی (مقدمات)"، تهران: روزنگار.
۸۴. هرسیج، حسین و ایزدی، هجرت (۱۳۹۲) "هویت‌های پلورال؛ عالم پست مدرن ثمره‌ی سیاست قدرت‌مدار مدرن"، غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول، ۱۶۱-۱۳۵.
۸۵. هیکس، استیون رونالد کریگ (۱۳۹۱) "تیین پست مدرنیسم: شک‌گرایی و سوسیالیسم از روسو تا فوکو"، مترجم: حسن پورسفیر، تهران: نشر ققنوس.
۸۶. Baudrillard, Jean (1998) "Consumer Society", Sage, London, England.
۸۷. Broden, T.F (2006) "Postmodernism", Encyclo Pedia of Language & Linguistics (Second Edition), 785-799.
۸۸. Cheng, K. W. (2005) "A research on the inherent limitation for enrollment in accounting education in Taiwan universities". The Business Review, Cambridge, 4(2). 114-122.
۸۹. Cheng, K. W. (2007) "The Curriculum Design in Universities from the Perspective of Providers in Accounting Education". Education, 127(4), 581-590.
۹۰. Cuma, Ahmet (2013) "Postmodern textuality in the works of Muller, Auster and Kacan", Procedia - Social and Behavioral Sciences, Vol 70, PP: 1891-1900.
۹۱. Derrida, J (1976) "Of Grammatology", trn: G.C. Spivak, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
۹۲. Derrida, J (2005) "Rogues, Trans: Pascale Anne and Michael Naas", California: Stanford University Press.

۹۳. Dunn, Thomas & Castro, Antonio (2012) "Postmodern society and the individual: The structural characteristics of postmodern society and how they shape who we think we are", *The Social Science Journal*, Vol 49, 352-358.
۹۴. Farmahini Farahani, Mohsen., Mirza Mohamadi, Mohammad Hasan & Noroozi, Naser (2014) "The Study On Features Of Informal Education In Postmodernism", *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, Vol 136, PP: 559-563.
۹۵. Griffiths, Peter (2005) "Evidence-based practice: a deconstruction and postmodern critique: book review article", *International Journal of Nursing Studies*, Vol 42, Issue 3, PP:355-361.
۹۶. Hebdige, Dick (1988) "Light the in hiding routledge". London: Things and images.
۹۷. Hill, J (1998) "Film and Postmodernism". in J Hill and P.C Gibson (Eds), *The Oxford Guide to Film Studies*, London: Oxford University Press.
۹۸. Hirt, Sonia. A. (2009) "Premodern, Modern, Postmodern? Placing New Urbanism into Historical Perspective". *Journal of Planning History*, 8(3), 248-273.
۹۹. Kuntz, Marcel (2017) "Science and Postmodernism: From Right- Thinking to Soft-Despotism", *Trend in Biotechnology*, Vol 35, Issue 4, 283-285.
۱۰۰. Minca, Claudio (2020) "Postmodern turn in geography", *International Encyclopedia of human geography (Second Edition)*, PP: 323-331.
۱۰۱. O'mathuna, DP (2004) "The Future of Nursing; Postmodernism & Nursing: After the Honeymoon", *JCN*, 21 (3), 4-11.
۱۰۲. Ritzer, George (2009) "Meta Theory", retrieve, agust 2009, 24, Form: www. Sociology Encyclopedia.
۱۰۳. Shamshiri, B (2008) "Jahani shodan & Tarbiat Dini az Manzar Modernism, Postmodernism , Islamie", *Erfan. Daneshvar (Raftar) Shahed University*, 15 (30): 53-70.
۱۰۴. Shaw, MC (1993) "The discipline of nursing: historical roots, current perspectives, future directions", *Journal of Advanced Nursing*, 18: 1651-1656.
۱۰۵. Silverman, Hugh. J. (1990) "Continental Philosophy III: Postmodernism Philosophy And The Arts", Routledge, New York.
۱۰۶. Usher, R; Bryant, I & Johnston, R (2005) "Adult Education and the Postmodern Challenger". London, Taylor & Francis e-Library.

## The meta-theory of postmodern theories

Pouria Farahgol, Sepideh Khoshab, Fatemeh Zare Moayedi

## Abstract:

The captivity of the world is seen in the postmodern perspective. Given that postmodernism, like many other isms, is not an indigenous experience and thought, one must proceed with caution and care. Postmodernism means accepting something beyond the present. In postmodern theory, ontology takes precedence over epistemology. Therefore, this article has been written with the approach of providing a general introduction to some basic postmodern concepts and theories. The purpose of this paper is postmodern meta-theory. Critique and comparison with modern society, study of origin, study of ontology philosophy, epistemology and methodology, study of postmodernism from the perspective of scientists such as Michel Foucault, Derrida, Lyotard, Baudrillard and study of artistic angles including architecture-urban planning, theater and cinema and visual arts and The works of geography were done in a review and library way. By critically evaluating and deconstructing and using metaphors and proverbs, the narrative of the present world in all dimensions from a postmodern perspective appeared in the form of meta-theory in the conclusion section. The meta-theory in this study, based on contradiction, difference and critique, acknowledges that yes, this is postmodern; Therefore, the green tongue gives a red head to the wind!

Keywords: Trans-theory, postmodernism, modernism

## فصلنامه جهان نوین

No 4, 2 021, P 42- 52

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۲-۵۲

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شاپا: (۳۴۷۹ - ۲۶۴۵)

## نقش کارآفرینی در مدیریت کسب و کار

نیلوفر وجدانیان<sup>۱</sup>

## چکیده:

به زبان ساده، کارآفرینی همان فرآیند تأسیس یک کسب و کار بر مبنای یک فکر و ایده نو است. شاید به دلیل عدم فضای باز اقتصادی یک فرد یا شرکت دست به کارآفرینی می‌زند. عنصر کلیدی ایجاد کسب و کار و مدیریت‌های ناشی از آن، تولد کارآفرین و کارآفرینی است. هدف در این مقاله بررسی، تعیین نقش و نوع رابطه کارآفرینی در مدیریت کسب و کار است. با هدف پیاده‌سازی کاربردی و پیمایش از نوع همبستگی از ۱۰۰ نفر به صورت پرسشنامه سنجش به عمل آمد که رابطه این دو و نقش کارآفرینی در مدیریت کسب و کار چگونه می‌باشد. تحلیل نتایج در نرم‌افزار SPSS نشان داد که بین این دو رابطه معناداری وجود دارد و کارآفرینی نقش پیش‌بینی‌کننده را برای مدیریت کسب و کار بازی می‌کند. همچنین جهت شناسایی عوامل مؤثر در اولویت‌بندی آنها در رویکرد این نقش از ۱۵ نفر از خبرگان فعال و متخصص در امور مربوطه در قالب جدول مقایسات زوجی سنجش به عمل آمد که با روش بردار ویژه مشخص شد بیشترین دلیل یک کارآفرین برای ایجاد کسب و کار، عامل اقتصادی است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، مدیریت کسب و کار، کارآفرین

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گرایش کارآفرینی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران.

## مقدمه

در عصر حاضر که با افزایش جمعیت، جوامع و سازمان‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت هستند و در پی آن، پیچیدگی آنها نیز رو به فزونی است، کارآفرینی در یک تعامل چندسویه یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و بهبود فرآیندها و هم به‌عنوان عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است؛ حتی می‌توان بحث کارآفرینی را در عصر مدرن امروزی یکی از اصلی‌ترین راهبردهای بنیادی هر کشور محسوب کرد (ناهد، ۱۳۸۸).

اندیشمندان کارآفرینی تلاش بسیاری برای توضیح این موضوع انجام داده‌اند که چگونه و چرا بنگاه‌ها به وجود می‌آیند، بقای خود را حفظ می‌کنند و رشد می‌یابند (Davidsson, ۲۰۰۴). امروزه کارآفرینی یکی از مقولات مورد اقبال در جامعه است که باید در مسیرهای صحیحی کانالیزه شود و با پشتیبانی از کارآفرینان، زمینه‌های مناسب برای فعالیت آنها فراهم شود. در همین راستا، بسترسازی برای کارآفرینی در وجوه مختلف آن می‌تواند دارای اهمیت استراتژیک در نظام عملکرد مدیریت بخش عمومی و سازمان‌های دست‌اندرکار در مدیریت باشد (غفاری گیلانده و افروز، ۱۳۹۳). کارآفرینی یک رفتار است، رفتاری که مبتنی بر قصد و اراده آگاهانه است (باقرصاد و زالی، ۱۳۹۰). در فرآیند تغییرات سریعی که به واسطه تکنولوژی‌های ارتباط در بستر اقتصاد مبتنی بر دانش ایجاد شده است، تفکر سنتی قدرت بازو، جای خود را به قدرت فکر و دانش داده است. مدیریت فکری انسان بیش از هر زمان دیگر از ارزش برخوردار شده است به گونه‌ای که در برخی نظریه‌های دانشمندان، به این دوره زمانی «عصر کارآفرینی» اطلاق شده است (جوادیان لنگرودی، کنفی، ۱۳۹۱).

اندیشمندان مدیریت و رفتار سازمانی، موفقیت سازمان‌های امروزی را تا حد زیادی متکی بر خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی می‌دانند. به منظور تحقق این موضوع، باید فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان‌ها ترویج داده شود تا روحیه کارآفرینی در کارکنان شکل گیرد و در نهایت، محیطی کارآفرینانه در سازمان ایجاد شود. این امر مستلزم شناخت، تبیین و تشریح مفهوم و فرآیند کارآفرینی است (پورحسن هریس و همکاران، ۱۳۹۴).

به همین روی، با شدت یافتن تغییرات فناوری، تغییر فضای کسب‌وکار و از میان رفتن موانع سنتی ورود به بازارها در بیشتر صنایع، شدت رقابت افزایش یافته است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵). در کشور ما، اغلب دانشگاه‌ها در نسل دوم دانشگاهی یعنی دانشگاه‌های پژوهش‌محور قرار دارند و فعالیت چندانی در راستای تجاری‌سازی یافته‌های پژوهش، تربیت افراد کارآفرین و تبدیل شدن به نسل سوم دانشگاه‌ها یعنی دانشگاه‌های کارآفرین ندارند. فعالیت‌های تجاری‌سازی دانشگاه‌های داخلی، اغلب در حد ایجاد پارک‌های علم و فناوری محدود شده است که خروجی چندانی به بازار کسب‌وکار ارائه نمی‌دهند (Salamzadeh et al, 2011).

هر کسب‌وکاری برای موفقیت، رشد و نوآوری به افراد متخصص و کارآمدی نیاز دارد که ویژگی‌هایشان با ویژگی‌های آن کسب‌وکار تناسب داشته باشد. کارآفرینی و الزامات راه‌اندازی کسب‌وکارهای پرخطر نیازمند افرادی است که بتوانند با این شرایط و الزامات خود را وفق دهند و بین این الزامات و ویژگی‌های شخصیتی‌شان تناسب وجود داشته باشد (کاکاپور و خنیفر، ۱۳۹۲). در دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها بهبود فرآیندهای کسب‌وکار را به‌عنوان اولویت اول مدیریت تغییرات شدید محیطی در نظر گرفته‌اند، یعنی به اجبار فرآیندهای خود را با این تغییرات پایدار فناورانه، سازمانی، سیاسی و سایر تغییرات محیطی منطبق کرده‌اند (Davenport, 1993).

از آنجا که همه ایده‌های تولیدشده برای سازمان ارزشمند نیستند، سازمان امکان اجرای ایده‌ها را ارزیابی می‌کند. امکان‌سنجی یا اجرای ایده، فرآیند تعیین ارزش ایده کسب‌وکار است. در واقع، امکان‌سنجی تعیین می‌کند که آیا ایده تولیدشده می‌تواند یک فرصت کسب‌وکار باشد یا نه؛ هنگامی که ایده‌ای به‌عنوان فرصت شناخته شد، سازمان آن ایده‌آل را در قالب محصول، خدمت و فرآیند به کار می‌گیرد (بارینگر و ایرلند، ۱۳۸۸). یک مدل کسب‌وکار موفق، نشان‌دهنده یک راه بهتر نسبت به گزینه‌های موجود می‌باشد که می‌تواند ارزش بیشتری را به یک گروه مجزا از مشتریان پیشنهاد کرده و منافع بیشتری را به شرکت بازگرداند. عدم تشخیص یک مدل کسب‌وکار مناسب در زمان آغاز یک کسب‌وکار، موجب ناکامی سازمان‌ها در دستیابی به اهداف آن می‌شود (منطقی و ثاقبی سعیدی، ۱۳۹۲). موفقیت هر کسب‌وکاری در قرن ۲۱ با توجه به بازارهایی که هر روز رقابتی‌تر می‌شوند، منوط به استفاده از دانشی است که شرکت‌ها در فرآیندهای کلیدی خود بدان نیاز دارند. در این میان، سازمان‌هایی که دانش خود را به صورت اثربخشی مدیریت می‌کنند درجه بالایی از خلاقیت و عملکرد کاری داشته و پیشرو در کسب‌وکار خود هستند (حمیدی، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر، مدل کسب‌وکار، به‌عنوان هسته اصلی ایجاد ارزش در کسب‌وکار و یکی از ابزارهای کسب‌مزیت رقابتی، بررسی شده است (Amit & zott, 2001). بنابراین با توجه به موارد مطرحه، در این مقاله سعی بر آن است نقش کارآفرینی در مدیریت کسب‌وکار بررسی شود.

### مبانی نظری

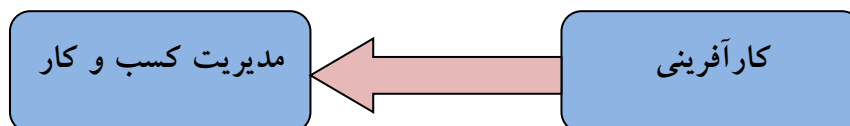
- **کارآفرینی:** کارآفرینی، فرآیند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است با فرض همراه بودن ریسک‌های مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش‌های مالی و رضایت فردی (فرهادی و میرزائی، ۱۳۹۶).

- **مدیریت کسب‌وکار:** منطق غالب را به‌عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و اصول می‌دانند که باید توسط مدیران برای سازماندهی درست شرکت‌ها و جستجو و استفاده از فرصت‌هایی به کار رود که در بازار به وجود می‌آیند (پراهالاد و بتیس، ۱۹۸۶).



## چارچوب نظری و مدل مفهومی

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، هدف، تعیین نقش کارآفرینی (مستقل) در مدیریت کسب و کار (وابسته) می‌باشد.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

## روش تحقیق

در این مقاله، هدف، کاربردی و قابل توسعه‌سازی و جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری ۱۰۰ نفر از افراد فعال در حوزه کسب و کارهایی می‌باشند که از طریق کارآفرینی به اشتغال‌زایی رسیده‌اند. این مقاله دارای ۲ جامعه آماری می‌باشد. جامعه آماری اول، با بررسی تحلیل آماری با روش‌های پیرسون و رگرسیون از ۱۰۰ نفر و نرم‌افزار SPSS به تعیین نقش کارآفرینی و رابطه آن با مدیریت کسب و کار می‌پردازد. جامعه آماری دوم، از ۱۵ نفر از خبرگان و نظریه‌پردازان حوزه کارآفرینی برحسب اولویت (محاسبه اوزان) با روش بردار ویژه (یکی از روش‌های تعیین اوزان شاخص در تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره) می‌پردازد. داده‌های روش تحقیق اول، از پرسشنامه‌های استاندارد با طیف استخراج شده است. داده‌های روش تحقیق دوم، از مصاحبه از خبرگان استخراج شده است.

## تحلیل یافته‌ها

- فرضیه: کارآفرینی با مدیریت کسب و کار رابطه معنی‌داری دارند.

## آزمون پیرسون

جدول ۱: همبستگی پیرسون

| وابسته           | مستقل     |
|------------------|-----------|
| مدیریت کسب و کار | کارآفرینی |
| N=۱۰۰            | sig       |
| P-value          | ۰/۰۰۰     |
| ۰/۰۵             |           |

با توجه به جدول (۱)، کارآفرینی و مدیریت کسب و کار رابطه معنی‌داری دارند. از آن جهت که sig کمتر از P-value می‌باشد، بنابراین فرضیه تأیید می‌شود.

## آزمون رگرسیون

- فرضیه: نقش کارآفرینی در مدیریت کسب و کار پیش بین است.

## تحلیل رگرسیون

جدول ۲: تحلیل رگرسیون Model Summary

| Model | R     | R square | Adjusted R square | Std.Error |
|-------|-------|----------|-------------------|-----------|
| 1     | 0/849 | 0/721    | 0/714             | 9/264     |

جدول ۳: Anova

| Model | Sum of square | dF  | Mean square | F      | sig   |
|-------|---------------|-----|-------------|--------|-------|
| Reg   | 36959/390     | 4   | 9239/84     | 107/65 | 0/000 |
| Res   | 14333/773     | 167 | 85/831      |        |       |
| Total | 51293/163     | 171 |             |        |       |

جدول ۴: Coefficients

| Model      | U.C    |           | S.C   | t    | sig   |
|------------|--------|-----------|-------|------|-------|
|            | B      | Std.Error | Beta  |      |       |
| (constant) | ۱۵/۰۹۳ | ۴/۰۳۷     | ۰/۴۱۸ | ۳/۷۳ | ۰/۰۰۰ |

با توجه به سطح معناداری در جداول (۳) و (۴)، می توان گفت کارآفرینی در مدیریت کسب و کار نقش پیش بین دارد و فرضیه تأیید می گردد.

## روش بردار ویژه

روش دیگری که برای انتخاب کارآفرینی و نقش آن در مدیریت کسب و کار در این پژوهش پرداخته می شود، روش بردار ویژه است. روش بردار ویژه برای محاسبه اوزان یک ماتریس در شرایط عدم وجود سازگاری کامل می باشد.

$$D.w = \lambda_{\max} \cdot w \quad (1)$$

که در آن  $w$  بردار ویژه و  $\lambda_{\max}$  مقدار ویژه می باشد. اگر:

$$Dw - \lambda w = 0 \quad \square \quad w(D - \lambda I) = 0 \quad (2)$$

پس

$$D - \lambda I = 0 \quad (3)$$

و

$$w = \lim_{k \rightarrow \infty} \frac{D^k e}{e^t D^k e} \quad (4)$$

اضافه می‌گردد.  $D$  یک ماتریس مربع و معکوس‌پذیر و  $e$  یک ماتریس واحد به صورت  $\begin{pmatrix} 1 \\ 1 \\ 1 \\ 1 \end{pmatrix}$  می‌باشند.

از خبرگان خواسته شد چهار عامل مهم در حوزه کارآفرینی که کسب‌وکار را تشکیل می‌دهند، در قالب جدول مقایسات زوجی ارائه و تکمیل کنند.

جدول ۵: مقایسات زوجی

| $X_i \backslash X_j$ | $X_1$ | $X_2$         | $X_3$         | $X_4$         |
|----------------------|-------|---------------|---------------|---------------|
| $X_1$                | 1     | $\frac{1}{9}$ | $\frac{1}{3}$ | $\frac{1}{2}$ |
| $X_2$                | 9     | 1             | 3             | 2             |
| $X_3$                | 3     | $\frac{1}{3}$ | 1             | $\frac{1}{2}$ |
| $X_4$                | 4     | $\frac{1}{2}$ | 2             | 1             |

که در جدول (۵)،  $X_1 =$  وراثت،  $X_2 =$  محیطی،  $X_3 =$  اقتصادی،  $X_4 =$  روانی عوامل را شکل می‌دهند. از این‌رو:

$$k=1 \square D^1 e \square \begin{bmatrix} 1 & \frac{1}{9} & \frac{1}{3} & \frac{1}{2} \\ 9 & 1 & 3 & 2 \\ 3 & \frac{1}{3} & 1 & \frac{1}{2} \\ 4 & \frac{1}{2} & 2 & 1 \end{bmatrix} \cdot \begin{bmatrix} 1 \\ 1 \\ 1 \\ 1 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 1.694 \\ 15 \\ 4.83 \\ 7.5 \end{bmatrix}$$

$$e^t D^k e = e^t \cdot D^1 e = [1 \quad 1 \quad 1 \quad 1] \cdot \begin{bmatrix} 1.694 \\ 15 \\ 4.83 \\ 7.5 \end{bmatrix} = 29.024$$

$$w^{(1)} = \frac{D^1 e}{e^t D^1 e} = [0.05836 \quad 0.51481 \quad 0.16641 \quad 0.25841]$$

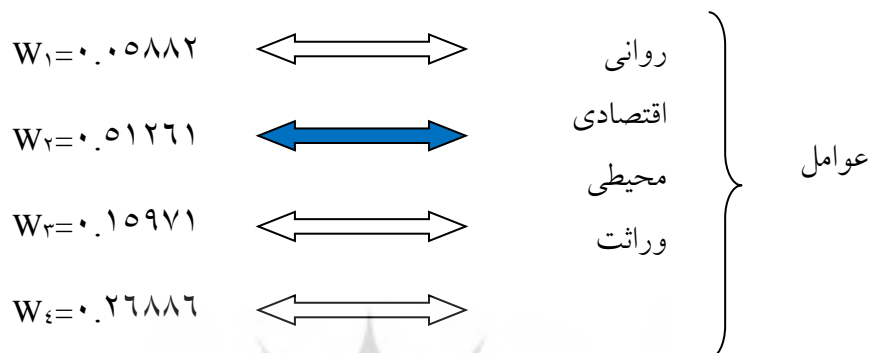
$$w^{(2)} = \frac{D^2 e}{e^t D^2 e} = [0.05862 \quad 0.51196 \quad 0.1594 \quad 0.26943]$$

$$w^{(3)} = \frac{D^3 e}{e^t D^3 e} = [0.06862 \quad 0.051259 \quad 0.15954 \quad 0.2689]$$

$$w^{(4)} = \frac{D^4 e}{e^t D^4 e} = [0.05882 \quad 0.51261 \quad 0.15974 \quad 0.2686]$$

$$w^{(5)} = \frac{D^5 e}{e^t D^5 e} = [0.05882 \quad 0.51261 \quad 0.15974 \quad 0.2686]$$

به دلیل یکسانی دوره ۴ و ۵ توقف در روش بررسی اتفاق می‌افتد.



همان‌طور که از نتایج پیداست، عامل اقتصادی بیشترین دلیل ایجاد کارآفرینی یا کسب‌وکار است که برای ایجاد و خَلق کسب‌وکار باید برای آن، برنامه‌ریزی منحصر به فرد انجام داد.

### بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی، واژه‌ای است که پژوهشگران تعاریف متعددی برای آن ارائه کرده‌اند. به‌طور متداول، واژه کارآفرینی (مانند واژه‌های فیزیک، شیمی و ریاضی) دو مفهوم را می‌رساند: کارآفرینی به معنای فرآیند و پدیده خلاقیت و نوآوری عرضه شده (تجاری شده) و کارآفرینی به معنای یک رشته علمی. رشته کارآفرینی عبارت است از مطالعه پدیده‌های کارآفرینی. رشته کارآفرینی ماهیتی میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای دارد و بیشترین ارتباط را با رشته مدیریت و رشته خلاقیت‌شناسی دارا می‌باشد. رشته علمی کارآفرینی تحت عنوان مدیریت کارآفرینی، مهندسی کارآفرینی و نیز کارآفرینی‌شناسی نیز نامیده می‌شود.

از این جهت که ماهیت فرآیند کارآفرینی، فرآیند خلاقیت و نوآوری است و مجموعه فرآیندهای آن، ماهیت طراحی و مهندسی نرم‌افزاری دارد؛ لذا کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌ها یا گرایش‌های تخصصی علم میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای خلاقیت‌شناسی یا خلاقیت نوآوری‌شناسی محسوب گردد. کارآفرین، فردی است که با صرف زمان و انرژی لازم، منابع، نیروی کار، مواد اولیه و سایر دارایی‌ها را به گونه‌ای هماهنگ می‌سازد که ارزش آنها یا محصولات حاصل از آنها نسبت به حالت اولیه‌اش افزایش یابد (ایجاد ارزش افزوده کند). کارآفرینان با

مهارتی که در تشخیص فرصت‌ها و موقعیت‌ها و ایجاد حرکت در جهت توسعه این موقعیت‌ها دارند، پیشگامان حقیقی تغییر در اقتصاد و تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند.

کارآفرینی درون‌سازمانی، درون یک سازمان موجود شکل می‌گیرد. این کارآفرینی، الزاماً به خلق کسب‌وکار جدید منتهی نمی‌شود و می‌تواند هر نوع فعالیت و جهت‌گیری نوآورانه دیگر مانند طراحی محصول، خدمات، فناوری‌ها، تکنیک‌های اداری و سازمانی، استراتژی‌ها و موضع‌گیری‌های رقابتی جدید را شامل شود.

شرایط اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی امروز کشور به گونه‌ای است که حل مشکلات و تنگناها، الگوها و راه‌حل‌های جدید و متفاوتی را طلب می‌کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز نوسان بهای نفت، سه عامل عمده‌ای هستند که موجب می‌شوند سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور به منبع درآمد سهل‌الوصول دیگری به جز نفت بیاندیشند و بی‌شک آن منبع جز ابتکار، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی چیز دیگری نیست. امروزه، نیروی انسانی به‌عنوان یک منبع نامحدود و محور هر نوع توسعه‌ای، مطرح می‌باشد. در این بین، کارآفرینان به طور خاص دارای نقشی مؤثرتر در فرآیند توسعه اقتصادی هستند. تحقیقات نشان داده که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در یک کشور، همبستگی مثبت وجود دارد؛ زیرا کشوری که دارای تعداد زیادی کارآفرین باشد، از محرک‌های تجاری و اقتصادی قوی‌تری برخوردار است.

کارآفرین کسی است که با معرفی محصولات و خدمات جدید، ایجاد شرکت‌های جدید و یا بهره‌برداری از مواد اولیه جدید، وضع اقتصادی موجود را به هم می‌ریزد. کارآفرین به راحتی از کنار مسائل و مشکلات اطراف خود نمی‌گذرد، چون حلال مشکلات است. کارآفرینان، پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. آنها از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل شرکت‌های جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند.

توسعه اقتصادی، هدفی مطلوب برای تمام ملت‌ها بوده و نتیجه‌بخش بودن فعالیت‌هایی که در این مسیر انجام می‌شود، نیازمند شناختی دقیق و جامع از متغیرهایی است که در این فرآیند نقش دارند. در این میان، کارآفرینی نقشی مهم در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. مفهوم کارآفرینی چیزی بیشتر از ایجاد شغل است. اگرچه ایجاد شغل یکی از جنبه‌های کارآفرینی است، اما تنها یکی از کارکردهای آن است. دیدگاه کارآفرینی مشتمل بر جست‌وجوی فرصت‌ها، پذیرش مخاطرات، پایداری برای محقق کردن ایده‌ها و مفاهیمی از این دست است و به‌طور کلی، با مفاهیم توسعه اقتصادی ارتباطی نزدیک دارد.

## منابع

۱. بارینگر، بروس آر، ایرلند، آردوانه. ترجمه: جعفری مقدم، سعید؛ مؤمنی، نگار و مؤمنی، توانا (۱۳۸۸) "کارآفرینی: راه‌اندازی موفقیت‌آمیز کسب‌وکارهای جدید". چاپ اول، تهران: انتشارات صفار- اشراقی.
۲. باقرصاد، وجیهه و زالی، محمدرضا (۱۳۹۰) "اثر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان". اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.
۳. پورحسن هریس، ساجد و شیخعلی‌زاده هریس، محبوب (۱۳۹۴) "تأثیر سبک‌های رهبری بر کارآفرینی سازمانی در اداره کل تربیت بدنی استان تهران". مطالعات مدیریت ورزشی، دوره هفتم، شماره ۲۸، ص ۲۱۹-۲۳۱.
۴. جوادیان لنگرودی، محبوبه و کنفی، محمدکامران (۱۳۹۱) "آموزش کارآفرینی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات". اولین همایش ملی مدیریت و کارآفرینی.
۵. حمیدی، فلورا (۱۳۹۳) "ارائه تعریفی از مدل کسب‌وکار بر مبنای مدیریت دانش". کنفرانس بین‌المللی توسعه و تعالی کسب‌وکار.
۶. غفاری گیلانده، عطا و افروز، بهنوش (۱۳۹۳) "مدلسازی ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در بسترسازی برای کارآفرینی با استفاده از منطق فازی (مورد مطالعه: شهر اردبیل)". توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۳، ص ۵۴۹-۵۶۸.
۷. فرهادی، کاوه و میرزائی، محمدرضا (۱۳۹۶) "کارآفرینی فتوتی جستاری پدیدارشناسانه در کارآفرینی بومی". فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۱، ص ۱۶۷-۱۱۷.
۸. کاکاپور، صبا و خنیفر، حسین (۱۳۹۲) "رابطه بین مهارت اجتماعی کارآفرینان و کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های دانش بنیان شهر تهران". توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۲، ص ۳۶۷-۳۴۹.
۹. منطقی، منوچهر و ثاقبی سعیدی، فاطمه (۱۳۹۲) "مدل‌های کسب‌وکار، مبانی، ارزیابی، نوآوری". رشد فناوری، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۳۹-۵۱.
۱۰. ناهید، مجتبی (۱۳۸۸) "چیستی و چرایی کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی در یک نگاه". مجله علمی پژوهشی بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۴، ص ۳۹-۵۸.
۱۱. نصراصفهانی، علی؛ انصاری، رضا و مولایی خوراسگانی، ریحانه (۱۳۹۵) "بررسی تأثیر ظرفیت جذب دانش بر کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه: شرکت‌های مستقر در شهرک علمی- تحقیقاتی استان اصفهان)". دوره ۹، شماره ۲، ص ۳۷۷-۳۹۵.



۱۲. Amit, R & Zott, C .(2001). "Value creation in e-business". Strategic Management Journal, 22(6-7). 493-520.
۱۳. Davenport, T .(1993). "Process Innovation: Reengineering Work through Information Technology". Boston: MA: Harvard Business School Press.
۱۴. Davidsson, P .(2004). "Researching Entrepreneurship". New York, USA: Springer.
۱۵. Prahalad, C; Bettis, R .(1986). "The Dominant Logic: The New Linkage Between Diversity and Performance". Strategic Management Journal: 7: 485-501.
۱۶. Salamzadeh, A; Salamzadeh, Y and Daraei, M .(2011). "Toward a Systematic Framework For an Entrepreneurial University: A Study in Iranian context with an IPOO Model". Global Business and Management Research, 3(1), 30-37.



## The role of entrepreneurship in business management

niloofar Vojdanian

M.Sc. Student of Business Management, Entrepreneurship Orientation, Faculty of  
.Economics and Management, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Iran

### Abstract:

Simply put, entrepreneurship is the process of starting a business based on a new idea. Maybe because of the lack of open economic space, an individual or company starts entrepreneurship. The key element of creating a business and the resulting management is the birth of the entrepreneur and entrepreneurship. The purpose of this article is to examine, determine the role and type of entrepreneurial relationship in business management. With the aim of applied implementation and correlational survey of 100 people, a questionnaire was assessed on the relationship between the two and the role of entrepreneurship in business management. Analysis of the results in SPSS software showed that there is a significant relationship between the two and entrepreneurship plays a predictive role for business management. Also, in order to identify the effective factors in prioritizing them in the approach of this role, 15 active and specialized experts in the relevant affairs were measured in the form of a pairwise comparison table, which was determined by special vector method. It is economical.

**key words:** Entrepreneurship, business management

## فصلنامه جهان نوین

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۴-۵۳  
 شماره شاپا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)  
 No 4, 2 021, P 5 3-6 4  
 (ISSN) : 2645 - 3479

بررسی رتبه‌بندی کارکنان شعب بانک صادرات شهر تهران از طریق آموزش ضمن خدمت با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS و SAW

فاطمه صدقی ثابت<sup>۱</sup>

## چکیده:

توجه به نیروی انسانی و ایجاد بستری مناسب جهت آموزش نیروی انسانی توانسته به خوبی اهداف مد نظر سازمان را محقق نماید. برای داشتن یک آموزش اثربخش و مناسب می‌بایست به سمت آموزش‌های انعطاف‌پذیر، ایجاد مسئولیت در قبال آموزش‌ها، برنامه‌های خودآموزشی حرکت نمود. آموزش ضمن خدمت برای سازمان‌هایی همچون بانک‌ها و مؤسسات مالی که اصلی‌ترین خدمات را به صورت رابطه مستقیم مشتری کارکنان ارائه می‌دهند از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این تحقیق سعی شده تا ۴ شعبه منتخب بانک صادرات شهر تهران را به لحاظ شاخص‌های تأثیرپذیر از آموزش ضمن خدمت رتبه‌بندی نماید. ابتدا عوامل تأثیرپذیر کارکنان با اجرای دوره‌های آموزش ضمن خدمت و سپس با استفاده از پرسشنامه و ماتریس تصمیم‌گیری، دو تکنیک SAW و TOPSIS اعمال گردید تا گزینه مورد نظر رتبه‌بندی گردد. نهایتاً نتایج حاصله نشان داد که رتبه‌بندی هر دو تکنیک یکسان بوده است.

کلمات کلیدی: آموزش ضمن خدمت، تصمیم‌گیری چندمعیاره، TOPSIS، SAW

1- مدرس دانشگاه علمی کاربردی رشت، محقق و مشاور حوزه مدیریت بازرگانی و کسب و کار [Fatemeh.sedghi@ymail.com](mailto:Fatemeh.sedghi@ymail.com)

## (۱) مقدمه:

امروزه در هزاره سوم میلادی عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر تغییر و تحولات شتابنده است. در چنین فضایی سازمان‌ها باید به طور مداوم آماده تحولات و رویارویی با تغییرات باشند و بر پایه این نظریه که هر نظام و سیستمی متأثر از نظام برین خود می‌باشند. لازم است مدیران و کارکنان از دانش کافی برخوردار باشند. یعنی مدیران علاوه بر داشتن تعهد و شایستگی‌های فردی و اجتماعی باید به علم و دانش روز مجهز باشند (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۹۷).

یادگیری و آموزش انسان فرآیندی مستمر است و این پدیده، به دلیل افزایش سرعت تغییر در جوامع امروزی اهمیت بیشتری یافته است (ICM، ۲۰۲۰۲). آموزش روندی است که از طریق آن انسان برای داشتن دنیایی بهتر تلاش می‌کند. واژه آموزش از ریشه لاتین "Educate" به معنی استخراج کردن یا بیرون آوردن گرفته شده است؛ بنابراین هدف نخستین آموزش، استخراج و به ظهور رساندن توانایی‌های ذاتی یادگیرنده می‌باشد. در این زمینه‌ها هر چقدر به‌روز بهینه باشد، قابلیت سازگاری سازمان با محیط تغییر نیز بیشتر می‌شود؛ لذا آموزش و توسعه منابع انسانی نه تنها در ایجاد دانش و مهارت ویژه در کارکنان نقش بسزایی دارد، بلکه باعث می‌شود تا افراد در ارتقاء سطح کارایی و اثربخشی سازمان مشارکت بیشتری نمایند و خود را با فشارهای متغیر محیطی وفق دهند. (میرسپاسی، ۱۳۸۲).

## (۲) ادبیات تحقیق:

در حال حاضر رشد نیروی انسانی از طریق آموزش و پرورش بیش‌ازپیش مورد توجه و تأکید سازمان‌ها قرار گرفته است. یادگیری یک فرآیند داخلی است که جوهره آن می‌بایست از درون خود سازمان و به صورت یک حرکت مستمر در گروه‌های کاری پیشاهنگ آغاز و به تمام سطح سازمان تسری یابد (Walton، 1983).

در تمام این مراحل نیروی انسانی جزء جدایی‌ناپذیر این حرکت به حساب آمده و یادگیری سازمانی، با یادگیری نیروی انسانی آغاز شده است ادامه پیدا کرده و به کمال می‌رسد (Aithen، 2010).

برای داشتن یک آموزش یک آموزش اثربخش و مناسب می‌بایست به سمت آموزش‌های انعطاف‌پذیر، ایجاد و مسئولیت در قبال آموزش‌ها، برنامه‌های خودآموزشی حرکت نمود که در برنامه آموزش ضمن خدمت و استفاده همزمان از آموزش‌های دیده شده در محیط کار و استفاده از نیازمندی‌های محیط کار در تدوین برنامه‌های آموزشی می‌تواند بسیار مثمر ثمر باشد. (خوشروز، ۱۳۹۵).

رسیدن به اهداف سازمانی موضوعی بوده که مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است و بر روی عوامل مختلف تأثیرگذار بر اهداف سازمانی مطالعات زیادی صورت گرفته است. در میان اهداف متعدد، کارایی کارکنان نکته بسیار حائز اهمیتی است که می‌توان در افزایش بهره‌وری و رضایت کارکنان بسیار با اهمیت باشد (Aithen، 2010).

برای دستیابی به سطح قابل اطمینان از ارائه خدمات متناسب با نیاز و خواست مشتریان در بازارهای پرقابلیت، سازمان‌ها ناگزیر به انجام برنامه‌ریزی، بهسازی و آموزش کارکنان می‌باشند. بدون تردید یکی از مهمترین عناصر اساسی چنین فرایندی کارکنان و نیروی انسانی سازمان هستند که توانائی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی آنها در کنار عوامل قوانین و مقررات، فرهنگ سازمان و سایر سازوکار مربوطه می‌تواند نقش بسزایی در تحول سازمان داشته باشد. مهمترین طریق توسعه نیروی انسانی از طریق فرایند آموزش کارکنان میسر می‌شود. به عبارت دیگر مدیران مسئولیت دارند برای اینکه کارکنان بتوانند از عمده خواسته‌های جدید مشتریان برآیند، انگیزه‌های بهسازی و آموزش کارکنان را بر مبنای فرصت پیشرفت طوری تعیین نمایند که امکان استفاده از تمام استعدادهای خویش را داشته باشند (کاظمی، ۱۳۹۴).

وجود نظام آموزشی که به آموزش افراد به طور مداوم در طول زندگی و مشاغل گوناگون بپردازد برای کسانی که در سازمان‌ها مشغول کار هستند و همواره در معرض تغییرات و دگرگونی‌های دائمی محیط می‌باشند ضرورت دارد. ضرورت آموزش نیروی انسانی شاغل در سازمان و نقش آن در رشد و توانائی‌های شغلی و آماده نمودن آنان برای انجام هر چه بهتر وظایف ایجاب می‌کند که به آموزش ضمن خدمت کارکنان توجه اساسی مبذول گردد (ایبلی، ۱۳۸۹).

سالانه سازمان‌های مختلف پول هنگفتی را برای آموزش مهارت‌های خاصی صرف می‌کنند بدون اینکه اثربخشی به طور مناسب اندازه‌گیری شود یا سیستم بازخورد مناسبی وجود داشته باشد همچنین این سازمان‌ها نه تنها نمی‌توانند هزینه آموزش خود را تخمین بزنند بلکه نمی‌توانند اثرات رشد و توسعه آن را نیز تعیین کنند. بسیاری موارد در سیستم، اثربخشی آموزشی وجود ندارد و یا بسیار پراکنده و بی‌نظم است. (بیانی، ۱۳۹۶).

اصولاً پیشرفت و تحولات سریع علوم و تکنولوژی همراه با تحولات سریع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند که نیروی انسانی شاغل در سازمان‌ها به‌عنوان مهمترین عامل توسعه یک سازمان به منظور همگامی و همراهی با تحولات مذکور نقش لازم را ایفا کند. کارکنان از طریق استفاده از فرصت‌ها و شرکت در دوره‌های آموزش ضمن خدمت و آموزش مداوم می‌توانند به عنوان عناصری مؤثر و فعال در جهت تحقق اهداف خود و سازمان باشند. (اسدالله، ۱۳۸۴).

## ۱-۲) تعاریف نظری و عملیاتی تحقیق:

### تعریف نظری:

**آموزش کارکنان:** به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران است به طوری که این معلومات و مهارت‌ها به کار آیند و موجب تحول در رفتار شوند (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۹۷). در تعریفی دیگر مگینسون آموزش را چنین تعریف

می‌کند: آموزش تلاشی منظم و سیستماتیک برای انتقال دانش یا مهارت‌ها از فردی آگاه و ماهر به فرد یا افراد ناآگاه و غیرماهر (Megginson, 1993). آموزش فرایندی است از توسعه کیفیت‌ها در منابع انسانی تا آن منابع را قادر به بهره‌وری و بازدهی بیشتر بنماید. (Walton, 1983). آموزش ضمن خدمت: پی‌رو گاتر (۱۹۳۸) آموزش ضمن خدمت را نوعی کوشش نظامند تلقی می‌کند که هدف اصلی آن عبارت است از: هماهنگی و همسو کردن آرزوها، علایق و نیازهای آتی افراد با نیازها و اهداف سازمان در قالب کارهایی که از فرد انتظار می‌رود. (Chen, 1998). در تعریف دیگر آمده است که آموزش ضمن خدمت کارکنان به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌هایشان را در یک‌رشته یا شغل خاص توسعه دهند. آموزش ضمن خدمت بعد از آغاز مسئولیت‌های کاری افراد آغاز می‌شود. (ICM, ۲۰۲۰).

### تعریف عملیاتی:

**آموزش کارکنان:** منظور کلاس‌های آموزشی است که از طرف دفتر آموزش نیروی انسانی برای کارکنان بانک صادرات شهر تهران توسط مدرس انجام می‌شود.

**آموزش ضمن خدمت:** آموزشی است که کارکنان بانک صادرات شهر تهران طی می‌کنند.

### ۲-۲) پیشینه تحقیق:

۱- در تحقیقاتی که توسط ویلیامز جانسون در سال ۲۰۰۷ اعلام گردید، کلیه عوامل مؤثر در تثبیت و نگهداری سازمان‌های مرتبط با صنعت هواپیمایی در ۵۴ کشور جهان مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل شامل عوامل دموگرافی، مدیریت خطا<sup>۲</sup> آموزش عوامل انسانی، مدیریت خستگی<sup>۳</sup> به عوامل انسانی و سیاست‌های سازمانی بودند. پاسخ‌دهندگان شامل گروه‌های مدیریت، کنترل کیفیت، آموزشی و نمایندگان کاری در این کشورها بودند. نتایج این تحقیق حاکی از این بود که یک سوم شرکت‌ها دوره‌های آموزشی را برای کارکنان تازه وارد ارائه می‌دادند و ۶۹٪ پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند که دوره‌های آموزشی توانسته است با ایجاد صرفه‌جویی‌های مناسب، سرمایه‌های هزینه شده برای آموزش را به شرکت برگرداند. ۸٪ پاسخ‌دهندگان اعلام نمودند که دوره‌های آموزشی مطابق با نیازهای آنها در سازمان بوده است. ۶۱٪ پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که مربیان آموزشی آنها خودشان دوره‌های آموزشی دوره‌ای را می‌گذرانده‌اند و تنها ۱۳٪ اعلام کردند که در این کلاس‌ها شرکت نمی‌کردند. نتایج نهایی این تحقیق حاکی از این است که آموزش به عنوان عامل مهم بهسازی سازمان مورد توجه شرکت‌کنندگان در این تحقیق بوده است.

۲- تحقیق دیگری توسط Hait (۱۹۹۸) تحت عنوان بیکاری جوانان انجام گرفت به این نتایج دست یافتند که کیفیت

1 - Error Managment

2 - Fatigue Managment



بسیار پایین نیروی کار جوان و نرخ بیکاری با نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌باشد. نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع این تحقیق بیانگر آن است که اهداف آموزش‌های ضمن خدمت (کوتاه مدت) و آموزش‌های علمی- کاربردی (بلندمدت) در انتقال تجربه، افزایش بهره‌وری و ایجاد انگیزه در کارکنان جهت ارائه خدمات مطلوب‌تر با هیچ ابزار دیگری قابل حصول نیست. بدیهی است این اهداف زمانی می‌تواند به طور کامل به دست آید که آموزش‌ها از دیدگاه برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازسنجی واقعی و بر اساس برنامه‌ریزی نیروی انسانی و با ضریب تحقیق بالا انجام پذیرد.

۳- ایتن (۲۰۰۰) در پژوهش مربوط به آموزش ضمن خدمت به این نتیجه دست یافت که با ترتیب دادن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت با کیفیت بالا و مطلوب می‌توان نگرش کارکنان را تغییر داد. او کیفیت کار مؤسسه و سازمان را در گرو کیفیت دوره‌های آموزشی ضمن خدمت می‌داند. وی معتقد است که این آموزش‌ها باید با امکانات و فناوری‌های بالا ارائه شود کارکنان نیز به همان اندازه از دانش و مهارت‌های بالاتری برخوردار شوند و کیفیت سازمان و مؤسسه را بالا ببرند.

۴- یحیی و گو (۲۰۰۲) به بررسی نیازهای آموزشی کارکنان پرداختند و مهمترین مهارت‌هایی را که باید در برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرند عبارت از: مهارت‌های مربیگری، خلاقیت و نوآوری، مستندسازی فرایندها و رویه‌ها، ارتباطات بین‌فردی، مهارت رهبری، مدیریت عملکرد، مهارت‌های حل مسئله، مهارت توانمندسازی، مهارت تشکیل گروه و کار گروهی دانستند. در صورت توجه به این نیازها در برنامه‌های آموزشی، یادگیری سازمانی منجر به بهبود مستمر خواهد شد.

۵- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی ضمن خدمت روی عملکرد کارکنان شرکت صنایع فولاد اهواز در این تحقیق، متغیر مستقل، دوره‌های آموزشی ضمن خدمت و متغیر وابسته، اثربخشی دوره‌های آموزشی که با مفاهیم ثابت شغلی، مشارکت و کارگروهی، داشتن مهارت و استانداردهای ایمنی معرفی شده است. جامعه آماری از دو گروه کارکنان آموزش دیده و آموزش ندیده تشکیل شده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کارکنان آموزش دیده ثابت شغلی و دانش و مهارت بیشتری نسبت به کارکنان آموزش ندیده داشته‌اند. همچنین گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل دستورالعمل‌ها و استانداردهای ایمنی را بیشتر رعایت می‌کنند. افزون بر اینکه یافته‌ها نشان می‌دهد کارکنان آموزش ندیده از روحیه کارگروهی بهتری برخوردارند. به‌طورکلی این فرضیه که کارکنان آموزش دیده اثربخشی بیشتری نسبت به کارکنان آموزش ندیده دارند در سطح آلفای ۰.۰۵ تأیید شده است. (بزارجزایی، ۱۳۷۴).

- ۶- غفاریان ۱۳۸۴ "تأثیر دوره‌های آموزشی ICT و IT در کارایی و عملکرد مدیران مدارس متوسط ناحیه یک اراک" را مورد بررسی قرار داد که نتایج نشان داد:
- ۱- مدیرانی که دوره‌های ICT را گذرانده‌اند در برنامه‌ریزی آموزشی موفق‌تر از مدیرانی هستند که این دوره‌ها را طی نکرده‌اند.
- ۲- مدیرانی که دوره‌های ICT را گذرانده‌اند در برنامه‌ریزی مالی و حسابداری از مدیرانی که این دوره‌ها را طی نکرده‌اند موفق‌ترند.
- ۳- مدیرانی که دوره‌های ICT را گذرانده‌اند در انجام امور اداری مدرسه موفق‌تر از مدیرانی هستند که این دوره‌ها را طی نکرده‌اند.
- ۴- بین عملکرد زنان و مردان مدیری که این دوره‌ها را طی کرده‌اند تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین عملکرد مدیران دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی تفاوت وجود دارد.
- ۷- مهربان، ۱۳۸۰ "بررسی تأثیر آموزش ضمن خدمت بر رضایت شغلی دبیران متوسط شهر تهران" جامعه آماری شامل کلیه دبیران متوسط دبیرستان‌های مناطق ۱۹ گانه شهر تهران می‌باشد و نمونه آماری ۵۵۰ نفر انتخاب گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین رضایت شغلی دبیرانی که دوره‌های آموزش ضمن خدمت را گذرانده‌اند تفاوت معنی‌داری وجود دارد، تأیید گردیده است.
- ۸- پژوهش دیگری توسط مهدی فر، با عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش از کتابخانه بر توانایی استفاده از کتابخانه توسط دانشجویان رشته شنوایی‌سنجی دانشکده علوم توان‌بخشی انجام شده است. فرضیه پژوهش عبارت است از: استفاده از کتابخانه بر میزان توانایی دانشجویان رشته شنوایی‌سنجی در استفاده از منابع کتابخانه تأثیر دارد. اطلاعات گردآوری شده، از طریق ده آزمون (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین نمرات قبل و بعد از آموزش در واحدهای مورد پژوهش اختلاف معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد (مهدی فر، ۱۳۸۷)
- ۹- خوشروز، ۱۳۹۵ "بررسی تأثیر آموزش‌های کوتاه‌مدت ضمن خدمت کارکنان شهرداری مرکز استان تهران بر عملکرد آنان" جامعه آماری شامل کلیه کارکنان شهرداری مرکز که آموزش‌های کوتاه‌مدت ضمن خدمت را گذرانده‌اند و تعداد آنها ۱۰۹۶ نفر می‌باشد. نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده برای کارکنان آموزش دیده و تعداد نمونه ۲۰۰ نفر می‌باشد و به تناسب افراد آموزش دیده نمونه سرپرستان آنان به شکل مورد تعیین گردیده و تعداد آنها ۶۵ نفر می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که:

۱- گذراندن دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت ضمن خدمت کارکنان شهرداری مرکز استان تهران موجب افزایش مهارت شغلی در آنان می‌گردد.

۲- بین گذراندن دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت ضمن خدمت کارکنان شهرداری مرکز استان تهران و کیفیت شغلی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳- بین گذراندن دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت ضمن خدمت کارکنان شهرداری مرکز استان تهران و فعالیت‌های شغلی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ بنابراین تأثیر دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت به گونه‌ای بوده است که هم کارمندان آموزش دیده خود را از پیش توان‌تر احساس کرده‌اند و هم سرپرستان آنها بر این باورند.

### ۳) روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر روش، از نوع توصیفی و از نظر طرح تحقیق پیمایشی می‌باشد. همچنین این تحقیق از لحاظ هدف از نوع کاربردی در راستای بهبود وضعیت در حوزه تعالی سازمانی در قلمرو تحقیق می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه مدیران، معاونان و کارشناسان شعب بانک صادرات شهر تهران که طبق گزارش اداره مرکزی در شهر تهران مجموع ۱۶۰ نفر می‌باشد.

در این تحقیق نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای است که بر اساس استان تهران به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شده و از هر منطقه یک بانک به تصادف انتخاب شده که در نهایت ۴ بانک صادرات در شهر تهران انتخاب گردید. برای آنکه از تعداد نمونه آماری تحقیق، اطمینان حاصل شود بنابراین از فرمول ذیل استفاده می‌شود تا حداقل نمونه لازم جهت تعمیم برآوردهای مدل به کل جامعه مورد مطالعه مشخص شود.

$$n = \frac{N * p * (p-1) * Z^2 \alpha / 2}{(N-1) \epsilon^2 + p * (p-1) * Z^2 \alpha / 2}$$

مقدار  $p = 0.5$  در نظر گرفته می‌شود تا بدون نیاز به محاسبه واریانس متغیرها، حاصل ضرب  $p * (p-1)$  بیشترین مقدار را نشان دهد و محقق با بیشترین مقدار، نمونه را تخمین بزند.

$$n = \frac{3950 * 0.5 * (0.5) * (1.96)^2}{(3950-1) * (0.06)^2 + 0.5 * (0.5) * (1.96)^2}$$

$$n = 36.43$$

به صورت تقریبی به  $n$  را رند نوشته می‌شود:

$$n = 37$$

بنابراین حداقل نمونه مورد بررسی باید ۳۷ باشد، بنابراین این حجم نمونه را می‌توان با میزان اطمینان و خطای در نظر گرفته شده به جامعه تعمیم داد. در این تحقیق ۵۰ پرسشنامه توزیع شد که ۴۰ پرسشنامه تکمیل گردید. از این بین داده‌های ۳۷ پرسشنامه پس از پالایش داده‌ها، در مدل‌سازی و تحلیل‌ها وارد گردید؛ بنابراین تعداد نمونه‌ای که مورد

تحلیل قرار گرفته است کمی بیش حداقل نمونه مورد نیاز می‌باشد. این تعداد پرسشنامه به این منظور توزیع گردید تا در صورت عدم برگشت تعدادی از پرسشنامه را یا در مراحل پالایش داده‌ها که داده‌های بی کیفیت کنار گذاشته می‌شوند با مشکل کمبود داده مواجه نگردیم.

گردآوری اطلاعات در این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

#### بررسی اسناد و مدارک:

به منظور شناخت دقیق تر و بهتر جامعه آماری، اسناد و مدارک مختلفی راجع به آن بررسی گردید. مطالعات آرشیوی و مرور سوابق به منظور آگاهی از سابقه موضوع مورد بررسی در ایران صورت گرفت.

#### مصاحبه:

مصاحبه‌های صورت گرفته برای انجام این پژوهش شامل مصاحبه‌های حضوری و غیر حضوری با مدیران و کارشناسان شعبات بانک صادرات شهر تهران بوده است.

#### مشاهده:

مشاهده صورت گرفته در این تحقیق ساده و بدون شرکت فعال محقق در محیط مورد مطالعه بوده است. با این شیوه محقق صرفاً به عنوان یک ناظر، جزئیات و عکس‌العمل و بدون دخالت مستقیم یادداشت برداری نمود.

#### بررسی کتابخانه‌ای:

بررسی کتب فارسی و لاتین، جستجو در پایگاه‌های اینترنتی داخلی و خارجی، مطالعه روزنامه‌ها و مجلات تخصصی و... محقق را در شناخت هرچه بیشتر و بهتر موضوع تحقیق و تبیین جوانب و موضوعات مختلف پیرامون دوره‌های آموزشی ضمن خدمت کارکنان یاری نمود. در بخش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و تحقیقات دیگران در زمینه برنامه‌ریزی استراتژیک و کیفیت آموزشی بهره‌مند شدم.

#### طراحی پرسشنامه:

به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردیده است که با توجه به مبانی نظری تحقیق و مطالعات انجام شده، تهیه گردیده و معطوف به فرضیات تحقیق می‌باشد و با استفاده از آن می‌توان به وضعیت هریک از فرضیات تحقیق پی برد. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، از روش آلفای کرونباخ و از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

#### قلمرو تحقیق:

قلمرو موضوعی تحقیق: قلمرو موضوعی این تحقیق رتبه‌بندی شعب بانک صادرات شهر تهران به شاخص‌های آموزشی

ضمن خدمت با استفاده مدل TOPSIS و SAW است.

قلمرو مکانی تحقیق: قلمرو مکانی این تحقیق شامل ۴ شعب بانک صادرات شهر تهران است.

قلمرو زمانی تحقیق: قلمرو زمانی این تحقیق از مرداد ۱۳۹۹ تا دی ۱۳۹۹ است .

#### ۴) نتایج تحقیق:

در این بخش نتایج تحقیق به صورت پاسخ به سؤال تحقیق و بررسی فرضیه و نیز نتایج مستقیم حاصل از اجرای تحقیق و حاصل از مطالعات حوزه ادبیات بیان می‌گردد که به شرح زیر می‌باشد:

۱-۴) رتبه‌بندی شعب بانک صادرات شهر تهران به لحاظ شاخص‌های تأثیرپذیر از آموزش ضمن خدمت با استفاده مدل TOPSIS و SAW نشان داد که نتایج رتبه‌بندی با استفاده از این دو تکنیک به طور معنی‌داری یکسان است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد.

نتایج آزمون آماری میانگین یک جامعه (t) نشان داد که ۳ شاخص کاهش اتلاف منابع، تقلیل غیبت و کاهش ترک خدمت در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار نمی‌باشند؛ بنابراین شاخص‌های بهبود روش‌های انجام کار، افزایش خدمات، تقلیل شکایات، فراهم آمدن امکان ارتقا شغلی و رضایت شغلی به عنوان متغیرهای معنی‌دار و تأثیرگذار به عنوان شاخص‌های تصمیم‌گیری برای تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره بکار برده می‌شود.

۲) نتایج آزمون آماری میانگین دو جامعه نشان داد که متغیرهای سابقه کاری، تحصیلات و رشته تحصیلی بر روی پاسخ افراد به صورت معنی‌داری تأثیر نداشته است و از طرفی متغیر جنسیت، صرفاً بر روی پاسخ افراد برای شاخص کاهش اتلاف منابع به صورت معنی‌داری تأثیر داشته است.

نتیجه به‌کارگیری تکنیک AHP، اهمیت هر یک از شاخص‌های مورد بررسی را به صورت ذیل نشان می‌دهد:

| شاخص   | افزایش خدمات | بهبود روش‌های انجام کار | تقلیل شکایات | فراهم آمدن امکان ارتقا شغلی | رضایت شغلی |
|--------|--------------|-------------------------|--------------|-----------------------------|------------|
| مقادیر | ۰.۰۸۵        | ۰.۱۶۴                   | ۰.۱۷۰        | ۰.۲۶۳                       | ۰.۳۱۸      |
| اولویت | ۵            | ۴                       | ۳            | ۲                           | ۱          |

اولویت‌بندی شعب بانک صادرات شهر تهران در مناطق چهارگانه با استفاده از تکنیک SAW به صورت ذیل می‌باشد:

| رتبه | مقادیر SAW | شهر تهران |
|------|------------|-----------|
| ۳    | ۰.۶۵۱۷     | شمال      |
| ۱    | ۰.۶۷۳۸     | جنوب      |
| ۴    | ۰.۶۳۳۲     | شرق       |
| ۲    | ۰.۶۵۴۳     | غرب       |

اولویت‌بندی شعب بانک صادرات شهر تهران در مناطق چهارگانه با استفاده از تکنیک TOPSIS به صورت ذیل می‌باشد:

| رتبه | مقادیر ضریب نزدیکی TOPSIS | شهر تهران |
|------|---------------------------|-----------|
| ۳    | ۰.۶۵۱۷                    | شمال      |
| ۱    | ۰.۶۷۳۸                    | جنوب      |
| ۴    | ۰.۶۳۳۲                    | شرق       |
| ۲    | ۰.۶۵۴۳                    | غرب       |

#### ۵) پیشنهاد و نتیجه‌گیری:

##### نتیجه‌گیری:

(۱) مطالعات پیشین بیشتر در حوزه تأثیر آموزش ضمن خدمت بر کارایی، رضایت و کیفیت شغلی کارکنان انجام شده است.

(۲) هیچ‌کدام از تحقیقات داخلی به حوزه رتبه‌بندی کارکنان یا شعب بانک با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره نپرداخته‌اند.

##### پیشنهادات:

(۱) پیشنهاد می‌گردد مطالعه مشابهی در سایر شهرهای کشور انجام گیرد زیرا تغییر فرهنگ در نقاط دیگر ممکن است سبب شود نتایج تحقیق تغییر کند.

(۲) پیشنهاد می‌گردد مطالعه مشابهی در سایر بانک‌ها نیز انجام گیرد.

(۳) پیشنهاد می‌گردد مطالعه‌ای در صنایع دیگر مانند بیمه، رید بورس اوراق بهادار برای ارائه عمومیت بخشی تحقیق صورت گیرد.



## ۶ منابع:

- ۱) ابیلی، خدایار، ۱۳۸۹، مجموعه مقالات کنفرانس چهاردهم آموزش در سازمان: ضرورت ارزشیابی دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، تهران: انتشارات مؤسسه بین‌المللی.
- ۲) اسدالله، حمیدرضا، ۱۳۸۴، آموزش و نقش آن در توسعه منابع انسانی، نشریه مدیریت.
- ۳) آقامحمدی، چنگیز، ۱۳۹۴، نقش آموزش نیروی انسانی در کارآیی سازمان، نشریه حمایت.
- ۴) بزاز جزایری، سید احمد، ۱۳۸۴، نشریه آموزش هماهنگ سازمان گسترش و نوسازی.
- ۵) بیانی، احمد، ۱۳۹۶، روش‌های تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روانشناسی، انتشارات رهیافت.
- ۶) تقی پور، ظهیر، علی، ۱۳۹۷، برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی و بهبود عملکرد بهره‌وری در سازمان‌های آموزشی فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش شماره ۱۶ دوره چهارم.
- ۷) خوشروز، فاطمه، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر آموزش‌های کوتاه مدت ضمن خدمت شهرداری مرکز استان تهران بر عملکرد آنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ۷) سید جوادین، سید رضا، ۱۳۸۴، مروری جامع بر نظریه‌های مدیریت و سازمان، تهران، انتشارات نشر نگاه دانش، چاپ سوم.
- ۸) کاظمی، عباس، ۱۳۹۴، بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان.
- ۹) مهربان، علی، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر آموزش ضمن خدمت بر رضایت شغلی دبیران متوسطه شهر تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ۱۰) میر سپاسی، ناصر، ۱۳۸۴، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، انتشارات مروارید.
- ۱) AITHEM, E. ۲۰۱۰. Incervice Training For Teacher in NZ School.
- ۲) Chen, S. J / Hwang, C. L, ^ Hwang, F.P, ۱۹۹۸ “Fuzzy multiple attribute decision making “. Lecture notes in Economic and mathematical system, ۳۸۹.
- ۳) ICM, ۲۰۲۰, The International Commission on mathematical Instruction.
- ۴) Megginson, David, Jennifer Joy & Matthews, ۱۹۹۳, Pual Banfield Human resource Development, published in AMED.
- ۵) Walton, Richard. E, ۱۹۸۳, Quality of work life : whatisit ?, Sloun Management Review pp ۱۱-۲۳.
- ۶) Yahya, S. and Goh, W, ۲۰۰۲, Management, journal of knowledge Management, Axhiviny knowledge Management, journal of knowledge Management, Vol ۶, No۵, pp:۴۵۷-۴۶۸.

**Subject: Evaluation of ranking of employees of Bank Saderat Bank Tehran through in-service training using TOPSIS and SAW multi-criteria decision-making techniques**

Fatemeh sedghi sabet

Lecturer at Rasht University of Applied Sciences, Master of Business Administration

Gilan.Rasht

[Fatemeh.sedghi@gmail.com](mailto:Fatemeh.sedghi@gmail.com)

**Abstract:**

Attention to human resources and creating a suitable environment for human resources training has been able to achieve the goals of the organization. To have an effective and appropriate training, we must move towards flexible training, creating responsibility for training, self-training programs. In-service training is very important for organizations such as banks and financial institutions that provide the main services directly to the employee-customer relationship.

In this research, we have tried to rank 4 selected branches of Bank Saderat in Tehran in terms of effective indicators of in-service training. First, the effective factors of the employees by implementing in-service training courses and then using a questionnaire and decision matrix, two techniques SAW and TOPSIS were applied to rank the desired option. Finally, the results showed that the ranking of both techniques was the same.

**key words:**In-service training , multi-criteria decision making , TOPSIS, SAW

## فصلنامه جهان نوین

No 4, 2 021 , P 6 5 -7 7

سال سوم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۵-۷۷

(ISSN): 2645 - 3479

شماره شایا: (۲۶۴۵ - ۳۴۷۹)

## تبیین اجتماعی عوامل مؤثر بر آگاهی جوانان از حقوق شهروندی جوانان

محمد حسینی ۱

## چکیده:

حقوق شهروندی مجموعه قواعد و قوانینی است که زمینه‌ساز ورود شهروندان به عرصه‌های مختلف اجتماعی جامعه است. هدف این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی جوانان از حقوق شهروندی است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان که شامل ۳۰۰۰ دانشجوی می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق یافته و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روایی تحقیق از طریق کارشناسان و متخصصان تأیید شده و پایایی تحقیق ۰/۸۹ از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد. داده‌های به دست آمده از طریق نرم‌افزار SPSS بر مبنای اهداف تحقیق از طریق آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین آگاهی از حقوق شهروندی و آموزش اجتماعی، مشارکت در عرصه عمومی، استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه آماری معناداری دارد. همچنین میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان برحسب جنسیت تفاوت معناداری مشاهده نشد، اما بر مبنای مقطع تحصیلی در میان دانشجویان، میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت معناداری وجود داشته است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، آموزش اجتماعی، رسانه‌های جمعی، مشارکت عمومی، دانشجویان.

## مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، جایگاه و امتیازات شهروندان است. به دنبال تحولات اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی در دو قرن گذشته و فروپاشی بنیان حکومت‌های خودکامه و پیدایش مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی و حقوقی، دوره جدیدی در تجربه تاریخی بشر رقم خورد. پیدایش مجلس قانون‌گذاری، تفکیک قوای حکومتی، تجدید قدرت سیاسی و ظهور قوانین اساسی به‌عنوان میثاقی عمومی میان حاکمیت سیاسی و شهروندان، افق نوینی را در تنظیم و شفافیت روابط متقابل دولت و شهروندان گشود و حقوق و امتیازات شهروندان در قوانین اساسی دولت‌های جدید جایگاهی ممتاز یافت (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۶). شهروندی عمدتاً مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است. حقوق شهروندی به‌عنوان جزئی بسیار مهم از مقوله شهروندی در ابعاد مختلفی نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، جنسی و فرهنگی مطرح می‌شود. حقوق شهروندی به‌ویژه در بعد سیاسی‌اش مشارکت برای سازماندهی اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵).

شهروندی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های امروزی و شاخص کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است. وجوه مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی عبارت از برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی مذهبی و قومی است. پدیده شهروندی کامل در نهایت منجر به مشارکت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می‌گردد. علی‌رغم تنوع تعاریف متعدد از حقوق شهروندی، موضوع واحدی در همه آنها وجود دارد و آن تأکید بر حقوق و وظایف است. اما نکته مهم آن است که شهروندان افزون بر برخورداری از فرصت‌ها و مسئولیت‌ها باید از دانش و منابعی که آنها را قادر به مشارکت می‌کند نیز بهره‌مند گردند. جامعه و متصدیان وظیفه تأمین این نیاز را بر عهده دارند به‌عبارت‌دیگر شهروندی کامل در ترکیب ابعاد مختلفی از آگاهی و رفتار تحقق می‌یابد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰).

شهروندی حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد. این مفهوم ترجمان حقوق و آزادی‌های اساسی و عمومی جامعه بوده و اساسی‌ترین نیازهای هر ملت را در برمی‌گیرد. حقوق شهروندی در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و در برگیرنده ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و

یکسان هستند و نظام سیاسی جامعه موظف به تثبیت و حمایت این حقوق و تأمین برابر آن برای تمام شهروندان فارغ از تعلقات قومی و نژادی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی و اقتصادی آنان است (داودوندی و شیانی، ۱۳۸۹). آگاهی افراد از حقوق شهروندی نخستین عامل در تسهیل صحیح ملت و دولت و روابط متقابل و تعاملات افراد در جامعه است. بدون

آگاهی، هیچ تغییری در این زمینه مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی‌شود. حتی قانون به‌عنوان عاملی در بروز و نهادینگی حقوق شهروندی، بدون آگاهی افراد جامعه تحقق‌پذیر نیست. براین اساس اگرچه آگاهی افراد اجتماع از هر مقوله اجتماعی تنها عامل تعیین‌کننده در اجرا و تثبیت آن محسوب نمی‌شود، اما نخستین عامل اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید. مادامی که میزان آگاهی افراد یک جامعه از حقوق شهروندی خود در ابعاد مدنی، اجتماعی و سیاسی در سطح مناسبی نباشند، نه توانایی و پشتوانه‌ای نظری جهت مشارکت عالی در امور مختلف جامعه خواهند داشت و نه قدرت ابلاغ خواست‌های عمومی خود به حاکمیت سیاسی را دارند. از سوی دیگر آگاهی اجتماعی خودبه‌خود و بدون پشتوانه حادث نمی‌شود. عوامل متعدد از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در میزان روند آگاهی‌های اجتماعی افراد جامعه مؤثر هستند. در این میان عوامل اجتماعی و فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. زیرا در صورتی که شرایط اجتماعی و فرهنگی فراهم نشود، توسعه آگاهی‌های افراد نیز با موانع جدی مواجه خواهد بود؛ لذا ملاحظه می‌شود که بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه جدی وجود دارد و طبعاً متغیرهای مانند آموزش‌های اجتماعی، رسانه‌ها و مشارکت افراد در عرصه‌های عمومی و میزان تحصیلات با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵). شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی و اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته است. این مفهوم در فرایند تاریخی و به تبع تحولات پدید آمده در جوامع دگرگون شده است. چنان‌که مکاتب و صاحب‌نظران این مفهوم را در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادند و هریک بعد یا ابعادی از آن تاکید داشته‌اند. در بررسی تحولات نظری مفهوم، به یک اعتبار می‌توان دو مکتب لیبرالیسم و مکتب جمهوری خواه را از یکدیگر تفکیک کرد (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹). در مکتب لیبرالیسم اصالت با فرد است. پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می‌رود و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد؛ بنابراین شهروندی باید بر مبنای حقوق باشد، اگرچه این امر به معنای فراموش کردن وظایف نیست بلکه نشان می‌دهد که حقوق بنیادی‌ترند. توماس هابز از جمله متفکران لیبرال است که حقوق شهروندی را شامل حق اعمال‌نظر، حق انتخاب وکیل و نماینده و حق آزادی بیان می‌داند و معتقد است مادامی که شهروندان از این حق برخوردار نشوند جامعه مدنی به معنای واقعی خود شکل نخواهد گرفت. در حالی که در مکتب جمهوری خواهی این تعهدات و وظایف است که نقش محوری ایفا می‌کنند. شهروندی در این تفکر یک عمل و فعالیت تعریف می‌شود. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۴).

اولین تلاش منظم نظری در این سنت مربوط به ارسطو است. به عقیده وی شهروندان کسانی هستند که به طور چرخشی در زندگی مدنی و شهری در حکم راندن سهم می‌باشند. در این نظام حکومتی شهروندان قادر به آگاه شدن از ویژگی‌های یکدیگرند. از دیدگاه ارسطو شهروند صاحب حقوق، حق دارد که برای کسب حاکمیت تلاش کند و بپذیرد دیگران نیز صاحب حق هستند که برای تصرف و حاکمیت جانشینی او بکوشند (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۷).

جامعه‌شناسان نیز به مفهوم شهروندی به نظرانی اجتماعی را ارائه داده‌اند. به زعم مارشال شهروندی موقعیتی است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آنها، با یکدیگر برابرند. هیچ اصل فرا شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیستند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (مارشال، ۱۹۶۴: ۱۷). به عقیده مارشال شهروندی به سه بخش مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود. حقوق مدنی شامل آزادی از انواع مشخصی از تجاوز غیرقانونی به‌ویژه به وسیله دولت است (کاستلز و دیدوسون، ۱۳۸۲: ۲۲۸). حقوق سیاسی به معنای برخورد همه افراد از زمینه‌های مشارکت در بخش‌های مختلف جامعه است. حقوق اجتماعی هم طیف وسیعی از انواع حقوق مانند حق حداقل‌هایی از میزان رفاه و امنیت و زندگی کرد مطابق استانداردهای رایج غالب در جامعه به شیوه‌های متمدن را شامل می‌شود (مارشال، ۱۹۶۴: ۱۹-۲۰). ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی همچون مارشال به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی حقوق شهروندی حقوق هستند که گروه‌های مختلف از آنها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند. وی به‌طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۲۸).

در حالی که وبر در تعریف خود از شهروندی بیشتر به حقوق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و حق نمایندگان توجه داشت، برداشت مارکسیستی از حقوق بر پایه جمع‌گرایی استوار بوده است (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹). مارکس با زیربنا قرار دادن منابع اقتصادی و رو بنا قرار دادن آگاهی و شعور انسان‌ها به شهروندی و حقوق مربوط به آن توجه داشته است. به عقیده وی مجموعه این روابط پایه واقعی بنای حقوقی و سیاسی را می‌سازند و با صورت‌های معینی از آگاهی همراه‌اند. در نظام سرمایه‌داری نابرابری‌های وسیع طبقاتی وجود دارد و جایی برای شهروندی و مشارکت افراد نیست، پس شهروندان دارای حقوق برابر نیستند (مارکس، ۱۹۶۷: ۲۹). در همین راستا در اندروپ شهروندی را موتور پویای حرکت گروه‌های اجتماعی می‌داند چرا که اگرچه شهروندی یک موقعیت



حقوقی برای همه افراد به شمار می‌رود اما در واقع یک امتیاز برای عده‌ای از افراد به شمار می‌رود که از آن برخوردارند (دارندروف، ۱۹۹۴: ۱۴-۱۸).

پارسنز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخوردار بودن همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از حقوق شهروندی ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). هابرماس، معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌گردند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (هابرماس، ۱۹۹۴: ۳۵۰-۳۴۵).

به عقیده ترنر، شهروندی بر دسترسی افراد گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیاسی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده است. در کنار این منابع وی به سه نوع حقوق شهروندی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: حقوق اقتصادی مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی. این موارد به حقوق اجتماعی متمایز از حقوق انسانی با فرض عضویت در دولت ملت مربوط می‌شود؛ بنابراین در تأکید بر ایده شهروندی، علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است، پس در تعریف وی، شهروندی عاملی فعال است؛ بنابراین شهروندی از پایین به بالا است و شهروندان با آگاهی از حقوق و وظایف خود در امور جامعه مشارکت می‌کنند (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷). در انتقاد به دنیای مدرن، پست‌مدرن‌ها مباحث و مجادلاتی را درباره ارتباط شهروندی با ملیت و جهانی‌شدن، هویت‌های مختلف فرهنگی، جنسیت و وضعیت اقلیت‌ها مطرح کرده‌اند.

چنان که به اعتقاد آنان، ماهیت شهروندی در دوران مدرن دچار تناقض شده و محدودیت در زمینه دولت - ملت، همه‌شمولی و مساوات‌طلبی در رویکردهای لیبرال مشاهده می‌شود که برای دستیابی به شهروندی واقعی باید از میان برداشته شود. فالکس، از جمله پست‌مدرن‌هاست که در شهروندی پسامدرن خود به دفاع از لیبرالیسم می‌پردازد. به عقیده وی حقوق فردی ما تنها هنگامی معنادار هستند که به وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت شوند، دیگریانی که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

فمینیست‌ها نیز عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود (شیانی، ۱۳۸۲: ۴۱)؛ بنابراین زنا برای اینکه به‌مثابه شهروندان زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمان عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی کنند. یانگ، از دیگر متفکران پست‌مدرن با گسست از سنت لیبرال معتقد است که ادعای لیبرال‌ها درباره حقوق شهروندی به سرکوب اقلیت‌ها و نفی تفاوت‌ها منجر می‌شود. وی با تأکید بر حقوق گروهی، شهروندی را نوعی قرارداد اجتماعی می‌داند که هدف اصلی آن ارتقاء امنیت و رفاه در جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (فتحی، ۱۳۸۱: ۲۱).

تحقیقات فراوانی در حوزه حقوق شهروندی انجام شده است. حاجزاده و منصور (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که شهروندان از میزان آگاهی به حقوق شهروندی در حد متوسطی می‌باشند. همچنین بین نگرش به حقوق شهروندی، استفاده از رسانه، حضور در عرصه عمومی، تحصیلات و سن با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری بوده است ربانی و همکاران (۱۳۸۵) تحقیقی تحت عنوان عوامل فرهنگی اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان شهروندان اصفهانی انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین آموزش‌های اجتماعی، رسانه‌های جمعی، حضور در عرصه‌های عمومی، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری دارد. شیانی و دادوندی (۱۳۸۹) تحقیقی تحت عنوان تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه تهران انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان از

حقوق شهروندی بر حسب جنسیت متفاوت بوده است. همچنین بین میزان آگاهی اجتماعی دانشجویان و نگرش‌های آنان به موضوعات مختلف با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معناداری دارد.

رابطه آماری پیترسون و مازلر (۲۰۰۹) پژوهشی را باهدف کشف میزان آگاهی دانشجویان در زمینه شهروندی فعال انجام دادند یافته‌ها نشان داد که میزان آگاهی دانشجویان در زمینه شهروندی مطلوب و زیاد بوده است. کوتسلی (۲۰۰۸) مطالعه‌ای در دانشگاه علوم تربیتی قبرس در بین دانشجویان انجام داد. نتایج مطالعه نشان داده است که دانشجویان به طور پیوسته درباره مفاهیم حقوق بشر، فرهنگ و سیاست به بحث و گفتگو می‌پردازند و آنها در جهان به شدت چندفرهنگی آموزش شهروندی را پیشنهاد می‌دهند. آگاهی از حقوق شهروندی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر برای خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود؛ بنابراین میزان آگاهی از حقوق و تعهداتشان شیوه‌های فعال‌شدن آنها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقا آن نقش مؤثری دارد؛ بنابراین شهروندی بیش از آنکه نیازمند بحث در باره شاخص‌ها و مؤلفه‌های حقوق و وظایف باشد، ضرورت بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن را بازتاب می‌دهد. آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و مطالبات آنان جایگاه ویژه‌ای دارد. دانشجویان قشر ممتاز هر جامعه هستند که بیشتر برگزیدگان و سرآمدان از میان آنها برمی‌خیزند. این گروه در شکل‌دهی به آگاهی مردم از حقوقشان نقش مؤثری داشته و از توانایی فراوانی در ایجاد تحرک و جریان‌سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردارند. در نتیجه به‌مثابه گروه مرجعی به شمار می‌روند که افراد نگرش‌ها و رفتارهایشان را از آنان اقتباس می‌کنند. در شرایط فعلی، دانشجویان از یک سو در معرض تغییرات پدید آمده در جهان و ایران مانند جهانی‌شدن، دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های نوین بوده و از طرف دیگر آموزه‌های متفاوتی را در عرصه آموزش‌های دانشگاهی دریافت می‌کنند. در همین راستا نظام آموزش عالی و محتوای برنامه‌های آن سهم به‌سزایی در آگاهی و شکل‌دهی به نگرش دانشجویان خواهد داشت. به‌این ترتیب آگاهی از حقوق شهروندی در جامعه ایران به‌ویژه در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ بنابراین انجام‌دادن تحقیقات و پژوهش‌هایی که در حوزه ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی انجام می‌شود بیش‌ازپیش احساس می‌شود. بر این مبنا در این تحقیق قصد داریم به این پرسش پاسخ گوئیم که بین عوامل اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؟

#### فرضیات تحقیق

۱. بین میزان آموزش اجتماعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین میزان مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.

#### روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان که شامل ۳۰۰۰ دانشجو می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق یافته و شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روایی تحقیق از طرق کارشناسان و متخصصان تأیید شده و پایایی تحقیق ۰/۸۹ از طریق آلفای کرونباخ دست آمد. داده‌های دست آمده از طریق نرم‌افزار SPSS بر مبنای اهداف تحقیق از طریق آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### یافته‌های تحقیق

۱- بین میزان آموزش اجتماعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱- رابطه بین آموزش اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

| آموزش اجتماعی | ضریب تعیین | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|---------------|------------|--------------|---------------|
|               | ۰/۷۲       | ۰/۸۴         | ۰/۰۰۱         |

بر اساس خروجی جدول اول می‌توان بیان کرد که سطح معنی داری نشان می‌دهد که بین میزان آموزش اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی داری وجود دارد ( $\text{Sig} = 0/001$ ). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ( $r = 0/84$ ). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ( $r^2 = \%72$ ).

۲- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲- رابطه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

| استفاده از رسانه‌های جمعی | ضریب تعیین | ضریب همبستگی | سطح معنی داری |
|---------------------------|------------|--------------|---------------|
|                           | ۰/۷۳       | ۰/۸۵         | ۰/۰۰۰         |

بر مبنای جدول دوم، سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ( $Sig= 0/000$ ). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ( $r = 0/85$ ). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ( $r2=73\%$ ).

۳- بین میزان مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳- رابطه بین مشارکت در عرصه عمومی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

|                      | ضریب تعیین | ضریب همبستگی | سطح معنی‌داری |
|----------------------|------------|--------------|---------------|
| مشارکت در عرصه عمومی | ۰/۷۸       | ۰/۸۸         | ۰/۰۰۰         |

بر مبنای جدول سوم، سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که بین مشارکت در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ( $Sig= 0/000$ ). ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور است ( $r = 0/88$ ). همچنین ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود ( $r2=78\%$ ).

۴- میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت، مقطع تحصیلی متفاوت می‌باشد.

جدول ۴- میزان آگاهی از حقوق شهروندی بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی

|                     | جنسیت | مقطع تحصیلی |
|---------------------|-------|-------------|
| جنسیت و مقطع تحصیلی | ۰/۰۷  | ۰/۰۴        |

بر مبنای جدول چهارم، می‌توان بیان کرد که آگاهی از حقوق شهروندان در میان دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معناداری ندارد. یعنی بیم دختران و پسران دانشجویان تفاوت معناداری ندارد ( $Sig= 0/07$ ). اما میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت معناداری دارد. ( $Sig= 0/04$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

شهروندی به‌عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و مؤثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است. حقوق شهروندی امتیازاتی است که افراد مقیم در یک جامعه از لحاظ مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و قضایی باید از آن برخوردار باشند. هر جامعه‌ای با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز به شهروندانی آگاه دارد. تا بتوانند در قالب حقوق و وظایف تعیین شده، در

چارچوب فضایی سیاسی - اجتماعی فعالیت کنند. دستیابی به چنین هدفی نیازمند تدابیر و زمینه‌های لازم برای آگاه‌سازی شهروندان است. پس آگاهی از حقوق و وظایف امری حتمی است.

بر اساس یافته‌های تحقیق بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و آموزش اجتماعی، مشارکت در عرصه عمومی و استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه آماری معناداری وجود دارد که با یافته‌های تحقیق‌های (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ شیانی و دادوند، ۱۳۸۹؛ شریفی و امامیه، ۱۳۹۱) همسو بوده است.

پایین بودن میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان به‌عنوان مهمترین سرمایه هر جامعه زنگ خطری است که مسئولین و کارشناسان باید برای افزایش آگاهی دانشجویان برنامه‌های مدون و کاربردی تدوین و اجرا کنند. در راستای افزایش میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی پیشنهاد می‌شود که در سطح دانشگاه و به‌صورت هفتگی سمینارهای کارآمد و مفید با حضور حقوقدانان و جامعه‌شناسان مطرح برگزار گردد و دانشجویان را با حقوق شهروندی در ابعاد متفاوت آن آشنا کنند. بعد از آشنایی با حقوق شهروندی شرایط مشارکت و فعالیت دانشجویان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی فراهم کنند. این تحقیق با محدودیت‌های روبه‌رو بود. تحقیقات کمی در موضوعات اجتماعی کافی نبوده و پیشنهاد می‌شود از روش‌های کیفی و کمی در چنین تحقیقاتی استفاده شود. همچنین در سطح نمونه وسیع‌تری مانند منطقه‌ای و استانی این نوع تحقیقات انجام پذیرد و عوامل مؤثر بر میزان آگاهی بر حقوق شهروندی نیز مشخص شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- احمدی طباطبایی، محمدرضا (۱۳۸۸) حقوق شهروندی با تاکید بر قانون جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۸-۳.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۰) انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۲.
- حسام، فرحناز (۱۳۸۰). هویت شهروندی، اندیشه و پژوهش، سال پنجم، شماره ۵۱.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- فالكس، حیث (۱۳۸۱) شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق و تأمین اجتماعی، سال اول، شماره یک.
- فتحی، کورش (۱۳۸۱) تربیت شهروندی، تهران: نشر فاخر، چاپ اول.
- کاستلز، استفان و دیدوسون، آلی ستر (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، مترجم: فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ربانی، رسول؛ حقیقیان، منصور و اسماعیلی، محمد (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۶-۸۵.
- شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره (۱۳۸۹). تحلیل بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره پنجم، صص ۶۰-۳۵.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره س، صص ۱۸-۳۸.
- محمدی، جمال و تبریزی، نازنین (۱۳۹۰) سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری، مجله جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره اول، صص ۱۹۰-۱۷۵.
- شریفی، اصغر و اسلامی، فاطمه (۱۳۹۱) بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۲۴-۱۰۹.
- مصطفی، حاجزاده و منصوری، اعظم (۱۳۹۲) سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷.
- Koutselini, Mary (2008). Citizenship Education in Context: Student Teacher Perceptions of Citizenship in Cyprus. *Intercultural Education*, Vol 19, No 2 . PP: 163- 175. April 2008.
- Peterson, Andrew & Knowles, Catherine (2009). Active Citizenship: A Preliminary Study into Student Teacher Understandings. *Journal of Educational Research*, Vol 51 No 1, PP 39-59. Mar 2009.

- Dahrendrof, R (1994). " Citizenship and Beyond: Beyond: The social Dynamics of an Idea", in B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Concept, London :Routledge
- Janoski, T (1998)., citizenship and civil society, Cambridge universitypress
- Marx,k. (1967). on the jewish question in k.marx early political writings. cambridge:cambridge university press
- Marshall, T.H. (1994). citizenship and social class in B.S.turner & Hamilton, citizenship: critical concept. London: Roul ledge
- Habermas, J (1992). Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe , in B.S Turner and P.Hamilton, and , Citizenship Critical Concept , London: Routledge



## The role of entrepreneurship in business management

niloofar Vojdanian

M.Sc. Student of Business Management, Entrepreneurship Orientation, Faculty of Economics and Management, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Iran

### Abstract:

Simply put, entrepreneurship is the process of starting a business based on a new idea. Maybe because of the lack of open economic space, an individual or company starts entrepreneurship. The key element of creating a business and the resulting management is the birth of the entrepreneur and entrepreneurship. The purpose of this article is to examine, determine the role and type of entrepreneurial relationship in business management. With the aim of applied implementation and correlational survey of 100 people, a questionnaire was assessed on the relationship between the two and the role of entrepreneurship in business management. Analysis of the results in SPSS software showed that there is a significant relationship between the two and entrepreneurship plays a predictive role for business management. Also, in order to identify the effective factors in prioritizing them in the approach of this role, 15 active and specialized experts in the relevant affairs were measured in the form of a pairwise comparison table, which was determined by special vector method. It is economical.

**key words:** Entrepreneurship, business management